

«ایران» در ویژه‌نامه دو سالگی دولت سیزدهم
«تحول» در داخل، «نظم‌نوین» در منطقه و «ائتلاف‌سازی» جهانی را بررسی می‌کند

مدافع منافع ملی

با گفت‌وگوها
و یادداشت‌هایی از:

← مهدی صفری

← سیدمحمد حسینی

← حسین قریبی

← علیرضا عنایتی

← سید رضا صدرالحسینی

← عابد اکبری

← مصطفی مصلح‌زاده

← سید مصطفی خوش‌چشم





عکس‌ها: رضا معطریان/ایران

گفت و گوی تفصیلی «ایران» با دکتر علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت

مردم خط قرمز رئیس جمهور هستند

● دستاورد

امروز پس از دو سال از تشکیل دولت سیزدهم، می‌توان تغییرات مهمی را در دولتمداری مشاهده کرد. انسجام در مدیریت، پایان مناقشه قوا و ارزیابی مستمر مدیران، تنها بخش‌هایی از ریل‌گذاری‌های تازه‌ای است که در شیوه اداره قوه مجریه رقم خورده است. ریشه‌ها و زمینه‌های وقوع این تغییرات راهبردی، محور اصلی گفت‌وگو با علی بهادری جهرمی، دبیر و سخنگوی هیأت دولت بوده است. بهادری جهرمی تأکید کرد که چهار اصلی که برای تصدی مسئولیت‌ها در این دولت تعیین شده است، یعنی کارآمدی، پاکدستی، مسئولیت‌پذیری و همراهی با گفتمان کلان دولت، به طور مستمر در مدیران ارزیابی می‌شود و هر جا که احساس شود در مدیری یکی از این شاخص‌ها زائل شده است، دولت سیزدهم اصل را بر منافع عمومی و خدمت‌رسانی به مردم قرار داده و از این مدیر خداحافظی می‌کند. این گفت‌وگو که به واقع تبیینی است از چهارچوب گفتمان، رویکرد و راهبرد دولت مردمی را می‌خوانید:

را نهایی می‌کنند و برای دفتر دولت ارسال می‌کنند. یکی از کارهایی که در این دولت انجام شده، این است که در دفتر دولت، فرایند یا سامانه‌ای طراحی شده تا سوابق این جلسات و بحث‌ها اخذ و نگهداری شود. به این معنی که وقتی دستگاهی متنی یا پیشنهادی را برای دولت ارسال می‌کند، سوابق آن را نیز ارسال می‌کند و در آن عنوان می‌کند که این متن طی چه فرایندی طراحی و تدوین شده، چه مقدمه توجیهی دارد، از چه کسانی مشورت گرفته شده و در نهایت اینکه پیوست‌های این متن چیست. زیرا می‌دانید که ما امروز پیوست‌های بر زمین مانده‌ای مانند پیوست عدالت یا پیوست فرهنگی داریم که باید در مصوبات و تصمیمات لحاظ شود و این پیوست‌ها جزو مطالبات سال‌ها بر زمین مانده مقام معظم رهبری و بزرگان و نخبگان کشور بوده است. امروز در دفتر دولت زیرساخت این امر فراهم شده تا برای هر متن و مصوبه‌ای مشخص باشد که دلایل توجیهی و آثار آن در حوزه‌های عدالت فرهنگی و اقتصادی چیست. البته این فرایند فعلاً در مرحله اولیه است و به مرحله الزام نرسیده است، اما جزو مواردی است که درباره آن پرسیده می‌شود. پس از اخذ نظرات از نخبگان یا ذی‌نفعان در دستگاه‌ها، وقتی بررسی این پیشنهاد دستگاه در دستور کار دفتر دولت قرار می‌گیرد، پیش از برگزاری کمیسیون اصلی با حضور وزرا، دو کمیسیون دیگر هم برگزار می‌شود، یکی کمیسیون

دهنده متن مصوبه، اعم از آیین‌نامه یا لایحه هستند، آغاز می‌شود. دستگاه‌ها ابتدا به صورت درونی جلسات مختلفی با کارشناسان، پژوهشکده‌ها یا اندیشکده‌های خودشان برگزار می‌کنند. در مرحله بعد جلسه‌ای با جامعه ذینفعان یا بخش‌های مرتبط با حوزه کاری و مأموریت دستگاه‌ها برگزار می‌شود. البته عموماً این گونه نیست که جلسات صرفاً با ذینفعان باشد، گاهی هم ممکن است این جلسات برای شنیدن دیدگاه‌ها و دغدغه‌ها، با منتقدان یا نخبگان مرتبط با آن حوزه خاص برگزار شود. لذا دستگاه‌ها، طی برگزاری چنین جلساتی و اخذ دیدگاه‌های مختلف، متن

فرایند تصمیم‌گیری در کمیسیون‌های دولت و نحوه اخذ مشورت و مشارکت دادن اتحادیه‌ها، اصناف یا اقشار مختلف که در ارتباط با موضوع لوائح هستند، چگونه است؟

شروع فرایند تصویب یک مقرره، اعم از اینکه این مصوبه هیأت وزیران، آیین‌نامه یا لایحه باشد، از دفتر دولت نیست، بلکه این فرایند از دستگاه‌های اجرایی شروع می‌شود. بنابراین در پاسخ به سؤال شما، باید گفت ارتباط یا دخالت دادن جامعه هدف یا نخبگان از دفتر دولت شروع نمی‌شود، بلکه از دستگاه اجرایی که پیشنهاد



پس از اخذ نظرات از نخبگان یا ذی‌نفعان در دستگاه‌ها، وقتی بررسی این پیشنهاد دستگاه در دستور کار دفتر دولت قرار می‌گیرد، پیش از برگزاری کمیسیون اصلی با حضور وزرا، دو کمیسیون دیگر هم برگزار می‌شود

تخصصی و دیگری کمیسیون فرعی. کمیسیون تخصصی، اصلی‌ترین جا برای حضور کارشناسان است. یعنی کارشناسان و نخبگان موضوع دعوت شده و دبیر محترم کمیسیون که متولی ساماندهی موضوع است، از نخبگان و پژوهشگران مرتبط با موضوع و جامعه هدف دعوت می‌کند مبنی بر اینکه چنین پیشنهادی به دفتر دولت ارائه شده است و شما نظرات خود را در این باره ارائه کنید. بنابراین اساساً مخاطب اصلی این جلسه تخصصی، همین نخبگان و ذینفعان هستند، البته کارشناسان دستگاه‌های پیشنهاد دهنده یا دستگاه‌های مرتبط هم در جلسه حضور دارند، اما این کارشناسان بیشتر برای پاسخگویی و شنیدن نکات نخبگان و ذی‌نفعان در جلسات حضور می‌یابند. بعد از اینکه موضوع در کمیسیون تخصصی جمع‌بندی شد، این جمع‌بندی نهایی - نه متن پیشنهادی - در جلسه کمیسیون فرعی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در کمیسیون فرعی که معاونان وزیر حضور دارند، بار دیگر از نخبگان و ذی‌نفعان دعوت شده و موضوع به صورت فرابخشی مورد بحث قرار می‌گیرد.

در این زمینه مثالی هم برای روشن‌تر شدن بحث دارید؟

در دوره‌ای لایحه تأسیس مؤسسات حقوقی در حال بررسی بود. جامعه مخاطب این لایحه، صرفاً از نظر مردم، نهادهای تنظیم‌گری وکالت و کارشناسان حقوقی هستند. به این منظور، برای بحث و بررسی درباره این لایحه، هم مدیران کانون وکلا دعوت شدند، هم مدیران نهاد وکالت در قوه قضائیه، هم برخی از نخبگان جامعه وکالت و نخبگان جامعه حقوقی که وکیل نبودند. این نخبگان یا ذینفعان این مسأله، نه فقط در کمیسیون فرعی، بلکه حتی در کمیسیون اصلی نیز حضور یافته و دعوت شدند و نقطه نظر آن‌ها اخذ شد و موضوع با شنیدن این نقطه نظرات جمع‌بندی می‌شود. در اینجا لازم است تأکید کنم که ممکن است یک جامعه ذینفع، نظرات متفاوتی داشته باشد و همه هم نظر نباشند، بنابراین مهم این است که نظر جامعه ذینفعان و جامعه هدف به نوعی شنیده شود. برای اینکه این مسأله ساماندهی شود، جزو اولین کارهایی که در دفتر دولت در دولت سیزدهم انجام شد، تهیه بانک اطلاعات از نخبگان بود، یعنی نخبگانی که در تعامل با بدنه دولت بودند شناسایی شدند و به صورت موضوعی مثلاً در حوزه آب، برق و گاز و حقوق و غیره به صورت تخصصی، چه نخبگانی که با بخش‌های مختلف دولتی یا دانشگاه‌ها در تعامل هستند، همه این‌ها شناسایی شدند. این بانک اطلاعات در اختیار دبیر کمیسیون است که اگر موضوعی به آنان ارجاع شد، مثلاً در حوزه کشاورزی است، این سامانه گزینه‌هایی از نخبگان به آنان پیشنهاد می‌دهد که مثلاً این ۱۰ نفر جزو چهره‌های شناخته شده دانشگاهی یا اندیشگاهی یا حتی مدیران سابق دولت در ادوار مختلف هستند که می‌توان از دیدگاه‌هایشان برای ارتقای سطح کارشناسی موضوع بهره‌برداری کرد. این بانک اطلاعاتی برای جامعه اندیشگاهی هم تشکیل شده است، یعنی بانکی از اندیشکده‌ها و پژوهشگاه‌های کشور متناسب با هر موضوع تهیه شده تا در تناسب با بحث‌ها از آنها نیز استفاده شود.

مردم می‌خواهند بدانند وقتی در دولت تصمیمی گرفته می‌شود، آیا این تصمیم‌گیری به این صورت است که دولت در فراز جامعه ایستاده باشد و به صورت مستقل و از بالا به پایین تصمیم‌سازی کند، یا اینکه تصمیمات در تعامل و رفت و آمد با بدنه کارشناسی و نخبگانی جامعه اتخاذ می‌شود؟

اساساً قانون‌گذاری که برای ارتقای سطح تخصصی مصوبات خود از عقل جمعی استفاده نکند، خود را از ظرفیت علمی و نخبگانی موجود در کشور محروم کرده است. دوم اینکه در این صورت، پذیرش عمومی مصوبه دچار اخلال می‌شود. بنابراین، وقتی متن یا موضوعی در رفت و برگشت گفتگویی و چه بسا انتقادی با جامعه نخبگان طراحی شود، هم متن ارتقا پیدا می‌کند، یعنی دولت از توان نخبگان کشور بهره‌برداری می‌کند و هم اینکه اگر جامعه نخبگان یا جامعه هدف نکات و مسأله‌ای دارند، در

این جلسات پاسخ‌ها را می‌گیرند و اقتاع صورت می‌گیرد. سوم اینکه روشن‌گری و تبیین می‌شود. زیرا گاهی می‌بینیم که موضوعات به درستی اطلاع‌رسانی نشده و مردم متوجه ماهیت واقعی ماجرا نشده‌اند. اما وقتی جامعه ذینفعان در این فرایندها دخالت داده شوند، اساساً پیش از طرح عمومی، مسأله برایشان کاملاً روشن می‌شود. اینجا اشاره به این نکته ضروری است که من فقط به مسیری که در دفتر دولت طی می‌شود اشاره کردم. مشابه همین فرایند در دستگاه اجرایی پیشنهاد دهنده هم طی می‌شود. ضمن اینکه اگر قرار است لایحه‌ای به قانون تبدیل شود، مشابه این روند در مرکز پژوهش‌های مجلس و در کمیسیون تخصصی مجلس هم طی می‌شود. در کنار اینها، موازی دفتر دولت، موضوعات راهبردی در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری یا پژوهشگاه‌های وابسته به سازمان برنامه مور بحث و بررسی کارشناسی قرار می‌گیرد.

آیت‌الله رئیسی در سفر اخیر به آذربایجان شرقی اعلام کردند که مدیر خسته جایی در دولت ندارد. در ابتدای تشکیل دولت سیزدهم، بسیاری فکر می‌کردند که این معیار، یعنی اینکه مدیر خسته و ناکارآمد جایی در دولت ندارد، ناظر بر مدیران دولت قبلی است، اما بعداً مشخص شد آقای رئیسی در دولت خودشان هم این معیار را دارند و مدام در حال ارزیابی و پایش مدیران هستند. این پایش به چه صورتی انجام می‌گیرد؟

دولت از ابتدای شکل‌گیری اعلام کرد که ملاک‌هایی برای انتخاب مدیرانش دارد که کارآمدی، مسئولیت‌پذیری، پاکدستی و هماهنگی با گفتمان کلان دولت از جمله مهم‌ترین آنها است. اینها چهار معیار کلان برای انتصاب مدیران در دولت سیزدهم است. همان‌گونه که رئیس‌جمهور از ابتدا تصریح کردند و بدیهی هم هست، معیار حدوثی معیار بقایایی هم بوده است. یعنی وقتی قرار شد هنگام انتخاب مدیر، فرد باید این چهار ویژگی را داشته باشد، استمرار مدیریت هم منوط به حفظ و بقای این چهار ویژگی است. ارزیابی مستمر عملکرد مدیران با همین ملاک‌ها انجام می‌شود. اتفاقاً ممکن است مدیری با همین معیارها از قبل بوده و در دولت سیزدهم ایفا هم بشود، که خیلی وقت‌ها نقدی که به ما می‌شده، در همین حوزه بود، اما وقتی مدیر کارآمد و پاکدست است و گفتمان کلان دولت را هم قبول دارد، معتقدیم همچنان می‌توان از ظرفیت وی استفاده کرد. از طرف دیگر، ممکن

است مدیری در این دولت منصوب شده باشد، اما در گذر زمان یکی از این ویژگی‌ها و اصول برشمرده شده که ابتدا در ایشان دیده شده بود، زایل شود یا روشن شود که از ابتدا یکی از این ویژگی‌ها را نداشته است و این مسأله، تازه در تحقیقات شناسایی شده باشد. در این صورت، چه ضرورتی وجود دارد که ما منابع عمومی و حقوق مردم را معطل یک شخص و یک فرد نگه داریم؟ طبیعتاً دولت در اینجا معتقد است که منافع عموم مدنظر قرار بگیرد. ما دوره‌ای طولانی در کشور داشتیم که متأسفانه طی این دوره‌ها، مدیری که کار نمی‌کرد، اتفاقاً ثبات بیشتری داشت، زیرا همان‌طور که گفته می‌شود، دیکته نانوشته غلط ندارد. به همین ترتیب، کسی که کار نمی‌کند، مسأله یا سؤالی پیرامون کار وی هم مطرح نمی‌شود. مبتنی بر این نگاه‌ها در کشور ما روال‌هایی شکل گرفته بود که براساس آن ما کسی را داشتیم که ۳۰ سال در این کشور وزیر بوده است، یعنی زمانی فکر می‌کردم که این فرد شاید نتواند زیست عادی و غیروزارتی را راحت فهم کند و با مردم ارتباط بگیرد، زیرا طی یک زمان بسیار طولانی همیشه وزیر بوده است. اما نگاه دولت آیت‌الله رئیسی این نبوده است. بگذارید مسأله را از زاویه دیگری مطرح کنم. زمانی که آیت‌الله رئیسی رئیس قوه قضائیه بودند ادبیات جدیدی تحت عنوان ترک فعل مطرح کردند. ایشان در آن زمان بر این مسأله تأکید داشتند که فساد و نقض حقوق عامه فقط در افعالی که مدیران یا افراد انجام می‌دهند نیست، بلکه گاهی ترک فعل هم حقوق عامه را زیر سؤال می‌برد. در همین راستا تلاش شد در زمان ریاست ایشان در قوه قضائیه در این زمینه ادبیات‌سازی شود که اتفاقاً موفق هم بود و در مواردی هم به‌کار گرفته شد. به عنوان مثال در قضیه وقوع سیل به این مسأله نگاه شد که چه کسانی از قبل کوتاهی داشتند یا پیشگیری‌های لازم را انجام ندادند که هم سیل به وقوع پیوست و هم خسارت‌هایی به دنبال داشت. اما نکته اینجاست که به واقع اصلی‌ترین محل و مرجع برای جلوگیری از ترک فعل مدیران، دستگاه اجرایی است. اصلاً مسأله این بود که چرا ما در گذشته شاهد ترک فعل مدیران اجرایی بودیم؟ زیرا مدیران در دستگاه‌های اجرایی نسبت به ترک فعل خود پاسخگو نبودند. به خاطر اینکه کسی عملکرد آنان را ارزیابی نمی‌کرد. شما می‌گویید نظارت و ارزیابی مانع کارکردن مدیران می‌شود، اما من این نظر را رد می‌کنم و اتفاقاً معتقدم نظارت و ارزیابی به این معنی است که یک مدیر، می‌داند در این دولت، صرفاً کارآمدی، مسئولیت‌پذیری، پاکدستی و گفتمان دولت



دولت از ابتدای شکل‌گیری اعلام کرد که ملاک‌هایی برای انتخاب مدیرانش دارد که کارآمدی، مسئولیت‌پذیری، پاکدستی و هماهنگی با گفتمان کلان دولت از جمله مهم‌ترین آنها است. اینها چهار معیار کلان برای انتصاب مدیران در دولت سیزدهم است. همان‌گونه که رئیس‌جمهور از ابتدا تصریح کردند و بدیهی هم هست، معیار حدوثی معیار بقایایی هم بوده است



تسریع شود، به نفع مردم و کشور خواهد بود. یا در مثالی دیگر، اخیراً واردات خودروهای کارکرده در دستور کار بود. پیش از این درباره واردات خودرو مباحث متعددی بود، البته مجلس از این نظر با دولت همفکر بود و در این میان نظر مجمع تشخیص نظام مطرح بود. منظور من از طرح این مباحث آن است که در مواردی که دولت و مجلس همدل هستند، کارها با قوت بیشتری پیش می‌رود و چه خوب است این رویکرد در سایر موارد و مصادیق هم دنبال شود. به عنوان مثال، در مسأله مدیریت اموال تملیکی، بیش از یک سال است که دولت لایحه را تقدیم مجلس کرده است. بالاخره در بحث اموال مکشوفه و تملیکی، آیا ما از فرایندهای موجود راضی نیستیم؟ اگر راضی هستیم، پس این گلايه‌ها چیست؟ اگر راضی نیستیم، چرا یک سال و نیم است که این لایحه اعلام وصول نمی‌شود؟ دولت ضمن تشکر فراوان از همدلی و همکاری مجلس در عموم موضوعات، اگر این همکاری به برخی دیگر از مسائل هم تسری پیدا کند، حتماً اولویت بخشی به موضوعات اساسی زمینه مساعدتری برای حل مسائل مردم را فراهم می‌کند.

در دولت قبل این معضل

دید می‌شد که اختلاف

میان وزرا و اعضای

دولت حتی در

تولیزیون و

رسانه‌های عمومی

هم دیده می‌شد،

اما در دوسالگی

دولت سیزدهم،

شاهد یک فرهنگ

دولتمداری هستیم

که طی آن، شخصیت

دولت به جایگاه

خودش بازگشته است.

به این معنی که

است و تجربه انباشته شده‌ای که در این بدنه دارد، از امکان کار کارشناسی گسترده‌تری برخوردار است تا در حوزه‌ای پیشنهاداتی را برای قانونگذاری ارائه کند. ضمن اینکه مجلس هم می‌تواند از بدنه کارشناسی و نخبگانی خود برای تکمیل و اصلاح یا اتقان آن متن استفاده کند، به عبارت دیگر، وقتی ابتکار قانونگذاری از دولت شروع شود، مجلس چیزی را از دست نمی‌دهد، زیرا اختیار اصلاح لایحه در اختیار مجلس است. نکته دوم که رهبر انقلاب اشاره کردند، بر این مبنا بود که دولت و دستگاه اجرایی کف میدان است. گاهی در بحث‌های نخبگانی و نظری برای قانونی بحث می‌شود که بحث‌های خوبی هم هست، اما در اجرا می‌بینیم که با موانعی مواجه می‌شود. یعنی در بحث‌های نظری این نکات خوب جلوه می‌کند، اما در فرایند اجرا دچار مشکل می‌شود. به این ترتیب از آنجا که دولت‌ها کف میدان هستند و در حوزه عمل با مسائل روبه‌رو هستند، بهتر می‌توانند پیشنهاد بدهند. طبیعتاً مجلس هم شأن تصویری نهایی خود را دارد و اگر نقطه ضعفی هست می‌تواند برطرف کند. بنابراین از نظر حقوقی به عنوان کارشناس حقوق، معتقدم لایحه بهتری می‌تواند نیازها را شناسایی کند و متون مناسبی را آماده کند. در کنار این، در این دولت، کلان همکاری بین مجلس و دولت بسیار خوب بوده است. هر چند موارد و مصادیقی هم بوده که در آنها تقاضای ما این بوده که در چهارچوب‌های صلاحیت‌های قانونی، اولویت بخشی و سرعت بخشی بیشتری به موضوعات داده شود. به عنوان مثال، درباره تصمیم‌گیری برای نظارت بر بازار به معنای عام کلمه، یا تشکیل وزارت یا سازمان بازرگانی، دولت علاقه‌مند بود این موضوع زودتر جمع بندی شود. کما اینکه در حوزه نظارت بر بازار مسکن و اجاره بها که الحمدلله همین ایام با همکاری خوب مجلس و دولت، این معضل قانونی از پیش پای دولت برداشته شد و دیدیم که خبر این اتفاق در بازار مسکن هم ثمربخش بوده است و انشاءالله وقتی قانون به مرحله اجرا برسد اثربخشی بیشتری هم خواهد داشت. بنابراین هر چه این تعامل ها

شاخص اصلی است و این شاخص‌ها همواره لحاظ و مورد بررسی قرار می‌گیرد و وقتی این شاخص‌ها مطرح است، به این معنی است که دیگر مسائل نمی‌تواند زمینه ابقای یک مدیر را فراهم کند. در چنین شرایطی، اگر فردی مسئولیت‌پذیر نیست، طبعاً وسط میدان کار هم حاضر نمی‌شود. یا اگر کسی حوصله کار ندارد یا مدیر خسته‌ای است، طبیعتاً نمی‌تواند با این دولت همکاری کند. زیرا مدیران در این دولت باید وسط میدان باشند. این نگاهی است که آیت‌الله رئیسی در مقام رئیس دولت مطرح کردند. از این رو، جابه‌جایی مدیرانی که کارایی لازم را ندارند یا مسئولیت‌پذیر نیستند، دقیقاً امتداد همان نگاه مقابله با ترک فعل مدیران است که در قوه قضائیه تبلور پیدا کرده بود. این یک واقعیت است که مردم و حقوق عامه ما از کارهای معطل و بر زمین مانده رنج می‌برند. چقدر طرح‌های بر زمین مانده و معطلی داریم که ناشی از همین شرایط است. مثلاً می‌بینید که فلان طرح بیمارستانی یا طرحی در حوزه دیگر بعد از ۲۰ سال افتتاح شد. سؤال این است که چرا اجرای این طرح‌ها این همه سال به دراز کشید؟ ضمن اینکه این طرح‌ها پیش روی چشم مردم است. اینها به خاطر ترک فعل مدیران بر زمین مانده‌اند. در مواجهه با ترک فعل مدیران، یا باید انتخاب کنیم این مدیر جابه‌جا شود، یا باید انتخاب کنیم این طرح ۱۵ سال دیگر هم معطل بماند. قطعاً در این دولت اولی را انتخاب می‌کنیم.

زیرا رویکرد دولت آیت‌الله رئیسی، گره‌گشایی و پیشبرد فرایند توسعه کشور و رفع موانع است. در این صورت، مدیری که کارایی لازم را ندارد، به وقتش جابه‌جا می‌شود. البته این فرایند جابه‌جایی محترمانه و ضمن تشکر انجام می‌شود. یعنی لزوماً به این معنی نیست که آن فرد فساد داشته، اساساً فساد به معنی نفع شخصی خاصی هم نداشته است، بلکه نوع مدیریت او در فرایند خدمت‌رسانی به مردم و حقوق عامه، اخلاص ایجاد کرده است. به همین منظور است که شما می‌بینید در دولت سیزدهم، در سطوح مختلف جابه‌جایی‌های مدیریتی صورت گرفته است. یکی از مصادیق این جابه‌جایی، مدیری بود که بسیار سالم و پاک‌دست بود و گفتمان دولت را هم قبول داشت، اما آن زمانی که باید پیش‌بینی لازم را برای حوزه مسئولیت خودش انجام می‌داد، انجام نداد و چون پیش‌بینی لازم را انجام نداد، جامعه و مردم در آن حوزه خاص دچار نقصان در دریافت خدمت شدند. این یکی از مصادیق روشن ترک فعل و کوتاهی مدیر بود که ضرر آن متوجه حقوق عامه شد. آن مدیر هم به لحاظ فردی و گفتار، بسیار محترم بود، اما در عین حال با او خداحافظی شد، البته با حفظ احترام. آقای رئیس‌جمهور در دولت بارها تأکید کرده‌اند که اگر کسی مسئولیتی را بر عهده گرفته، باید آینده‌نگری و پیش‌بینی‌های لازم را در حوزه مسئولیت خود داشته باشد.

در مواردی اختلاف نظرهایی میان دولت و دیگر قوا اتفاق می‌افتد که بحث بر سر تقدم لایحه یا طرح از همان نوع است. دیدگاه حقوقی شما و دیدگاه دولت در این زمینه چیست؟

الحمدلله در این دولت اختلافی میان قوا وجود ندارد و قوا سعی می‌کنند در هم افزایی و همکاری با هم مسائل را پیش ببرند. اما در جواب به سؤال شما، من به عنوان کسی که حقوق می‌خواند، نه امروز، بلکه روزی که به عنوان کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس فعالیت می‌کردم، همین نظری را داشتم که امروز داشتم. در همان زمان، این مسأله یعنی تقدم طرح یا لایحه به من به عنوان کارشناس مرکز ارجاع شد، که ابتکار قانون، اولویت با کدام یک است، طرح یا لایحه؟ در همان زمان گزارشی نوشتم که باید امروز هم موجود باشد مبنی بر اینکه بهتر است ابتکار قانون با لایحه باشد. امروز هم همین نظر را دارم. بنابراین، این نظر من مربوط به امروز نیست که سخنگوی دولت هستم، بلکه زمان فعالیت در مرکز پژوهش‌های مجلس هم همین نظر را داشتم. رهبر انقلاب هم به همین نکته اشاره کردند. تجربه بشری در جهان هم نشان داده است که دولت به دو دلیل عمده، یکی اینکه از بدنه کارشناسی بسیار گسترده‌ای برخوردار



از نظر حقوقی به

عنوان کارشناس

حقوق، معتقدم

لایحه بهتر می‌تواند

نیازها را شناسایی

کند و متون مناسبی

را آماده کند. در کنار

این، در این دولت،

کلان همکاری بین

مجلس و دولت

بسیار خوب بوده

است. هر چند موارد

و مصادیقی هم

بوده که در آنها

تقاضای ما این بوده

که در چهارچوب

صلاحیت‌های

قانونی، اولویت

بخشی و سرعت

بخشی بیشتری به

موضوعات داده شود





آقای رئیس جمهور

پیشگام گفت‌وگو با

اقشار مختلف مردم

و حضور در میان

آنان بودند. از سوی

دیگر، وقتی رئیس

جمهور در یک سال

۳۱ سفر استانی

انجام می‌دهد،

هرچند به نوبه خود

یک رکوردشکنی

است، اما اینطور

نیست که در این

سفر فقط جلساتی با

مقامات برگزار شده

باشد. بلکه در هر

سفر چندین دیدار

مردمی و نخبگانی

هم از سوی رئیس

جمهور صورت گرفته

است. در مرحله

دوم، آقای رئیس

جمهور از ابتدا که

برای سخنگویی

مرا خواستند، چند

عبارت کلان به من

داشتند، یکی این

بود که شما فقط

سخنگوی دولت

نسبت به مردم

نیستید، بلکه باید

سخنگوی مردم در

دولت هم باشید

شخص رئیس جمهور بوده است. هم پیش از سایر اعضای دولت در مراکز عمومی و نخبگانی حضور یافتند. دیدید که در ابتدای دولت سیزدهم، وقتی سامانه مربوط به پمپ‌های بنزین هک شد، شخص رئیس جمهور در پمپ بنزین و وزارت نفت حاضر شدند و به این ترتیب به محل حادثه سرزدند. یا وقتی در طرح مردمی‌سازی بارانه‌ها گفته شد که ممکن است بازار دچار اشکال شود، رئیس جمهور شخصاً به بازار رفتند. یا در ابتدای انتخاب ایشان به ریاست جمهوری، دیدیم که بحث کمبود دارو مطرح بود، ایشان به داروخانه ۲۹ فروردین رفتند، یعنی دقیقاً جایی که داروهای خاص توزیع می‌شود و شاید مردمی که آنجا بودند، ناراضی هم بوده باشند، این بازدید برای وقتی بود که هنوز کابینه جدید تشکیل نشده بود. بنابراین، می‌توان گفت آقای رئیس جمهور پیشگام گفت‌وگو با اقشار مختلف مردم و حضور در میان آنان بودند. از سوی دیگر، وقتی رئیس جمهور در یک سال ۳۱ سفر استانی انجام می‌دهد، هرچند به نوبه خود یک رکوردشکنی است، اما اینطور نیست که در این سفر فقط جلساتی با مقامات برگزار شده باشد. بلکه در هر سفر چندین دیدار مردمی و نخبگانی هم از سوی رئیس جمهور صورت گرفته است. در مرحله دوم، آقای رئیس جمهور از ابتدایی که برای سخنگویی مرا خواستند، چند عبارت کلان به من داشتند، یکی این بود که شما فقط سخنگوی دولت نسبت به مردم نیستید، بلکه باید سخنگوی مردم در دولت هم باشید. رئیس جمهور گفتند یکی از کارویژه‌های شما این است که در جلسات دولت صدای مردم و افکار عمومی در آن تصمیمات دولت باشید و تصمیمات از منظر افکار عمومی بحث و بررسی یا یادآوری شود. این رسالتی بود که رئیس جمهور به دوش من گذاشتند و نشست با اقشار مختلف جامعه، لازمه انجام همین تکلیف رئیس جمهور است. درباره حضور در دانشگاه‌ها بعد از اغتشاشات هم، من با حمایت و دستور شخص رئیس جمهور در این جلسات حاضر شدم. رئیس جمهور به هر یک از اعضای کابینه مأموریت‌هایی می‌دهند. هرکس کارویژه‌ای در دولت دارد و کارویژه سخنگویی دولت، تعامل و سخنگوی مردم در دولت بودن است. با دستور و حمایت قاطع رئیس جمهور سعی کردیم این کارویژه را انجام دهیم و اتفاقاً بعضی جاها هم کاستی‌هایی داشتیم. اما نگاه دولت این است و اجزای دولت در دانشگاه‌ها حاضر شدند و به تناسب میزان وقتی که می‌توانند بگذارند، برای این کار وقت می‌گذارند، کما اینکه در اغتشاشات هم وزیر اقتصاد و رئیس سازمان اداری و استخدامی و وزیر صمت و میراث فرهنگی به دانشگاه رفتند. به این معنا غالب اعضای هیأت وزیران در دانشگاه‌ها حاضر شدند.

در دولت سیزدهم، اصل، خدمتگزاری مناسب به مردم است. ضمن اینکه این جابه‌جایی به معنای نفی سایر شایستگی‌ها نیست، کما اینکه ممکن است از خدمات شخص در جایگاه یا حوزه دیگر و حتی در سطح دیگری بهره‌برداری شود، بنابراین این جابه‌جایی‌ها نافی ویژگی‌های مثبت آن شخص نیست، بلکه به این معنا است که این شخص نتوانست در این جایگاه کارآمدی لازم را از خودش نشان بدهد، اما به این معنی نیست که در جایگاه یا حوزه دیگری کارآمدی نداشته باشد. رئیس جمهور هم نشان داده که در این زمینه‌ها اقدام می‌کند و در این حوزه هیچ رودبایستی هم ندارد. اساساً چون آیت‌الله رئیسی خود را مقابل خدا و مردم پاسخگو می‌داند، اصلاً در این موارد هیچ تعللی نمی‌کند و اتفاقاً در این حوزه پیشرو هستند.

گفتید که خود شما هم در معرض ارزیابی و پایش

هستید. نهاد و سازمان خاصی وظیفه پایش و

ارزیابی مستمر مدیران را برعهده دارد؟

سطوح متفاوت است. هر سطحی نسبت به زیرمجموعه خودش این پایش‌ها را انجام می‌دهد. به عنوان مثال ارزیابی سفیران از سوی وزارت امور خارجه انجام می‌شود، اما این‌گونه نیست که فقط همان سطح نسبت به زیرمجموعه خودش نظارت داشته باشد. به طور کلی چند مرجع متکفل این امر هستند و درباره عملکرد در بخش‌ها و سطوح مختلف گزارش می‌دهند. یکی از این مجموعه‌ها

دولت‌های سابق بوده و ما از اقدامات مثبتی که در آن دوره در این حوزه صورت گرفته تشکر می‌کنیم. حتماً نگاه دولت این بوده و خواهد بود. اگر مدیری در دولت قبل خوب کار کرده و کارهای مربوط به حوزه‌اش را پیش برده است، مردم هم باید مطلع باشند. در عین حال اگر هم مدیری بد عمل کرده، مردم حق دارند هم نسبت به اشخاص و هم نسبت به رویه‌ها شناخت پیدا کنند. بالاخره ملت ما یک تجربه جمعی از عملکردهای دولت‌های مختلف به دست آورده و این تجربه جمعی، یک میراث و علم جمعی است تا بدانیم کجا، چه دستاوردی، نتیجه چه عملکردی بوده است. در این صورت، وقتی اعلام می‌شود براساس آمار بانک مرکزی دولت قبل، میانگین رشد اقتصادی در دهه ۹۰ چهار درصد بوده، یعنی تقریباً صفر بوده است، یا وقتی گفته می‌شود میانگین تورم در چهار سال منتهی به آغاز این دولت، از میانگین تورم ۱۰۰ ساله اخیر ما بالاتر بوده است، باید توجه کرد که اینها آمار بانک مرکزی دولت قبل است. در این صورت باید تحلیل کنیم که چرا این اتفاق افتاده و در این رابطه، چه میزان دیپلماسی خارجی ما در این فرایند تلخ اثر داشته است، یا اینکه نوع نگاه ما به حوزه خارجی و نوع نگاه ما به توان داخلی و اقتصاد منطقه تا چه اندازه در شکل‌گیری این آمارها دخیل بوده است. این نگاه به مسائل، نگاهی است که بتوانیم از دل آن، مسیر آینده خود را اصلاح کنیم و نقاط مثبت و هم منفی خود را بهتر بشناسیم. یک نگاه دیگر به این مسأله هم این است که ما به جای بهره‌برداری از عقل و تجربه جمعی و یادگیری از تاریخ و گذشته خود، سعی کنیم با نگاه بخشی و جناحی مانع دیده شدن حقایق شوییم یا حقایق را به شیوه خاصی تفسیر کنیم. بالاخره این نرخ تورم و رکوردشکنی تورم در شهریور ۱۴۰۰ که شروع این دولت بوده، در دهه قبل بوده است. ما می‌خواهیم از آن تجربه بگیریم. اما در مقابل این نگاه، می‌بینیم که برخی از مراجع خبری غیررسمی آمار اقتصادی دهه پیش یا تورم شهریور ۱۴۰۰ را به حساب دولت سیزدهم می‌گذارند و بعد می‌گویند که دولت سیزدهم در حوزه تورم رکوردشکنی شده است، درحالی‌که این رکورد برای دهه قبل و دولت قبل بوده است.

به نظر شما چرا این کار را می‌کنند؟

برای اینکه نگاه جناحی به مسأله دارند و به همین دلیل مجبور می‌شوند به دروغ روی بیاورند تا شاید پاسخی برای آن عملکرد داشته باشند. البته این امر قطعاً مطلوب و پسندیده نیست. آمارهای اقتصادی در بانک مرکزی و مرکز آمار مطابق روال‌های معمول خود در همه ادوار اعلام می‌شود، از ابتدا همین بوده و تا انتها نیز همین مسیر پیش خواهد رفت. بدنه کارشناسی این نهاد‌های کارشناسی هم ثابت هستند. به عنوان مثال، امروز رئیس مرکز آمار ایران تغییر نکرده و رئیس مرکز آمار دولت سیزدهم همان رئیس مرکز آمار دولت قبل است. به طریق اولی بدنه کارشناسی آنجا هم تغییر نکرده است. بنابراین باید از آنان پرسید چه آماري را و بر چه اساسی زیر سؤال می‌برد؟ همین آمار در دولت قبل بوده و الان هم هست. برداشت من این است که چون در اینجاها پاسخی به پرسش‌های افکار عمومی ندارند، می‌خواهد آمار را زیر سؤال ببرند. زیرا همان‌طور که می‌دانید، الفریق يتشبت به کل حشيش. درحالی‌که ما معتقدیم باید این اخلاق و این رویه‌ها را کنار گذاشت. همه ما صرف‌نظر از جناح‌های سیاسی و نگاه‌های بخشی و حزبی، رسالتی نسبت به ملت بزرگ ایران داریم. دست‌کم اینکه باید بگذاریم ملت واقعیت‌ها را بهتر متوجه شود. البته ملت متوجه می‌شود و در این میان ما با این کارها و تشکیک در آمارها صرفاً خودمان را خراب می‌کنیم.

سال گذشته شاهد آشوب و اغتشاش در کشور

بودیم. شما در اوج اغتشاشات در دانشگاه حضور

می‌یافتید و با دانشجویان گفت‌وگو کردید. رئیس

جمهور هم گفت‌وگوهای متعددی با بخش‌های

مختلف و اقشار گوناگون دارند. فارغ از این، تا

چه حد دولت را در پیشبرد ایده گفت‌وگو با مردم

موفق می‌دانید؟

اولاً که پیشگام گفت‌وگو و ارتباط با اقشار مختلف مردم،

اعضای دولت دیگر وارد حاشیه و درگیری

رسانه‌ای نمی‌شوند و اگر در جایی و مواردی

حاشیه‌ای ایجاد شود، به سرعت حل می‌شود.

علت این رویکرد و تأکید دولت برداشتن یک

تشخص ویژه چیست؟

این امر ناشی از پیگیری مستمر و تأکید مداوم شخص رئیس جمهور است که به نوبه خود به چهارچوبی که مقام معظم رهبری مشخص کردند برمی‌گردد. یعنی رئیس جمهور همیشه الگو و خط مشی‌ای که برای تعامل میان قوا در سطح کلان گرفتند، آن را در خود قوه مجریه هم اجرا کردند. این عبارت برای همه اعضای هیأت وزیران بسیار آشناست و بارها تکرار شده است که مسائل و مشکلات باید دور میز دولت مطرح و حل شود. به عبارت دیگر، دور میز دولت به مفهوم عام آن، یا جلسات اعضای دولت در سطوح مختلف، اتفاقاً محل بحث و مناقشه و تبادل نظر است. اساساً آقای رئیس جمهور بارها عنوان می‌کنند که اتفاقاً اینجا باید بحث شود و اگر عضوی از دولت یا دستگاهی با دیگری اختلاف نظر دارد، باید در دولت مطرح و درباره آن بحث شود. به همین دلیل می‌بینیم که جلسات داخلی دولت جلساتی بسیار جدی است، گاهی ممکن است اختلاف‌نظرهای اساسی هم وجود داشته باشد، زیرا نگاه‌های کارشناسی متفاوت است و هر عضوی از منظر خاص خود به یک مسأله نگاه می‌کند، لذا در جلسات دولت تضارب آرا صورت می‌گیرد و اینطور نیست که با سلام و صلوات بحث جمع شود. اینکه اگر اختلافی باشد، به بدنه عمومی کشیده شود و ذهن مردم را آزرده کند و نگرانی و سؤال و ابهام ایجاد کند، این خط قرمز دولت بوده و خواهد بود. این تأکید رئیس جمهور مبنی بر طرح جدی مباحث در جلسات، به نوعی ابزار و بهانه خوبی هم به دست مدیران داده که وقتی مدیران انتقاد جدی دارند، با استناد به این کلام رئیس جمهور بسیار راحت نظر خودشان را مطرح می‌کنند، یعنی آزادی بی‌بشتری به مدیران در جلسات اعطا شده است. به این معنی که گفته می‌شود چون رئیس جمهور گفته همه حرف‌های خود را راحت در جلسات مطرح کنید، من می‌خواهم این مسائل را مطرح کنم. در جلسات داخلی با حفظ احترام و اخلاق، اختلاف نظرها بسیار شفاف مطرح می‌شود. هم مدیران در سطوح مختلف این فهم را از سطوح عالی دولت گرفتند و این زبان و ادبیات مشترک را پذیرفتند و هم مردم این را دریافتند که نگاه دولت این گونه است. بعضی از رسانه‌ها چون می‌بینند این دولت اهل بیرونی کردن اختلاف نظرها نیست، روش‌های دیگری را برای ساختن اختلاف پیدا کرده‌اند. مثلاً یک نظر کارشناسی مدیری را پیدا می‌کنند، در کنار آن، می‌گردند و نظر کارشناسی مدیر دیگری را نیز پیدا کرده و این دو را که اساساً در دو جای مختلف مطرح شده، کنار هم قرار می‌دهند تا بتوانند وجود اختلاف در دولت را که مدنظر خودشان است نتیجه‌گیری کنند. درحالی‌که اساساً وجود اختلاف نظرهای کارشناسی امری طبیعی و بدیهی است. البته ما معتقدیم نخبگان و آحاد مردم متوجه این مسأله و نادرست بودن رویکرد این رسانه‌ها می‌شوند و این را به وجود اختلاف در دستگاه‌های دولتی تعبیر نمی‌کنند.

آماري که دولت درباره تورم یا رشد اقتصادی

می‌دهد، در داخل و گاهی در خارج زیر سؤال

می‌رود. اخیراً هم آیت‌الله رئیسی به این مسأله

اشاره کردند. آیا این هم از جنس اختلاف نظر

دستگاه‌ها است، یا اینکه کارشناس و حوزه‌هایی

خارج از دولت است که این مناقشه‌ها را ایجاد

می‌کند؟

متأسفانه برخی به مسائل و موضوعات ملی، نگاه جناحی یا نگاه بخشی دارند. مسأله مورد اشاره شما نتیجه این نگاه بخشی به مسائل ملی است. این درحالی است که اگر جناح یا دیدگاهی دستاوردهای مثبتی در زمینه‌ای داشته است. داب این دولت این بوده که حتماً اشاره و از آن قدردانی کند. یک مثال بازار آن، افتتاح بیمارستان مهدی (عج) بود که طی آن آیت‌الله رئیسی در مراسم اشاره کردند که بخشی از پیشرفت طرح در دوره مدیران و



تمامی ابزارهای
نهادهای نظارتی
دولت با بازرسی
ویژه همکاری
می کنند؛ این
همکاری هم در
شناسایی و برخورد
یا تخلف است،
هم در حمایت
از مدیران کارآمد
و لایق. بنابراین
هر بخشی هم
کار خودش را
انجام می دهد و
هم عنداللزوم
با بازرسی ویژه
همکاری می کند

بازرسی ویژه رئیس جمهور است که گزارش های مستمری نسبت به همه مجموعه های دولتی تقدیم می کند که این گزارش ها نزد رئیس جمهور جمع بندی می شود.

یکی از کلیدواژه های دولت و آیت الله رئیسی، فسادستیزی است. این تأکید به گونه ای است که حتی اگر فساد و تخلفی رخ داده، دولت منتظر نمی ماند تا نهاد نظارتی دیگری بیرون از دولت آن را بررسی کند. سازکارمقابله با فساد در دولت چگونه است؟

حوزه های نظارتی در دولت، دوسویه است، یعنی فقط این گونه نیست که نظارت منجر به برکناری یا برخورد با مدیر شود. بسیاری از اوقات این نظارت ها به حمایت و پشتیبانی از یک مدیر هم منجر می شود. اخیراً این مسأله در فرایند بازگشت به کار یکی از مدیران مجموعه محیط زیست دیده شد که با تلاش بازرسی ویژه رئیس جمهور صورت گرفت. مسأله هم این گونه بود که یکی از مدیران سازمان محیط زیست برای مقابله با تخلفی، اقدامی را انجام داده بود، اما در نهایت با اعمال فشاری برکنار شد. در این مرحله بازرسی ویژه رئیس جمهور ورود کرد، از آن مدیر حمایت کرد و آن مدیر با تشکر و تقدیری که در مجموعه نهاد از وی صورت گرفت، به کار خود برگشت. بنابراین این فرایند نظارت دوسویه است، یعنی از مدیری که کار خودش را انجام می دهد هم حمایت مدیریتی، هم حمایت حقوقی و هم حمایت های فراقضایی صورت می گیرد. خود مجموعه نهاد دولت، یعنی مجموعه

رئیس جمهور و معاون اول، پیگیری امور مدیران کارآمد را در اولویت قرار می دهند. به این معنی که مدیری که در ارزیابی ها توانمندی و کارآمدی خوبی داشته باشد، وقتی درخواستی دارد یا مصوبه ای را پیشنهاد می کند، طبیعتاً در اولویت رسیدگی قرار می گیرد، برای اینکه آن مدیر دارد با سرعت حرکت می کند، دولت خود را مکلف می داند موانع را با سرعت بیشتری از مسیر کار او بردارد. اما در پاسخ به سؤال شما مبنی بر اینکه بازرسی ویژه رئیس جمهور از چه ابزاری برای نظارت های خود استفاده می کند، باید گفت تمامی ابزارهای نهاد های نظارتی دولت با بازرسی ویژه همکاری می کنند؛ این همکاری هم در شناسایی و برخورد یا تخلف است، هم در حمایت از مدیران کارآمد و لایق. بنابراین هر بخشی هم کار خودش را انجام می دهد و هم عنداللزوم با بازرسی ویژه همکاری می کند، چه مجموعه وزارت اطلاعات باشد، یا حراست ها در کل کشور و مجموعه ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی، همه این بخش ها کمک کار بازرسی ویژه رئیس جمهور هستند. این کمک ها علاوه بر اقدامات مدیریتی خود دستگاه است. مثالی بزنم. آقای درویشیان (بازرس ویژه رئیس جمهور) دو مرتبه در هیأت دولت گزارشی از عملکرد دولت در مقابله با فساد ارائه کردند. شاید نیم بیشتر این گزارش نه از جنس مصادیقی که اشاره کردید، بلکه از جنس زیرساخت هایی بود که با همکاری دستگاه های اجرایی طراحی و عملیاتی شد، مانند درگاه هایی که امضاهای طلایی و رانت ها را از بین می برند، تکمیل سامانه جامع تجارت و اتصال سامانه های مختلف موجود در کشور به یکدیگر که باعث پیشگیری از

وقوع فساد و رانت می شود. به عبارت دیگر، بازرسی ویژه رئیس جمهور چه در حوزه پیشگیری و نظارت پذیرکردن و شفاف کردن و چه در حوزه برخورد از همه ابزارهای موجود در دولت استفاده می کند. همه بخش ها نیز پاسخگویی لازم را به این مجموعه دارند. می دانید که بازرسی ویژه رئیس جمهور اختیارات اصل ۱۲۷ قانون اساسی را نیز از دولت اخذ کرده است، یعنی اختیارات ویژه رئیس جمهور و هیأت وزیران را در حوزه مسئولیت های خود از هیأت وزیران اخذ کرده و بر همین اساس به جای هیأت وزیران می تواند تصمیم گیری کند. لذا همه دستگاه ها هرگاه که نیاز باشد، در هر سطحی، پاسخگویی لازم را به این مجموعه خواهند داشت.

پیرو همین مباحث، مسأله شرکت های دولتی هم مطرح است. آیا به همین قوتی که در حوزه نظارت، شفاف سازی و مقابله با فساد در حوزه های ستادی دولت کار می کنید، در حوزه شرکت های دولتی هم فعال بوده اید؟

به طور خاص درباره شرکت های دولتی، باید اشاره کنم که بازرسی ویژه در این دولت، هم با سازمان اداری و استخدامی در زمینه قواعد و فرایندهای بکارگیری نیروها بویژه اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل همکاری می کند، و هم با مجموعه وزارت اقتصاد در شفاف کردن و نظارت پذیرکردن فرایندها اقدامات جدی انجام داده است. در دولت سیزدهم برای اولین بار آیین نامه ای برای شرایط عضویت در هیأت مدیره شرکت های دولتی تصویب شد که بسیار هم به صورت جدی اجرا شد. در حوزه نظارت پذیری و شفافیت هم، صورت حساب های شرکت های دولتی برای اولین بار در این دولت و در این حجم، بررسی شد. بنابراین، در دولت سیزدهم فرایندهایی طراحی و اجرا شد که طی آن، هم پیشگیری از وقوع فساد صورت گرفته و هم دیگر بروز تخلفاتی که مردم را آزرده خاطر می کرد، اساساً امکان وقوع نخواهد داشت. زیرا دولت نسبت به شرکت های دولتی ایجاد کرده و تاریکخانه های شرکت های دولتی را نظارت پذیر کرده و به نوعی براین تاریکخانه ها نورافکن انداخته است تا مانع وقوع فساد شود. خارج از این فرایند، با توجه به اینکه بازرسی ویژه رئیس جمهور سوابق نظارتی را در سازمان بازرسی کل کشور داشتند و از مجموعه نظارتی مانند نهاد ریاست جمهوری و حتی خارج از دولت هم بعضاً بهره برداری می کنند، اقدامات گسترده ای برای مقابله با فساد و پیشگیری از وقوع فساد داشتند. به عنوان مثال، فساد فولاد مبارکه که البته عددی که از میزان فساد در این مجموعه منتشر شد درست و دقیق نبود و بعد هم مجلس اعلام کرد گزارش اولیه دقیق نبوده است، به رغم این ها، باید به این نکته توجه کرد که گزارش مربوط به تخلف در این مجموعه، ابتدا از سوی سازمان بازرسی کل کشور در زمان ریاست آقای درویشیان و ریاست قوه آیت الله رئیسی ارائه شد و اقدامات پیشگیرانه ای هم در این زمینه انجام شد. بعد که دولت جدید تشکیل شد، اولین مدیر شرکت دولتی که جابه جا شد، مدیر شرکت فولاد بود، بنابراین، اینکه گفتید ممکن است شرکت های دولتی از نظارت دور بمانند، این گونه نیست. به تناسب اهمیت و اولویت، نه تنها دور نمی ماند، بلکه بعضاً بیشتر ممکن است در آنجا نظارت صورت بگیرد. زیرا بازرسی ویژه رئیس جمهور اختیارات هیأت وزیران و رئیس جمهور را در مقابله با فساد دارد و محدودیتی در این زمینه ندارد و در صورت لزوم نسبت به زیرمجموعه های دستگاه های اجرایی هم ورود می کند. امروز و برای این دولت قطعاً شرکت های دولتی دیگر تاریکخانه نیستند. طبیعتاً این نگاه به تدریج از فسادها پیشگیری می کند. مثال دیگری بزنم. هفته گذشته مجمع عمومی یکی از شرکت های تحت نظارت برگزار شد که وزارت اقتصاد صورت های مالی آن را تأیید نکرد و آن را برگرداند. البته این صورت های مالی ناظر بر این دولت نبود و مربوط به سال ۹۹ بود. اما چون این صورت مالی مخدوش و محل سؤال بود، تأیید نشد. این اتفاق در زمینه شرکت های دولتی تقریباً بی سابقه است. بنابراین دولت بر شرکت های دولتی نورافکن و چراغ قوه انداخته است. زیرا خود دولت مدعی و پیشرو برای شناسایی مواردی از تخلف است که حتی ممکن است صرفاً سؤال و ابهامی وجود داشته باشد، نه اینکه فساد باشد که در جای خود با قدرت و قوت برخورد می شود.





عکس‌ها: رضا معطریان/ایران

سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت مطرح کرد

ناگفته‌هایی از جلسه کابینه دولت روحانی با رئیسی

● گفت‌وگو

متنی که در ادامه خواهید خواند، سخنان دکتر سپهر خلجی چهره جدید کابینه سیزدهم و رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت است که حاوی ناگفته‌هایی از آخرین جلسه اعضای دولت دوازدهم با آیت‌الله رئیسی است. جلسه‌ای که اعضای کابینه دولت قبل به تشریح برخی شرایط کشور پرداخته و خود به وضعیتی که دولت را در آن تحویل می‌دهند، معترف هستند. این گفت‌وگو چهارشنبه گذشته در روزنامه همشهری منتشر شد و «ایران» آن را با اندکی تغییر، در ویژه‌نامه خود بازنشر می‌کند.

یادآوری برخی موضوعات خالی از فایده نیست.

پس با همین ترجیح، آغاز کنیم؛ دولت سیزدهم در چه شرایطی کشور را تحویل گرفت؟

کشور در سال ۱۴۰۰ در شرایطی قرار داشت که یک دولت غربگرا با ایده مرکزی حل مشکلات از طریق مذاکره مستقیم با آمریکا سکandar مدیریت اجرایی بود که با اصرار بر همان ایده مرکزی کشور را هشت سال با خسارت شدید در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی مواجه کرده بود.

در این شرایط، تورم به مرز ۶۰ درصد رسیده بود، جامعه به شدت تحت فشار قرار گرفته و به دلیل تلبار مشکلات اقتصادی که فشار مستقیم آن بر معیشت مردم سرریز شده بود همه شاخص‌های مرتبط با اعتماد عمومی نیز

دولت در این دو سال، نصف راه خود را پیموده و فراز و فرودهایی داشته است. بهتر است با مقدمه‌ای درباره نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و چالش‌ها و هر آنچه به نظرتان در مورد وعده‌ها و چشم‌انداز پیش رو وجود دارد، شروع کنیم.

از وقتی که اختصاص دادید بسیار ممنونم. به جناب‌عالی و همه همکاران خدقوت عرض می‌کنم. در این دو سال رسانه‌ها کمک حال دولت بودند و به سهم خودم از همه همکاران رسانه‌ای سپاسگزار می‌کنم. البته در ابتدای گفت‌وگو مایلیم شرایطی را که آیت‌الله رئیسی وارد کارزار انتخابات شد مرور کنیم. به نظر برای مخاطبان این گفت‌وگو یادآوری دوران سابق که اتفاقاً زمان زیادی هم از آن نگذشته مفید باشد. متأسفانه ما عموماً حافظه کوتاه‌مدت‌مان زود پاک می‌شود و

دچار تنزل شده بود. حاکمیت دوگانه رسماً در این دوره تقویت شد و جسارت برخی اعضای ارشد آن دولت در برابر حاکمیت مشهود بود. اختلاف و تشنج بین قوا هر از گاهی ظرفیت‌های کشور را دچار چالش می‌کرد و بار روانی این ناملایمات در جامعه سرریز می‌شد.

در حوزه فرهنگ نوعی بی‌قیدی حاکم شده بود که مصادیقی از آن را در اعمال سیاست‌های سند ۲۰۳۰ و ولنگاری فضای مجازی و... همه شاهد بودند.

در حوزه تولید، رشد اقتصادی نزدیک صفر و سرمایه‌گذاری عملاً تعطیل شده بود، حتی کشورهای غربی که دولت قبل همه تخم‌مرغ‌هایش را در سبد آنها گذاشته بود هم حاضر به نجات آن دولت نبودند و هر جا هم که می‌توانستند یک لگد به اندام دولت می‌زدند. مصداق بارز آن پاره کردن برجام توسط آمریکا بود.

نمونه خفت‌بار دیگری که می‌شود اشاره کرد عدم سوخت‌رسانی به هواپیمای وزیر خارجه وقت در اروپا به بهانه تحریم بود؛ علاوه بر آن ده‌ها مورد تحریم در حین مذاکره با غرب هم اتفاق دیگری بود که عزت ملی را مخدوش کرده بود.

حال ممکن است برخی اصطلاحاً لاف در غربی بزنند و با اینکه کارنامه هشت سال عملکردشان در حوزه سیاست خارجی مستند جلوی چشم همه قرار دارد،

باید تاریخی را که بر این کشور و مردم گذشت یک‌بار دیگر بازخوانی کنیم. معتقدم واقعاً جا دارد دوره قبل از منظر نحوه حکمرانی در دانشگاه‌ها به عنوان عبرت تاریخ تدریس شود



**در ارزیابی‌ها باید
جنب انصاف را
رعایت کرد یعنی
وقتی از مشکلات
یک جریان
می‌گوییم باید
محاسن آن را هم
بگوییم. اگر بخواهم
برخی از محاسن
آن دوران خسارت‌بار
را بیان کنم باید
به تجربه‌اندوزی
مردم از کارنامه یک
جریان پرمدعا و
بی کارنامه هم اشاره
کنیم**

در کلاب‌هاوس برای خودشان و علاقه‌مندان شان هفت ساعت یک نفس دستاوردسازی بکنند اما این تلاش‌ها واقعیت صحنه را عوض نمی‌کند.

جالب است هنوز دو سال گذشته و به دنبال تحریف تاریخ مدیریت خود برآمدند.

بله. باید تاریخی را که بر این کشور و مردم گذشت یک‌بار دیگر بازخوانی کنیم. معتمد واقعاً جا دارد دوره قبل از منظر نحوه حکمرانی در دانشگاه‌ها به عنوان عبرت تاریخ تدریس شود.

به یاد بیاوریم دوره‌ای را که هر از گاهی مدیران ارشد دولت در سطح رئیس‌جمهور یا وزیران، خود منشأ جریان‌سازی و تحریک‌آفرینی علیه بخش‌هایی از حاکمیت یا سایر قوا می‌شدند که به مرور کشور را دچار فرسایش و درگیر یک چالش زننده کرده بود. خوب است مخاطبان این صحنه‌ها را در ذهن خود مرور کنند. صفحات روزنامه‌های وابسته هر روز یک مسأله را تبدیل به حاشیه و بحران کرده و انرژی زیادی صرف خنثی‌سازی آن می‌شد.

از طریق ابزار رسانه برای افکار عمومی اولویت‌سازی می‌کردند به گونه‌ای که موضوعی مانند برجام را به عنوان نسخه شفا بخش کشور و حل المسائل همه مشکلات مردم جا می‌زدند.

به اعتراف برخی وزرای وقت، ارتباط رئیس دولت با وزرا قطع و به همان نسبت ارتباط دولت با مردم نیز کم شد و آنجا هم که قرار بود به مردم توجه شود با نگاه از بالا به پایین بود که نمونه‌هایی از آن را در حضور در جمع کارگران با خودروی شاسی بلند شاهد بودیم.

مسیر انقلاب از ریل اصلی خود دچار انحراف شد و این اتفاق باعث دغدغه بسیاری از دلسوزان به انقلاب و وفاداران به امام شده بود.

اگر یک تحلیل محتوا از بیانات رهبر معظم انقلاب در آن ایام تلخ هشت‌ساله بشود محورهای مهمی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های ایشان از مسیر حرکت عمومی کشور قابل دریافت است.

البته طبیعتاً بیشترین نقش در مسدودسازی مسیر انحرافات و دفاع از گفتمان انقلاب و برافراشتن پرچم تبیین را شخص رهبر عالی‌قدرمان به عهده داشتند.

دهه‌ای که فرصت‌ها یک به یک به تهدید تبدیل می‌شد و ظرفیت انقلاب در حال فرسایش بود. یکی دیگر از اتفاقات تلخ این دوران تهدید غیرقابل انکار نفوذ بود که تقریباً در همه سطوح از سیاست، اقتصاد، محیط زیست و... با آن مواجه بودیم.

مصادق‌های زیادی برای آن وجود دارد، از فعال بودن جریان نفوذ در اطراف مسئولان ارشد وقت و اثرگذاری بر تصمیم‌ها و اقدامات تا نفوذ در سامانه محاسباتی مدیران دولتی. این هشت سال دقیقاً همان ایامی است که رهبر حکیم انقلاب فرمودند دهه ۹۰ دهه از دست رفته ایران است.

در آن دوره چون دولت وقت خود را در نسبتی با غرب تعریف و وضعیت خود را از دریچه قضاوت آنان ارزیابی می‌کرد لذا تقریباً با هر آنچه باعث عزت ملت بود مخالفت و مقابله می‌شد.

به نظر اگر مقایسه‌ای در این باره صورت بگیرد، مخاطبان بخصوص جوان ترها درک بهتری از شرایط دهه ۹۰ خواهند داشت.

نوع رویکرد دولت وقت را در قبال پیشرفت‌های موشکی ایران ببینید! و با وضعیت الان مقایسه کنید که رئیس‌جمهور خود در مراسم رونمایی از موشک هایپرسونیک هوافضا شرکت می‌کند و دست دانشمندان این عرصه را که باعث اقتدار و افتخار ایران بزرگ هستند می‌بوسد. بی‌خاصیت شدن صنعت فضایی کشور در بخش دولتی در آن مقطع را ببینید! و با وضعیت فعلی فضایی کشور که با اقتدار توان تصویربرداری از هر نقطه‌ای از جهان با فاصله یک متر را دارد مقایسه کنید. قطع کامل ارتباط کشور با سایر ظرفیت‌های بین‌المللی از جمله کشورهای همسایه و مسلمان و شرق آسیا را ببینید! و با وضعیت ارتباطات امروز جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه مقایسه کنید.

از دست رفتن ظرفیت هسته‌ای کشور را ببینید! و با توان غنی‌سازی ۶۰ درصدی و بالاتر در صنعت هسته‌ای امروز مقایسه کنید.

عدم استفاده از فرصت‌های ارتباطات راهبردی با قدرت‌های جهانی چون روسیه و چین را ببینید! و با ارتباطات راهبردی امروز با این دو کشور مقایسه کنید و.. البته در ارزیابی‌ها باید جنب انصاف را رعایت کرد یعنی وقتی از مشکلات یک جریان می‌گوییم باید محاسن آن را هم بگوییم.

اگر بخواهم برخی از محاسن آن دوران خسارت‌بار را بیان کنم باید به تجربه اندوزی مردم از کارنامه یک جریان پرمدعا و بی کارنامه هم اشاره کنم؛ یعنی دوره‌ای فراهم شد که مردم با پوست و گوشت خود دقیقاً معنای برخی شعارهای فریبنده و بدون پشتوانه را درک کردند.

جوانان تجربه خوبی از حاکمیت مدیریت خسته و پیر به دست آوردند. جامعه انقلابی تجربه دقیقی از ضدیت با انقلاب و شعارهای آن و انحراف در آرمان‌های امام را کسب کرد. مردم معنای دقیق کلمه نفوذ را فهمیدند؛ اتفاقی که اگر می‌خواستید با ده‌ها یادداشت و سخنرانی آن را بیان کنید مردم آن را به عینه دیدند.

یعنی به عبارتی حسن بزرگ دولت قبل این بود که به تجربه جمعی ملت اضافه کرد. یعنی اگر الان به کسی بگوییم نفوذ یعنی چه؟ دقیقاً تداعی ذهنی پیدایم کند. یا اگر به کسی بگویید معطل کردن ظرفیت‌های کشور یعنی چه؟ دقیقاً می‌تواند آن را با مثال برای شما بیان کند و چهره بعضی از اعضای دولت قبل جلوی دیدگان انسان رژه می‌رود.

**استناد شما بیشتر به کدام موضوعات
برمی‌گردد؟ مستندات دقیق آن
چیست؟ به نوعی می‌خواهیم بحث
را از حالت قضاوت کلی برمشاهده
عینی متمرکز کنیم.**

چه سندی مستندتر از بیان خود مسئولان وقت؟ مجموعه‌ای از اتفاقات که مربوط به این نحوه از مدیریت کشور بود باعث شد که کشور عملاً قفل شود.

این را بنده نمی‌گویم بلکه اسناد می‌گویند. برای اثبات عرایض بخشی از اظهارات مسئولان ارشد دولت قبل

را در اولین جلسه هیأت دولت با آیت‌الله رئیسی عیناً می‌خوانم تا همه بدانند آیت‌الله رئیسی دولت را دقیقاً در چه شرایطی تحویل گرفت و اظهارات مدیرانی که ۸ سال ملت را با وعده مذاکره با آمریکا و رفع همه مشکلات در گرداب بلاها رها کردند، چه بود.

البته امروز آنچه خود و تیم‌های رسانه‌ای وابسته به آنان در فضای مجازی می‌گویند خلاف این اظهارات است و به گونه‌ای در مورد ۸ سال دولت قبل صحبت می‌کنند که گویی در مورد دستاوردهای دولت در یک سیاره دیگر صحبت می‌شود.

به این جملات خوب توجه کنید. این اظهارات مربوط به جلسه هیأت دولت در تاریخ چهارشنبه سوم مرداد ۱۴۰۰ است:

آقای جهانگیری در همان جلسه صریحاً می‌گوید: واقعاً شرایط کشور دشوار است. ما تقریباً جزو کم سابقه‌ترین دوران چهل سال انقلاب را داشتیم. با اینکه ما خب جنگ تحمیلی را هم داشتیم و همه ما توی مسائل بودیم.

توی شرایطی که به هر حال فشار خارجی، امریکایی‌ها و مسائل ما در منطقه، مسائل داخلی بسیار سخت شده. این شرایط کرونا، این شرایط خشکسالی، منابع کشور

هم که ته کشیده، این هم شرایط دشوار بودجه، شرایط اقتصاد دشوار شده، هم شرایط اجتماعی و هم خارجی، بالاخره آقای رئیسی در چنین شرایطی مسئولیت اداره کشور را به عهده گرفته‌اند.

-رزم حسینی وزیرصمت: در برق صنایع ۶۰ درصد شب‌ها و ۳۰ درصد روزها برق هست. برق فولادمان هم ۵۰ درصد بعضی مواقع وصل است و بعضی مواقع قطع و الان تولیدمان کاهش داشته است.

-اردکانیان وزیر نیرو: جناب آقای رئیسی در جریان باشند که با توجه به کاهش نسبی دما خوشبختانه فعلاً امکان اینکه افزایش بدهیم فراهم شده منتهای این افزایش مرتب نیست یعنی ما حتی ۷۰ درصد تا ۸۰ درصد هم در بعضی مواقع قطعی داشتیم...

-جهانگیری: بزرگترین مشکل پیش روی ما که قبلاً هم خدمتان گزارش کردم بحث انتقال نهاده‌ها و تدارک



ورود آن به کشور است. در خصوص سایر کالاهای اساسی هم مشکل تأمین ارز داریم.

از این ۶ میلیون و ۳۲۸ هزار تنی که در بنادر وجود دارد و در اسکله‌ها و لنگرگاه‌ها ۹۸۴ میلیون دلار یا نزدیک به یک میلیارد دلار به ارز نیاز داریم. اینها کالاهایی است که ارز به آن تخصیص داده نشده.

-خاوازی وزیر جهاد کشاورزی: برای گندم ۱٫۲ میلیارد دلار و برای روغن ۱٫۱ میلیارد دلار نیاز داریم علاوه بر ارزی که مربوط به نهاده‌های دامی است و اگر بخواهیم آن را ثابت نگه داریم یک میلیارد دلار هم اینجا نیاز داریم....

موارد بدتری را هم از ما حاصل مدیریت آقایان شنیده بودیم؛ انتقاد اصلی شما به نرم افزار دولت سابق چیست؟

موارد زیادی از این دست اسناد در مذاکراتی که مدیران دولت قبل با شخص رئیس جمهور و بعضاً در جلسات دو نفره داشتند وجود دارد که واقعاً الان به مصلحت نیست منتشر شود و همه حاکی از اوضاع وخیم اقتصاد کشور، ذخایر کالاهای اساسی، سیاست خارجی، وضعیت ارزی کشور، تورم، خشکسالی، وضعیت تأسفبار کرونا و کشته‌های کرونایی و... بوده است که دقیقاً ناشی از نحوه اداره کشور توسط یک جریان سیاسی در کشور و با وعده فریبنده حل مشکلات مردم از کانال مذاکره با غرب بود، جریانی که در این چهل سال بخش عمده‌ای از دوران مدیریت برارکان کشور را به اشکال مختلف و با شعارهای مختلف اما مشابه به عهده داشتند.

یک توهم محض که نه شجاعت اصلاح راهی را که اشتباه رفتند، داشتند و نه شجاعت اعتراف به اشتباه در برآوردهای خسارت‌آفرین برای زندگی یک ملت بزرگ. یعنی آیت‌الله رئیسی در چنین شرایطی کشور را تحویل گرفت. به لحاظ اجتماعی جامعه در وضعیت بدی از ناامیدی نسبت به کارآمدی دولت، فشار شدید اقتصادی در کنار سایه سنگین مرگ‌های کرونایی و تعلل دولت در حل مشکل، اوضاع به هم ریخته ارتباطات خارجی که حتی شرکای غربی دولت که ۸ سال آنان را سرکار گذاشته بودند و ظرفیت‌های کشور را تحلیل برده بودند، حاضر نبودند قدمی برای کمک به این دولت برای خروج از این بحران بردارند.

جامعه انقلابی و جوانان دل‌داده به انقلاب هم که در این ۸ سال خون دل خورده بودند نگران از تداوم این وضعیت و فرسایش دستاوردهای انقلابی که قدم به قدم برای حفظ آن خون‌های مطهر تقدیم شده بود.

مقدمه مفصلی شد اما به نظر لازم بود؛ خصوصاً آنکه با مستندات ارائه کردید، در مورد دولت سیزدهم بفرمایید.

حتماً؛ تاریخ را مرور کردم که اتفاقاً به همین جا برسم. مجموعه‌ای از این مسائل باعث شد که مردم در ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ با شرکت در انتخابات به تداوم این مسیر نه معنادار گفتند و آیت‌الله رئیسی که حالا بار بزرگی از مشکلات و دغدغه‌های مردم و جامعه متدین را به دوش گرفته بود، وارد چرخه مدیریت اجرایی کشور شد.

در این مقطع مهم‌ترین و اولویت‌دارترین هدف، اصلاح مشکلات مردم بود.

اما دولت مردم راه‌حل آن را در بازگشت به شعارهای انقلاب، سد کردن مسیر نفوذ، بازگرداندن دولت به میان مردم، دمیدن روحیه امید، تلاش برای خنثی‌سازی تحریم و در عین حال تلاش برای رفع تحریم، باز کردن گره‌های سیاست خارجی از طریق بسط مناسبات همسایگی، منطقه‌ای و همبستگی با کشورهای مسلمان و برقراری ارتباطات راهبردی با همه شرکای مهمی که علاقه به همکاری با جمهوری اسلامی داشتند و تمرکز بر اقتصاد قرار داد.

توجه به ظرفیت‌های بزرگ نخبگانی در حل مسائل کشور و فرصت دادن به جوانان برای گره‌گشایی از گره‌های کور در موضوعات مختلف از جمله اقدامات اساسی دولت در این مسیر بود.

جهت‌گیری سیاست خارجی دولت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در ابتدا باید بگویم این جهت‌گیری را رهبر معظم انقلاب تأیید فرمودند. همین چند هفته قبل فرمودند این توفیقات در سیاست خارجی و سیاست همسایگی مرهون تلاش‌های آیت‌الله رئیسی است (نقل به مضمون).

خوب نتیجه آن را هم در این نزدیک دو سال همه می‌بینند و می‌توانند قضاوت کنند کدام منطق زبان دنیا را بلد بود و کدام منطق توان دفاع از منافع ملت را داشت.

البته یقیناً در حوزه مسائل اقتصادی با مشکلاتی مواجه هستیم که بخشی از آن ناشی از ضعف‌ها و کم‌کاری‌ها و بخشی از آن هم ناشی از فتنه اغتشاشات است که با هدف توقف کشور و مسدود کردن مسیر پیشرفت صورت گرفت که البته خسارتی که به کشور و اقتصاد و معیشت مردم وارد شد به یاری خدا با کار مضاعف و تلاش شبانه‌روزی دولت حتماً باید جبران شود. الان همه می‌بینند که در حوزه مسائل خارجی رویکرد راهبردی دولت فعال کردن همه ظرفیت‌ها برای توسعه روابط خارجی با هدف رفع و خنثی‌سازی تحریم‌ها و مقابله با یکجانبه‌گرایی است که از همان ابتدا هم بارها این مسأله گفته شد.

توسعه روابط با همه ظرفیت‌ها از جمله آفریقا و همچنین امریکای لاتین هم در دستور کار جدی است. در امتداد همین سیاست منطقه‌ای سفر رئیس جمهور به سوریه انجام شد و پس از ۱۴ سال بنای ارتباطات راهبردی با رویکرد اقتصادی و تحکیم محور مقاومت تقویت شد.

سفر از ابعاد مختلف حائز اهمیت بود؛ اولاً این سفر نشان داد بحمدالله با جانفشانی رزمندگان مقاومت، امنیت به سوریه برگشته، ثانیاً زمینه تبادلات اقتصادی با کشور سوریه در ابعاد مختلف فراهم شد، ثالثاً محور مقاومت تجدید قوا کرد و در منطقه نقش‌آفرینی بیشتری خواهد داشت که بحمدالله توان بالای مقاومت در پاسخ دادن به تجاوزات رژیم صهیونیستی در روزهای گذشته شاهد این مدعا است. ملاقات در سوریه در بالاترین سطح انجام شد و حائز دستاوردهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و دفاعی بود. البته توافقات این سفر باید پیگیری شود. در ادامه رئیس جمهور برای توسعه روابط خارجی با آسیا به اندونزی سفر کردند و زمینه همکاری با ظرفیت‌های بزرگ جهان اسلام فراهم شد.

سفر به سه کشور امریکای لاتین هم در همین چهارچوب است. ضمن اینکه بسیاری از مشکلاتی که در دولت قبل بین همسایگان منطقه اتفاق افتاده بود در مسیر اصلاح قرار گرفت. همه فهمیدند که بر خلاف تبلیغات، دنیا فقط چند کشور در امریکا و اروپا نیستند و جمهوری اسلامی همزمان با تلاش‌ها برای رفع تحریم تلاش خود برای خنثی‌سازی تحریم، پایان دادن به حاکمیت دلار در مناسبات اقتصادی و توسعه روابط با سایر واحدهای سیاسی را سرعت بخشیده است.

و در آخرین مورد مهم، آزادی آقای اسدی از زندان‌های بلژیک بود...

یکی دیگر از توفیقات بزرگ سیاست خارجی در همین ایام، مجموعه اقدامات ترکیبی دولت سیزدهم برای آزادی دیپلمات عزیزمان آقای اسدی بود که غیرقانونی در دوره‌ای از دولت قبل و در آستانه سفر رئیس جمهور وقت به اتریش در اروپا دستگیر شده بود و متأسفانه دولت قبل اقدام مؤثری برای آزادی ایشان انجام نداد.

همزمان برخی پرونده‌های ایران و آژانس حل شد. برخی گروگان‌های ما که در بند کشورهای خارجی بودند با زندانیان و جاسوس‌های آنان تبادل شدند.

بخشی از پول‌های بلوکه شده ما آزاد شد. هر کدام از این موارد دستاورد بزرگی در حوزه امنیتی و دیپلماسی است. آیت‌الله رئیسی حقیقتاً طبق وعده‌ای که داده بود، عمل کرد.

یک زمانی زبان بلدهای دنیا اعتراض داشتند که چرا موقع مذاکرات، سپاه موشک آزمایش می‌کند، اما حالا در شرایطی که سفارت ایران همزمان در عربستان بازگشایی می‌شود رئیس جمهور در مراسمی شرکت می‌کند که

موشک رونمایی شده می‌تواند در کمتر از ۴۰۰ ثانیه به تل‌آویو و حیفا برسد؛ این یعنی وقتی اقتدار داشته باشی دنیا هم مجبوره زبانت را ییاد بگیره.

اغتشاشات بر شرایط عمومی دولت چه تأثیری گذاشت؟

کشور در دوره اغتشاشات دچار خسارت بزرگی شد. بعضی از این خسارت‌ها قابل جبران نیست. از جمله شهادت جمعی از بهترین فرزندان این ملت از جمله شهید علی وردی و شهید عجمیان.

چند بار حضرت آقا اشاره فرمودند که دلیل این اغتشاشات طراحی دشمن برای ضربه زدن به مسیر پیشرفت کشور بود.

یعنی اتاق‌های فکر دشمن محاسبه کردند که هر جا جریان انقلاب حاکم شود کشور در مسیر پیشرفت قرار می‌گیرد و طبیعی است که وقتی مردم طعم شیرین پیشرفت را چشیدند دیگر به جریان‌های بدلی، فریبکار و خسته اقبال نخواهند داشت، با طراحی توطئه تلاش کردند مسیر پیشرفت کشور توسط جریان برآمده از انقلاب را سد کنند.

ملت را دچار رنج و محنت کرده و به عبارتی آنان را از کرده خود پشیمان کنند. در فتنه اغتشاشات همه دیدند که جریان غرب همه ظرفیت خود را به میدان آورد. از اراذل اجاره‌ای تا رؤسای برخی کشورها، تا فواحش سیاسی و هنری و اخلاقی تا برخی نهادهای بین‌المللی و... که با پشتیبانی آشکار رسانه‌های موجب بگیر جشن براندازی گرفته بودند.

تجمعات اجاره‌ای در آلمان، استرالیا، کانادا و برخی دیگر از کشورها را دیدید؟ در مقابل چه اتفاقی افتاد؟ انسجام مردم و تجمعات پرشور برای دفاع از انقلاب و امام و رهبری. سال قبل سال پیروزی مردم ایران بود واقعاً مردم در سراسر کشور دشمن را خسته کردند. دشمن را ناامید کردند.

البته کشور به لحاظ موقعیت اقتصادی خسارت دید. سرمایه‌گذاری دچار تعلل شد. قیمت ارز به دلیل همین توطئه‌ها از دست در رفت و نهایتاً فشار آن به مردم و بویژه قشر ضعیف تحمیل شد.

البته دولت با درک شرایط تلاش کرد اقدامات جبرانی داشته باشد از جمله طرح افزایش اعتبار یارانه سه دهک پایین در قالب کالا برگ و یا تلاش برای شکستن انحصار دلان در بازار خودرو و...

در مسیر اجراء دولت با مشکل خاصی مواجه است؟

بنای دولت هم در همه این دو سال همکاری و هم افزایشی با سایر قوا برای رفع مشکلات مردم بوده است. بعید است در همه این دو سال از رئیس جمهور محترم مطلبی که باعث اختلاف در قوا تعبیر شود کسی شنیده باشد.

اگرچه بعضاً ناملایماتی می‌بینیم که البته طبیعی است اما در قوا بحمدالله بنا بر هم افزایشی و همکاری برای حل مشکلات مردم است. حسن بزرگ این دولت سربازی برای رهبری و نوکری برای ملت است.

طبیعی است در دولت هر آنچه مورد نهدی رهبری باشد حرام شرعی تلقی می‌شود و هر آنچه دولت را از خدمت به مردم دور کند گناه نابخشودنی است. همه باید درک مشترک و درستی از شرایط کشور، مشکلات مردم و تهدیدهای دشمنان داشته باشیم و برای رفع گره‌ها از همه ظرفیت‌ها خرج کنیم. آنچه نیاز امروز است امید است. بنده و همه همکارانم مکلف به امیدافزایی و امیدآفرینی هستیم.

هرمسأله‌ای که ما را از این مأموریت و تکلیف مهم باز ندارد قطعاً اشتباه است.

حجم فعالیت‌های عمرانی، توسعه‌ای، اتمام پروژه‌های نیمه کاره و افزایش تولید در برخی حوزه‌ها به قدری است که وقت بیشتری برای بیان می‌خواهد. نمونه‌هایی از این موارد بارها در سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب در این ماه‌ها به عنوان خدمات دولت در حوزه‌های مختلف بیان و اشاره شده است. البته باید تلاش بیشتری صورت پذیرد و طبیعی است که با حجم بالای عقب‌ماندگی‌ها این میزان از خدمت و تلاش کفایت نمی‌کند.



همه فهمیدند که

بر خلاف تبلیغات،

دنیا فقط چند

کشور در امریکا

و اروپا نیستند و

جمهوری اسلامی

همزمان با

تلاش‌ها برای رفع

تحریم تلاش خود

برای خنثی‌سازی

تحریم، پایان

دادن به حاکمیت

دلار در مناسبات

اقتصادی و توسعه

روابط با سایر

واحدهای سیاسی

را سرعت بخشیده

است



روایت معاون پارلمانی رئیس جمهور از دو سال تعامل دولت و مجلس

همکاری در سایه همگرایی

● گفت و گو

مواردی بوده که به وزرا کارت زرد داده‌اند؛ دولت به نمایندگان که روی مسائل حوزه انتخابیه متمرکز هستند و کمبودها و مشکلات را بهتر و بیشتر لمس می‌کنند، به چشم مشاوران دلسوز نگاه می‌کند. اعضای دولت در چارچوب موازین قانونی با جدیت مطالبات مردم را که از زبان نمایندگان مطرح می‌شود، پیگیری می‌کنند و تا جایی که میسر باشد انجام می‌دهند و در مواردی که ممکن نیست روند کار و دلیل اجرایی نشدن را توضیح می‌دهند. تاکنون معمولاً این توضیحات قانع‌کننده بوده و تنها چند مورد بوده که سؤالات به صحن کشیده شده و نماینده سؤال‌کننده یا اکثریت نمایندگان از پاسخ وزیر قانع نشده‌اند.

ارزیابی تان از همکاری و تعاملی که در دو سال نخست عمر دولت سیزدهم میان مجلس و دولت برقرار شده و اثربخشی آن در این همکاری وجود داشته بر حل مسائل کشور چیست؟ چه نقاط قوت و وضعی برای تعامل حاکم بوده است؟

نمایندگان مجلس در این مدت به چشم دیده‌اند که مدیران دولتی با جدیت و اهتمام خاص مسائل حوزه‌های انتخابیه را در حدود مقدمات و اعتبارات حل و فصل می‌کنند. برای نمونه بنده به عنوان معاون رئیس جمهور در مجلس به دعوت نمایندگان و مسئولان استانی در ۲۱ ماه گذشته ۱۰۴ سفر استانی به بیش از ۱۷۰ شهرستان داشته‌ام و پس از هر سفر مسائل آن منطقه را در دولت پیگیری کرده‌ام. به عنوان مثال در پی بازدید از مرز باجگیران که از سال ۹۸ تعطیل شده بود، بلافاصله با سفیر جمهوری اسلامی ایران در ترکمنستان تماس گرفتم و بعد از طریق وزارت خارجه پیگیری کردم تا اینکه در نهایت مرز باز شد و نماینده از این اقدام و همکاری که آثار مثبتی به همراه داشت تشکر کرد؛ وقتی نماینده می‌بیند این‌گونه همراهی و با دلسوزی مسائل پیگیری می‌شود و کار بر زمین

به وجود آمدن همگرایی بیشتر میان دولت و مجلس یکی از نتایج قطعی انتخاب شخصیتی به ریاست جمهوری بود که در جایگاه ریاست قوه قضائیه هم ثابت کرده بود اعتباری برای وارد شدن در مناقشه‌ها و حاشیه‌پردازی‌های سیاسی کارانه که در برخی دولت‌های گذشته سابقه داشت، قائل نیست. مروری بر مواضع و سخنان او در دو سال گذشته هم نشان داد که او رئیس جمهوری نیست که پشت تریبون بایستد و به جای پرداختن به مسائل مهم کشور علیه این یا آن قوه موضع بگیرد. یک سال پس از شروع به کار دولت این وضعیت در آینه بیانات رهبری این‌گونه بازتاب یافت که «اینکه دولت، مجلس و قوه قضائیه دائماً با هم مناقشه داشته باشند و حرف و گفت و گله و شکایت داشته باشند، چیز بدی است، ذهن مردم را آشفته می‌کند. امروز احساس می‌شود که یک توافقی، یک همدلی‌ای وجود دارد. باید سعی کنید این همدلی و همفکری را حفظ کنید؛ هم دولت، هم مجلس مواظب باشد.» ایشان بر همین اساس در دیدار خرداد ماه امسال به نمایندگان مجلس نیز توصیه کردند: «رویکرد مجلس و دولت باید همکاری و هم‌افزایی باشد؛ دولت بار اجرا را بردوش دارد و با توجه به حجم زیاد کار، مطالبات و توقع از آن، باید مراعات دولت را کرد.» در گفت و گو با سید محمد حسینی، معاون رئیس جمهور در امور مجلس به ارزیابی تعامل دو قوه و اثر آن بر حل مسائل کشور پرداختیم؛ رابطه‌ای که به رغم همه توصیه‌ها و مراقبت‌ها فارغ از فراز و فرود نبود.

نظرات و خواسته‌های‌شان را مطرح کنند. بنابراین، تعاملی که در این دولت با نمایندگان وجود داشته کم سابقه بلکه بی سابقه بوده است.

در مقابل این روحیه تعاملی آیا باز خورد لازم را از مجلس هم گرفته‌اید؟ نگاه دولت به تعدد طرح سؤال نمایندگان از وزرا، حضور چندباره برخی وزرا در کمیسیون‌ها و نیز صحن مجلس چیست و این رویکرد در این مدت چه اثرات مطلوب و نامطلوبی به جا گذاشته؟

به باور ما، حضور وزرا و حتی معاون اول و سایر معاونان رئیس جمهور در نشست با نمایندگان یک اقدام کم نظیر بود و البته رضایت نسبی مجلس را هم در پی داشته است. اگرچه سؤالات متعددی از وزرا مطرح شده اما نمایندگان غالباً قبل از طرح سؤال در صحن مجلس از پاسخ وزرا قانع شده‌اند و انگشت‌شمار

تعامل دولت سیزدهم با کلیت مجلس شورای اسلامی اعم از هیأت رئیسه و نمایندگان به نسبت آنچه در ادوار گذشته جریان داشته، براساس چه شاخص‌ها و اصولی بازتعریف شده است؟ بطور مثال در موضوعاتی همچون مواجهه با استیضاح وزرا یا پیگیری بررسی لوایح در مجلس چه اصولی مدنظر دولت است؟

رابطه دولت سیزدهم با مجلس از آغاز براساس همکاری و تعامل سازنده بنا شده است. آیت الله رئیسی در سال اول مسئولیت با مجمع نمایندگان همه استان‌ها دیدار داشت و در این دیدارها رئیس جمهور نظرات و پیشنهادات یکایک نمایندگان در مسائل ملی، استانی و حوزه‌های انتخابیه را با دقت شنید و در پایان توضیحات لازم و تصمیمات را مطرح کرد. علاوه بر آن، رئیس جمهور در سال اول به تمام ۳۱ استان کشور سفر کرد و در این سفرها هم در دسترس نمایندگان بود تا



آیت الله رئیسی در سال اول مسئولیت با مجمع نمایندگان همه استان‌ها دیدار داشت و در این دیدارها رئیس جمهور نظرات و پیشنهادات یکایک نمایندگان در مسائل ملی، استانی و حوزه‌های انتخابیه را با دقت شنید



عکس: رضا معطریان/ایران



دولت سیزدهم
تاکنون بالغ بر ۸۰
لایحه به مجلس
تقدیم کرده است
و غالب این لوایح
هم اعلام وصول
شده‌اند. از این
میان جز لایحه
بودجه سالانه که
اهمیت و اثرگذاری
خاص خود را دارد،
می‌توان به لوایح
کارگشای متعددی
اشاره کرد

بودن تمرکز داشته؟

برای تدوین لایحه برنامه هفتم توسعه، تجربه شش برنامه قبلی را داشتیم که بر اساس آمار و به طور متوسط تنها ۳۰ درصد اجرا شده‌اند. اگر چه بخشی از این عدم اجرا به خاطر ضعف مدیران و مجموعه اداری کشور بوده، اما حتماً یک بخش به دلیل واقعی نبودن و قابل اجرا نبودن برنامه‌ها بوده است، اینکه تدوین برنامه هفتم طولانی شد برای این بود که برنامه نهایی دقیق، عملیاتی و اجرایی باشد تا با پایداری که این دولت به قانون دارد واقعاً اجرا شود. تأکید دولت بر واقع‌نگری است. موضوعی که در بعضی تکالیفی که برعهده دولت گذاشته شده و می‌شود، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. مثلاً در مورد توزیع کالابریک با وجود همه تلاش‌هایی که شد، زیرساخت لازم فراهم نبود. خب یک عده‌ای اشکال گرفتند. اما به این توجه نداشتند که زمینه مناسب برای اجرای قانون وجود نداشته است. برخی نمایندگان دستاوردهای دولت را بویژه در عرصه اقتصادی کافی نمی‌دانند. به نظر توقع بیشتری داشتند که در این دو سال دولت تغییرات بیشتری در شرایط اقتصادی و معیشتی جامعه ایجاد کند.

برحسب تجربه می‌گویم: نمایندگان مجلس شاید فرصت نداشته باشند که در نطق چند دقیقه‌ای خود نقاط قوت را بگویند. حالا البته گاهی در بیانیه‌ها از برخی اقدامات و دستاوردها تقدیر می‌کنند ولی بالاخره نماینده می‌خواهد ظرف ۲ دقیقه درباره حوزه انتخابیه‌اش صحبت کند. طبیعتاً فرصت نیست کارهای انجام شده را بگوید بلکه می‌خواهد کارهای جدیدی هم انجام شود لذا اگر کسی بعضی نطق‌ها و تذکرات مجلس را دنبال کند، گمان می‌کند که در کشور فقط کمبود و مشکلات است. البته توقع این است نقاط قوت را هم ببینند و اگر کاستی هست واقع‌نگر باشند. باید در نظر داشت که در سال ۱۴۰۱ حداقل سه ماه درگیر آشوب بودیم. اغتشاش و آشوب قطعاً آثار نامطلوب اقتصادی دارد. روی سرمایه‌گذاری، گردشگری، مراودات با کشورهای دیگر و بسیاری از موارد دیگر اثر منفی می‌گذارد. اینکه کشور درگیر یک جنگ اقتصادی و ترکیبی است و دشمن انواع شیوه‌ها مثل ایجاد تابلطم در بازار ارز و... را به کار می‌برد، انکار شدنی نیست. اگر کسی کار اجرایی کرده باشد این مسائل را بهتر درک می‌کند. امیدواریم در سال پایانی این مجلس با همدلی و هم‌افزایی بتوانیم خدمات مؤثری به نفع مردم انجام دهیم و موجبات پیشرفت کشور را فراهم آوریم.

بود توسط دولت سیزدهم اجرا شد.

ارزیابی‌تان از روند بررسی و تصویب لوایح در مجلس چیست؟ حضور نمایندگان انقلابی و فعال در مجلس باعث شده طرح‌ها زیادی ارائه شود، آنقدر که گاهی نوبت به بررسی لوایح نمی‌رسد. در این مورد هم مقام معظم رهبری قبلاً بیان داشتند که لایحه باید بر طرح مقدم باشد. تدوین یک لایحه با نظرات کارشناسی یک وزارتخانه تدوین می‌شود، در کمیسیون‌های دولت اول در کارگروه و بعد در خود کمیسیون بررسی می‌شود و بعد در هیأت دولت مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و به رأی گذاشته می‌شود و سپس در کمیسیون دولت و صحن رسیدگی می‌شود، بعضاً روی برخی لوایح تا تقدیم به مجلس یک یا دو سال کار کارشناسی می‌شود؛ رئیس محترم مجلس هم بر این باور است که اصل بر ترجیح لوایح دولت بر طرح‌های نمایندگان است.

در مورد لوایح اقتصادی همچون لایحه بودجه یا لایحه تقویت اختیارات بانک مرکزی و... آنچه در نهایت به تصویب نمایندگان رسید با ایده دولت که برای حل مسائل کشور طرح‌ریزی شده بود، چه نسبتی داشت؟

اینکه در مجلس تغییراتی در حد معقول و معمول روی لوایح اعمال شود، طبیعی است و دولت هم توقع ندارد هر چه به مجلس فرستاد صد درصد تصویب شود. منتهی انتظار این است که تغییرات به گونه‌ای نباشد که اجرا دشوار شود یا انسجام کار را به هم بزند. در مورد لایحه بودجه ۱۴۰۲ که ابلاغ شده تغییراتی صورت گرفته که در بعضی موارد قابلیت اجرا ندارد یا کار را با سختی مواجه می‌کند. در این موارد آقای رئیس‌جمهور از هیأت دولت خواسته مواردی را که امکانپذیر نیست در همین سه ماهه اول سال اعلام کنند و نگذارند که کار از کار بگذرد و بعد دستگاه‌های نظارتی بگویند چرا دولت قانون بودجه را اجرا نکرد. به همین دلیل قرار است اصلاحیه یا متمم بودجه را برخلاف دولت‌های گذشته به سه ماه آخر سال موکول نکنیم بلکه در همین آغاز کار تقدیم مجلس کنیم تا بررسی و اصلاح لازم صورت گیرد و بعد هم برای اجرای آن جدیت به خرج بدهیم.

خود دولت در تدوین لوایح و به طور ویژه در مورد لایحه برنامه هفتم توسعه تا چه حد روی اجرایی

نمی‌ماند، رضایت و اعتمادش جلب می‌شود، ولی گاهی اوقات به نتیجه رساندن بعضی تقاضاها امکانپذیر نیست؛ چرا که مدیر اجرایی با محدودیت‌های مالی و قانونی مواجه هست. در هر صورت، با توصیه‌های اخیر حضرت آقا امیدواریم هماهنگی و همراهی خوبی بین دو قوه فعلی صورت بگیرد.

دولت سیزدهم در مواجهه با مشکلات اقتصادی که بعضاً مشکلاتی مزمن بودند یا از دولت گذشته بر جای ماندند، در موارد متعددی ترجیح داد با ارائه لایحه کشور را در مسیر حل بنیادین مسائل مبتلا به قرار دهد. اگر قرار باشد به فهرستی از راهگشاه‌ترین این لوایح ارسالی اشاره کنید، این فهرست شامل کدامین لوایح است؟

دولت سیزدهم تاکنون بالغ بر ۸۰ لایحه به مجلس تقدیم کرده است و غالب این لوایح هم اعلام وصول شده‌اند. از این میان جز لایحه بودجه سالانه که اهمیت و اثرگذاری خاص خود را دارد، می‌توان به لوایح کارگشای متعددی اشاره کرد، مثلاً لایحه الحاق موادی به قانون ساماندهی صنعت خودرو که برای واردات خودروهای کارکرده ارسال و کلیات آن تصویب شد؛ لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی به سازمان همکاری‌های شانگهای که در واقع مجموع ۵۰ لایحه بود و عضویت دائم ج.ا.ا. در این سازمان پر قدرت اقتصادی گام برجسته‌ای در دیپلماسی کشور بود؛ لایحه تقویت اختیارات بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز با هدف کنترل نوسانات این بازار و اثرات آن بر قیمت دیگر کالاها؛ لایحه تخصیص مالیات به انجام معاملات مکرر واحدهای مسکونی و اراضی با کاربری مسکونی؛ لایحه ساماندهی و نظارت بر تجارت مرزی و کوله‌بری و ایجاد اشتغال پایدار برای مرزنشینان؛ لایحه ایجاد منطقه آزاد تجاری صنعتی مازندران؛ لایحه اصلاح ماده ۴ قانون احیا و بازسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری از جمله لوایح تقدیمی دولت به مجلس است.

علاوه بر این دولت سعی کرده است از برخی لوایح تدوین شده در دولت گذشته و نیز طرح‌های مفید که توسط نمایندگان ارائه شده، حمایت کند. لایحه رتبه‌بندی معلمان از جمله لوایح دولت قبل بود و با وجود تنگناهای مالی دولت موافقت خود را اعلام کرد و علیرغم اشکالاتی که در مقام اجرا به لحاظ مهلت کم سه ماهه که برای رتبه‌بندی تعیین شده



«ایران» از چرایی پایان تنش‌های سیاسی درون دولت و میان قوا در دو سال گذشته گزارش می‌دهد

بازگشت به اخلاق دولtdاری

● گزارش

زبان به گله و شکایت بگشاید یا اینکه به تلخی این رویداد تداوم بدهد. همین رویه، یعنی رویکرد معطوف به حل مسأله، و نه دامن زدن یا افزایش تنش‌ها، در مدیریت داخلی خود دولت هم دیده می‌شود. نتیجه چنین مدیریتی است که در دولت سیزدهم خبری از اختلاف میان اعضای دولت نیز منتشر نمی‌شود یا اگر حتی اختلافی کارشناسی وجود داشته باشد، درون جلسات سطوح عالی، حل و فصل می‌شود. این همان کاری نیست که رئیس دولت باید انجام دهد و آیت‌الله رئیسی این رویه را در دولت سیزدهم دنبال کرده است.

دولت‌های قبل در ضمیر و خاطر ایرانیان باقی مانده است. تنها حاصل این تنش‌ها، شلوغ شدن فضای مجازی و رونق دادن به بگومگوهای بی‌حاصل سیاسی و آزار دادن روان ایرانیان بود. درغیر این صورت، این تنش قوا، بویژه سران قوا که به رسانه‌ها کشیده می‌شد، یا علنی شدن اختلاف‌های درون دولت، هیچ گرهی را از مسائل کشور نمی‌گشود و چه بسا خود گرهی بر دیگر گره‌ها می‌افزود. قفل یا طولانی شدن بعضی تصمیمات مهم و راهبردی برای کشور، نتیجه دیگر این وضعیت بود.

رقم زد. در دولت یازدهم نیز، اختلاف قوا، گاه به بگومگوهای تلخ و گزنده دولت و قوه قضائیه منجر می‌شد.

در دولت دوازدهم هم اختلاف درونی دولت به حدی رسیده بود که معاون اول رئیس جمهور در یک صحبت عمومی اعلام کرد اختیار تغییر منشی خود را هم ندارد تا به این ترتیب به جامعه اعلام کند که همه چیز در دفتر رئیس جمهور خلاصه شده است.

بر همین اساس می‌توان گفت این تنش‌ها به گونه‌ای بوده است که هنوز خاطره تلخ آن در

در دولت سیزدهم دیگر از تنش‌های مدیریتی و ستیزهای رسانه‌ای میان قوا خبری نیست. یک نشانه در تأیید این ادعا، در واکنش آیت‌الله رئیسی پس از استیضاح وزیر سابق صمت دیده شد. دولت با استدلال‌های بسیار، مخالف استیضاح سیدرضا فاطمی امین بود و این مخالفت را بارها اعلام کرده بود. حتی آیت‌الله رئیسی برای دفاع از وزیر خود، در جلسه استیضاح حضور یافت و در جمع نمایندگان از فاطمی امین دفاع کرد. باوجود این، وقتی مجلس به استیضاح وزیر سابق صمت رأی مثبت داد، آیت‌الله رئیسی عصر همان روز در جلسه هیأت دولت، بار دیگر بر همگرایی میان قوا تأکید کرد، بدون اینکه از مجلس

مسیر اشتباهی که ادامه پیدا نکرد

اغراق نیست اگر گفته شود مدیریت پراز تنش دولت، یکی از تجربه‌های سیاسی ایران در ۱۶ سال پیش از دولت سیزدهم بوده است. چه دولت‌های نهم و دهم و چه یازدهم و دوازدهم، هم تنش میان قوا در برخی دوره‌ها به اوج خود رسید و هم تنش‌های درون دولت.

به عنوان مثال، در ابتدای دولت دهم، اختلاف نظر درباره انتصاب رئیس دفتر، به استعفا و برکناری چندین وزیر انجامید. همچنین اختلاف دولت و مجلس، یکشنبه سیاهی را برای کشور



در دولت دوازدهم هم اختلاف درونی دولت به حدی رسیده بود که معاون اول رئیس جمهور در یک صحبت عمومی اعلام کرد اختیار تغییر منشی خود را هم ندارد تا به این ترتیب به جامعه اعلام کند که همه چیز در دفتر رئیس جمهور خلاصه شده است



که نمی‌توان از مدیریت و نوع رویکرد رئیس جمهور نسبت به سایر قوا نیز غافل ماند. از جمله شواهد این نوع رویکرد آیت‌الله رئیسی مبنی بر مدیریت اختلاف با سایر قوا، علاوه بر مسأله استیضاح وزیر صمت، در ماجرای لایحه تشکیل سازمان بازرگانی دیده شد. در دیدار نوروزی مجلس و دولت (۶ فروردین ۱۴۰۲) آیت‌الله رئیسی به یک نکته مهم اشاره کرد.

رئیس جمهور در تشریح رویکرد دولت در همراهی با مجلس، گفت که نظر مجلس مبنی بر ارسال لایحه‌ای به مجلس برای تشکیل وزارت بازرگانی بوده است، اما پس از رایزنی با کمیسیون‌های مجلس و اخذ نظر آنان برای تشکیل سازمان بازرگانی، دولت لایحه خود را تغییر داده است. البته این لایحه هم در مجلس رأی لازم را کسب نکرد و بنابه رایزنی‌های دوباره دولت و مجلس، دولت بار دیگر لایحه تشکیل وزارت بازرگانی، به جای سازمان بازرگانی را به مجلس ارسال کرد.

آنچه سپهر سیاسی ایران بر آن گواهی می‌دهد این است که این اختلاف نظر که باعث چندباره شدن ارسال لایحه میان دولت و مجلس شده است، هیچ‌گاه به یک مگوگو و تنش سیاسی تند میان دولت و مجلس تبدیل نشده است. این مسأله در سایر موارد، مانند اختلاف نظر میان دولت و مجلس در زمینه اجرای طرح عادلانه‌سازی بارانه‌ها یا سایر مسائل نیز صادق است. این موارد نشان می‌دهد که اصل اختلاف نظر در مدیریت کشور، همواره وجود دارد، اما آنچه در دولت سیزدهم به صورت امری بدیع به وقوع پیوسته است، مدیریت این اختلاف نظرها، در جلسات و از طریق ارتباطات و رایزنی‌های درونی است. بدون آنکه بخواهد هزینه روانی، سیاسی و اجتماعی تازه‌ای برای جامعه و افکار عمومی ایرانیان ایجاد کند.

مدیریت درونی در دولت سیزدهم

در دولت سیزدهم دیده نشده است که مدیر، وزیر یا دیگر عضو کابینه‌ای، نه با همکاران خود در دولت یا با چهره‌های سیاسی و اجتماعی، وارد جدل شود. این امر می‌تواند به معنای تمرکز نگاه و توجه‌ها به حل مسائل کشور و چالش‌های مردم باشد.

در عین حال می‌توان گفت این رویکرد بخشی از انتظاری است که رئیس جمهور از همکاران خود داشته است. هرچند در مواردی، اختلاف نظرهای برخی مدیران رسانه‌ای دستگاه‌های اجرایی در شبکه‌های اجتماعی خبرساز شده است که با مدیریت صریح و سریع مدیران شورای اطلاع‌رسانی دولت خاتمه یافت.

اما این، تنها بخش رسانه‌ای مدیریت دولت است. آنچه تحت عنوان مدیریت داخلی در دولت سیزدهم شناخته می‌شود، حفظ انسجام و یکپارچگی در مدیریت اجرایی عالی کشور است. هرچند در دولت سیزدهم، برخی مدیران و وزرا جابه‌جا شده‌اند، اما این جابه‌جایی‌ها به معنای فقدان یکپارچگی نیست. چه بسا یک همکاری یک‌با دو ساله، نشان داده است که کدام یک از مدیران یا وزرا، توان همراهی با کلیت دولت و اجرای ایده‌های کلان آن را دارند و هرکس که در این زمینه از شاخص‌های لازم عملکردی برخوردار نبوده، جای خود را به نیروی تازه داده است. از نکات جالب توجه این است که رئیس جمهور در مدیریت این اختلاف‌های مدیریتی، اصل را بر حل مشکلات کشور و مردم قرار داده است، نه ارتباطات سیاسی.

مسأله حقوق معلمان؛ نمونه مدیریت داخلی

یک نمونه از مدیریت داخلی دولت، در ماجرای پرداخت بسیار دیرنگام حقوق و پاداش آخر

سال معلمان و فرهنگیان کشور در اسفندماه ۱۴۰۱ دیده شد. پس از بروز این مشکل، آیت‌الله رئیسی نخست دستور داد به هر نحو ممکن این مسأله حل شده و در وهله نخست حقوق معلمان پرداخت شود.

در مرحله بعد، رئیس جمهور معاون اول خود را مأمور کرد این مسأله را واکاوی کرده و قصور هر دستگاه یا فرد را مشخص کند. پس از این بررسی‌ها و اعلام نتیجه به رئیس جمهور بود که یک تغییر مهم در دولت روی داد: وزیر آموزش و پرورش استعفا کرد و سرپرستی برای این وزارتخانه تعیین شد.

در این جا دو مسأله قابل توجه است: نخست اینکه با قصور دستگاه یا فرد، در هر سطحی، بدون اغماض برخورد شد.

دوم اینکه تا پیش از این بررسی‌ها، بخش‌های دو دستگاه مسئول تلاش می‌کردند این مشکل را متوجه طرف دیگر بکنند. اما دولت و مدیریت عالی به رئیس دولت، اجازه نداده این بحث‌ها ادامه‌دار شود، بلکه با مأموریت به معاون اول، ریشه‌های مسأله مشخص، زمینه‌های بروز دوباره آن بسته و در نهایت تصمیم مقتضی مدیریتی درباره آن اتخاذ شد.

دولت درون دولت؛ ممنوع!

بنابر آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که در دولت سیزدهم، چندصدایی دیده نمی‌شود. ما در دولت سیزدهم، با چند دولت، یا هسته‌های تصمیم‌گیر درون دولت مواجه نیستیم، بلکه دولت، یک کالبد واحد، با چهارچوب‌های تصمیم‌گیری و مدیریتی واحد است و تنها یک صدا از درون آن شنیده می‌شود.

در مواردی هم که نشانه‌های چندصدایی بروز می‌کند، یا اختلاف‌ها مدیریت می‌شود یا با تصمیم مدیریتی، مانند نمونه وزارت آموزش و پرورش، در سریع‌ترین زمان ممکن مسأله حل می‌شود.

این وضعیت را باید با دولت دوازدهم مقایسه کرد که بسیاری از ناظران سیاسی و حتی اعضای درون دولت، همگان را به دفتر رئیس جمهور ارجاع می‌دادند و می‌گفتند همه راه‌ها، به آنجا ختم می‌شود.

مدیریت بی تنش

مجموعه این شرایط باعث شده است که امروز جامعه ایرانی در حوزه سیاسی از امنیت روانی برخوردار باشد.

زیرا دولت سیزدهم، جایگاه خود در میان افکار عمومی و رأی‌دهندگان را از دل کارآمدی و حل مسأله کشور جست‌وجو می‌کند، نه داغ کردن تنور تنش‌های سیاسی.

داغ کردن تنور تنش‌های سیاسی، از قضا برای دولتی بود که دستشان در حوزه عمل و اجرا کوتاه بود.

از این رو برای رأی‌آوری یا مطرح کردن خود در افکار عمومی چاره‌ای جز دامن زدن به تنش‌های سیاسی نداشت. امروز اما دولت آیت‌الله رئیسی با تمرکز بر تولید و حرکت در مسیر نیازهای واقعی جامعه، از ایجاد یا دامن زدن به نیازهای کاذب خودداری می‌کند؛ نیازهایی که تأثیر عملی بر زندگی و نیازهای جامعه و مردم ایران نداشت. به هر رو امروز در دوسالگی انتخاب آیت‌الله رئیسی به ریاست جمهوری، می‌توان گواهی داد که رئیس جمهور تا چه اندازه بر عملی کردن این رویکرد خود در دولت، تأکید و اصرار داشته است.

بویژه اینکه وی با تجربه و حضور عینی و عملی در حوزه سیاسی کشور پیامدهای تلخ تنش در دولت و رقابت غیرسازنده میان قوا را نیز دیده بود.



در دولت سیزدهم

دیده نشده است که

مدیر، وزیر یا دیگر

عضو کابینه‌ای، نه

با همکاران خود

در دولت یا با

چهره‌های سیاسی

و اجتماعی، وارد

جدل شود. این امر

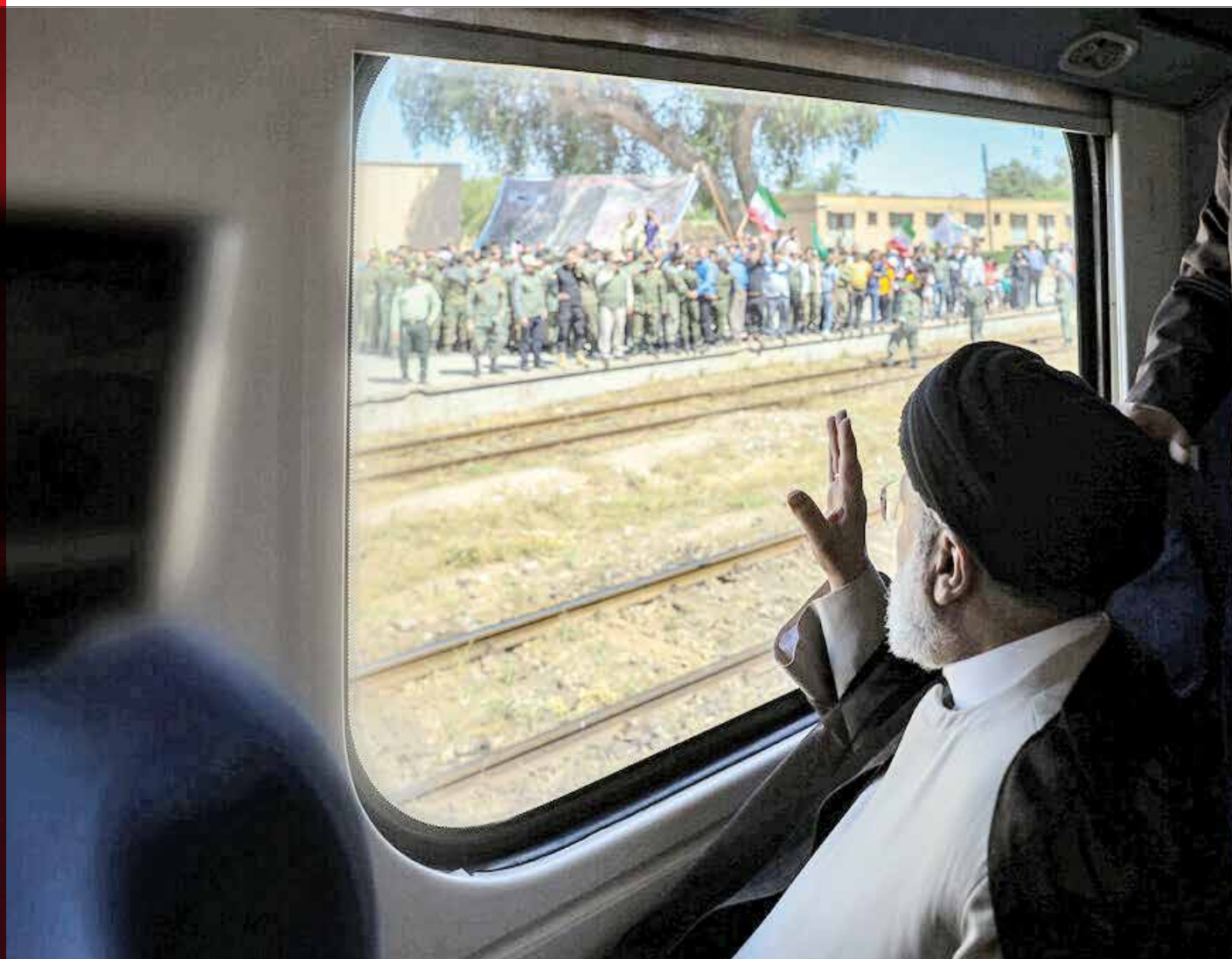
می‌تواند به معنای

تمرکز نگاه و توجه‌ها

به حل مسائل

کشور و چالش‌های

مردم باشد



«ایران» از راهبرد ارزیابی مستمر مدیران در دولت سیزدهم گزارش می دهد

شایسته سالاری به جای رابطه سالاری

● گزارش

وقتی آیت الله رئیسی مسئولیت امور اجرایی را از دولت دوازدهم تحویل گرفت، اعلام کرد که در دولت وی جایی برای مدیران خسته و ناکارآمد نیست. بسیاری از ناظران بر این باور بودند که این گزاره صرفاً ناظر بر مدیران باقی مانده از دولت پیشین است. گویی رئیس دولت قصد دارد تا همه آنانی که با دولت گذشته کار کرده اند را برکنار کند. این تصور درحالی است که آیت الله رئیسی در همان دوران، تأکید کرد که جابه جایی ها باید ناظر بر عملکرد باشد. به عبارت دیگر، حتی اگر مدیری از دولت گذشته توانایی اجرایی بالا و نیز هماهنگی با رویکرد پرشتاب دولت سیزدهم را دارد، می تواند به کار و مدیریت خود ادامه دهد. این رویکرد، درست برخلاف رویکرد دولت های قبل، مبنی بر جابه جایی و تغییر مدیران به دلیل مسائل سیاسی بود. بعدها مشخص شد که آنچه رئیس جمهور بر آن تأکید داشته و دارد، یک اصل مدیریتی، برای شایسته سالاری در بدنه اجرایی کشور است و صرفاً ناظر بر جابه جایی دولت ها نیست، بلکه مسأله، افزایش توان دولت در حل چالش ها و خدمت رسانی به مردم است.

بر جابه جایی ها و رفت و آمدهای مدیریتی در دو سال دولت سیزدهم، نشان داده است که معیار در این دولت، عملکرد، کارنامه و توان اجرایی و مدیریتی مدیران برای حل مسائل مردم و پیشبرد طرح های دولت است، نه ارتباطات سیاسی و جناحی و پیوندهای غیرمدیریتی. این، به نوبه خود یکی از

به عبارت دیگر، در دو سال فعالیت دولت سیزدهم مشخص شد که رئیس جمهور معیار و سنجه ای مبنی بر عملکرد و خسته و ناتوان نبودن مدیران را در دولت خودش هم بکار برده است. ارزیابی مستمر مدیران و پایش همیشگی عملکرد آنان در دولت سیزدهم، ناظر بر اجرای همین معیار است. مروری

حلقه های مفقوده در دولت قبلی بود که خسارت های زیادی را به کشور تحمیل کرده بود. اصرار بر ابقای مدیران ناکارآمد و ناتوان در دولت گذشته، کار را به جایی رسانده بود که در سال های انتهای دولت دوازدهم، مردم دیگر نسبت به اخبار دولت و رئیس آن بی رغبت شده بودند. چرا که آن را در تحقق وعده های خود ناتوان می دیدند.

تغییر مدیران استانی پس از سفر به خوزستان

شواهد متعددی وجود دارد که تأیید می کند مدیران دولت سیزدهم باید بر توان مدیریتی خود تکیه کنند، نه ارتباطات یا وابستگی های سیاسی و جناحی. از جمله این شواهد، چیزی است که پس از سفر استانی آیت الله رئیسی به استان خوزستان رقم خورد. اسفندماه سال گذشته، رئیس جمهور در سفری به خوزستان، برخی از طرح های مهم توسعه ای ملی و استانی را افتتاح کرد. اما اتفاقات این سفر، صرفاً افتتاح طرح های کلان و راهبردی نبود. حین و در پایان سفر آیت الله رئیسی به خوزستان، برخی



در دو سال فعالیت دولت سیزدهم مشخص شد که رئیس جمهور معیار و سنجه ای مبنی بر عملکرد و خسته و ناتوان نبودن مدیران را در دولت خودش هم بکار برده است. ارزیابی مستمر مدیران و پایش همیشگی عملکرد آنان در دولت سیزدهم، ناظر بر اجرای همین معیار است

از مدیران استان تغییر کردند. ابتدا سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت خبرداد که ۱۵ مدیر استانی در لیست تغییر قرار گرفتند که از میان آنان، سه نفر در جریان سفر آیت‌الله رئیسی به خوزستان از کار برکنار شدند. وی گفت که تصمیم برای این تغییرات، به دلیل ارزیابی‌هایی بود که پیش از سفر از عملکرد مدیران استان انجام شد و در نهایت این تغییرات پس از مشورت با استاندار خوزستان انجام شد. رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت پس از تشریح این فرایند، تأکید کرد که رئیس جمهور ابتدای سال اعلام کرده بود که دولت مردمی به هیچ مدیری چک سفید امضا نداده است.

محسن منصوری، معاون اجرایی رئیس جمهور درباره این فرایند گفت که «از پنج مسیر مختلف عملکرد مدیران را ارزیابی کردیم»؛ وی اضافه کرد: «نشستی به صورت جداگانه با استاندار داشتیم و نظرش را گرفتیم و بحث کارشناسی مفصلی کردیم. با ارزیابی صورت گرفته و مشورت با استاندار، ضمن احترام کامل به زحمات همه مدیران و تشکر از زحماتی که داشتند، جمع‌بندی این شد که در مرحله اول ۱۵ نفر از مدیران استان باید تغییر پیدا کنند و جای خود را به مدیران تازه نفس دهند.»

معاون اجرایی رئیس جمهور درباره هدف از این جابه‌جایی‌ها گفت: «با این تدبیر شاید بشود گره گشایی متفاوتی در حوزه مدیریتی استان انجام داد و با جدیتی که در رأس مدیریت استان وجود دارد، سرعت خدمات و فعالیت‌های جهادی در استان بیش از پیش شود.»

تأکید رئیس جمهور بر ارزیابی مستمر مدیران

آنچه رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت به آن اشاره کرد، واقعیتی بود که بارها رئیس جمهور به آن اشاره کرده بود. آیت‌الله رئیسی در پیام نوروزی خود به مردم، وقتی از برنامه‌های دولت برای گره‌گشایی‌ها و بهبود امور می‌گفت، تأکید کرد که «هیچ کدام از مدیران دولتی چک سفید دریافت نکردند که به صورت مستمر در دولت و در دستگاه‌ها حضور داشته باشند، بلکه به صورت مستمر در معرض ارزیابی هستند.» رئیس جمهور اضافه کرد که اگر ببینم فردی توان یا صلاحیت خدمت جهادی به مردم را ندارد، طبیعی است که با نیروی با انگیزه و متخصص دیگری جابه‌جا شود. آیت‌الله رئیسی، سه ماه پس از این پیام نوروزی، در سفر به استان آذربایجان شرقی نیز بار دیگر بر این سیاست قطعی مدیریتی خود در دولت سیزدهم تأکید کرد. وی به حاشیه‌راندن مدیران بی‌انگیزه و خسته را سیاست قطعی دولت مردمی عنوان و معاون اجرایی رئیس جمهور را مکلف به رسیدگی کرد.

مدیران فرصت خدمت را قدر بدانند

چرا آیت‌الله رئیسی بر ارزیابی مدیران و کارآمدی آنان تأکید دارد؟ به نظر می‌رسد یک پاسخ، نیازمندی‌های کشور به کار جهادی باشد، نیازی که اساساً رویکرد دولت مبنی بر کار جهادی برای ساختن ایران قوی، از آن برخاسته است. گذشته از آن، میراث ناکارآمدی‌های باقی‌مانده از گذشته، شرایطی را فراهم کرده است که جز با تلاش بیشتر و اهتمام جدی‌تر، نمی‌توان این نواقص را برطرف کرد. بر همین اساس است که ارزیابی مدیران، تنها به یک حوزه از مدیریت کشور متوقف نمانده و بالاترین سطوح اجرایی، یعنی سطح وزرا را نیز شامل می‌شود.

ارزیابی مستمر در سطح اول کابینه

تغییرات مدیریتی با هدف بهبود عملکرد دولت و پیشبرد طرح‌های توسعه‌ای، فقط به تغییر مدیران در استان خوزستان متوقف نماند. از قضا، این تغییرات، البته براساس ارزیابی و پایش عملکرد، نخست در سطح وزرا اتفاق افتاد. قریب به یک سال از آغاز فعالیت دولت سیزدهم می‌گذشت که وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی استعفای خود را تقدیم رئیس جمهور کرد. پس از آن، وزرای آموزش و پرورش و جهاد کشاورزی بودند که جای خود را به چهره‌های جدید دادند. شاید برای برخی از ناظران و چه بسا مردم، تغییر در سطح وزرا، آن هم طی دو سال فعالیت دولت عجیب به نظر برسد. اما واقعیت این است که آنچه عجیب و خارج از چهارچوب‌های ضروری مدیریتی می‌نمود، اصرار بر ادامه همکاری، حتی در صورت فقدان عملکرد مناسب است. به عبارت دیگر، از جمله اقتضائات یکدستی و هماهنگی و انسجام دولت‌ها، این است که از وزرا و مدیرانی در سطح توان یکسان استفاده شود. زیرا در غیر ناکارآمد بودن توان مدیریتی، پیشرفت دولت و فرایند اجرایی امور در حوزه‌های مختلف، به یک اندازه پیش نخواهد رفت. در این صورت حتی جلودر شدن در برخی حوزه‌ها، به دلیل عقب ماندگی در حوزه‌های دیگر، در حاشیه قرار می‌گیرد.

تغییر استانداران

در دولت سیزدهم، تا امروز استانداران استان‌های تهران، کرمانشاه، خوزستان و سیستان و بلوچستان تغییر کرده‌اند. تغییر استاندار تهران به این دلیل بود که استاندار قبلی، یعنی محسن منصوری به عنوان معاون اجرایی رئیس جمهور منصوب شد. اما در سایر استان‌ها، تصمیم به تغییرات، پس از ارزیابی‌ها و پایش عملکرد و کارنامه صورت گرفت. احمد وحیدی، وزیر کشور در یکی از اظهارنظرها درباره این جابه‌جایی‌ها گفت که «ما در ارتباط



آیت‌الله رئیسی در پیام نوروزی خود به مردم، وقتی از برنامه‌های دولت

برای گره‌گشایی‌ها و

بهبود امور می‌گفت،

تأکید کرد که «هیچ

کدام از مدیران

دولتی چک سفید

دریافت نکردند که

به صورت مستمر

در دولت و در

دستگاه‌ها حضور

داشته باشند، بلکه

به صورت مستمر

در معرض ارزیابی

هستند.» رئیس

جمهور اضافه کرد

که اگر ببینم فردی

توان یا صلاحیت

خدمت جهادی

به مردم را ندارد،

طبیعی است که با

نیروی با انگیزه و

متخصص دیگری

جابه‌جا شود

با استانداران به طور مرتب ارزیابی عملکرد را داریم.» وی افزود: «ما بررسی می‌کنیم اگر براساس شاخص‌ها و ارزیابی‌های خودمان به این نتیجه رسیدیم تصمیم‌گیری می‌کنیم.» این اظهارنظر وزیر کشور نشان می‌دهد در سطح استانداران نیز، همان طور که آیت‌الله رئیسی برای کلیت دولت تأکید کرده است، به کسی چک سفید امضا نداده نشده است. هرچند پس از تغییرات مورد اشاره، تغییر دیگری در سطح استانداران کشور صورت نگرفته است، اما این امر به معنای کنار گذاشتن ارزیابی‌ها نیست.

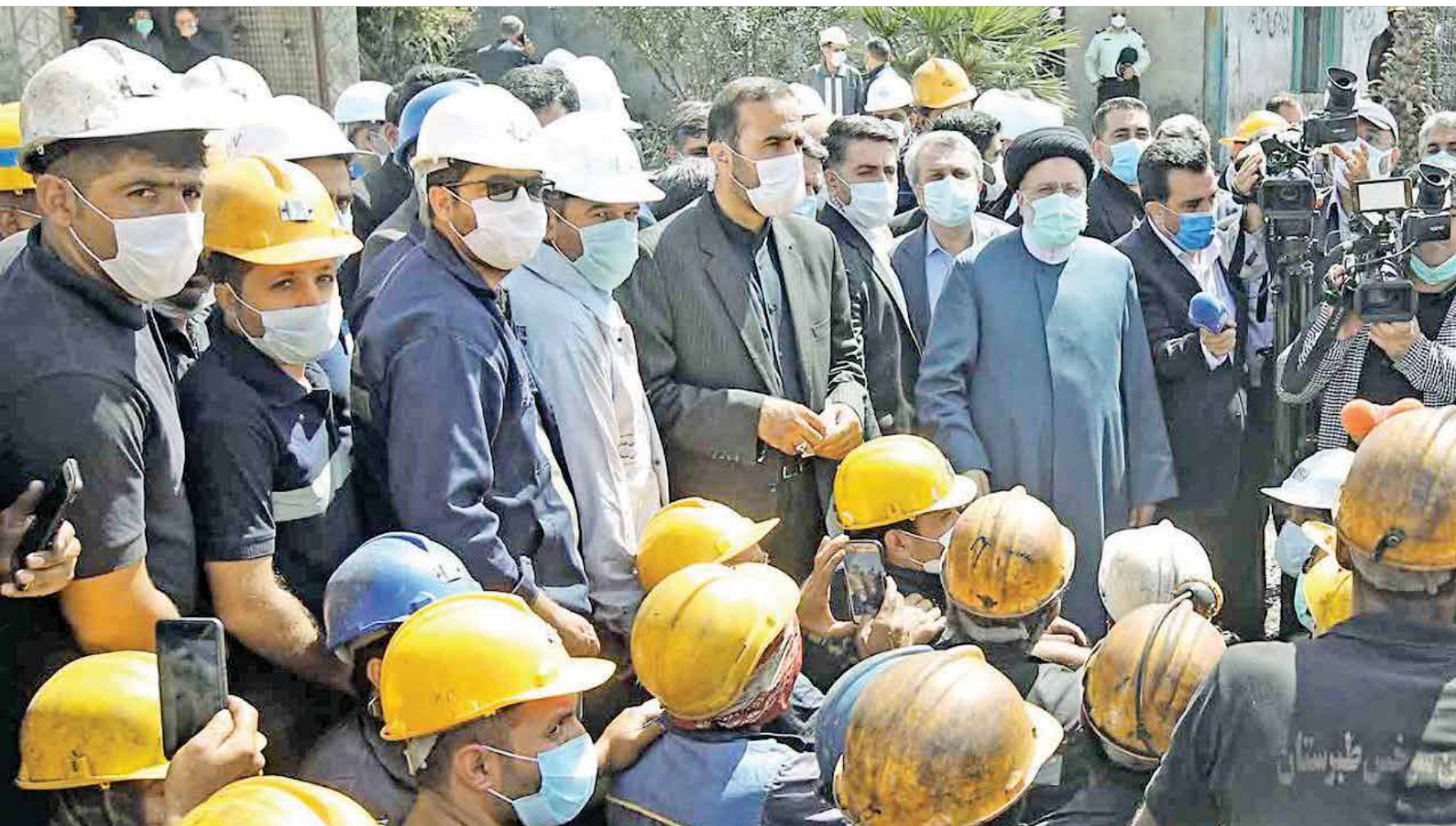
چرایی ارزیابی و بهبود استانداران

بسیاری از پروژه‌های مهم دولت در حوزه مدیریتی استانداران قرار می‌گیرد. از جمله این‌ها، طرح نهضت ملی مسکن به عنوان یکی از پروژه‌های کلان دولت مطرح است که بارها در جلسات مختلف، استانداران از سوی رئیس جمهور برای اهتمام در این زمینه مورد خطاب قرار گرفته‌اند. از این رو، طبیعی است که در صورت عقب ماندن استانی در یک حوزه، همچون طرح نهضت ملی مسکن یا دیگر طرح‌های توسعه‌ای، تصمیمات مدیریتی مقتضی برای آن استان اتخاذ شود. مضافاً اینکه براساس تأکید وزارت کشور دولت سیزدهم، رویکرد و سیاست کلان دولت برای انتصاب دولتمردان و مدیران ارشد؛ داشتن روحیه انقلابی، کارآمدی، فسادستیزی و طهارت اقتصادی و اهتمام جدی در گره‌گشایی از مشکلات مردم بویژه اقشار فرودست است. همچنین استاندار به عنوان محور اجرایی هر استان به تعبیر مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بایستی توانمندی لازم در راه اندازی و «تسهیل مسابقه خدمت رسانی میان مسئولان» را داشته باشد. لذا از مهم‌ترین شاخص‌های انتصاب استانداران در دولت سیزدهم، مسأله اقتصاد است و براین اساس، دارا بودن رویکرد اقتصادی و تأثیرگذاری در این حوزه، از اساسی‌ترین ملاک‌های انتخاب مدیران سیاسی به ویژه استانداران می‌باشد. یکی از الزامات فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور، بهره‌گیری از رویکردهای جدید، متحول‌کننده و جهادی در مدیریت کلان و خرد است که در مراحل مختلف شناسایی و انتصاب مدیران سیاسی، این موضوع مورد توجه دولت سیزدهم است.

چرا تغییر؟

تا امروز تغییرات متعددی در دولت سیزدهم اتفاق افتاده است؛ از تغییر وزرا تا معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، استانداران و مدیران میانی در استان خوزستان. نکته جالب توجه این است که حتی منتقدان دولت نیز تاکنون نتوانسته‌اند اشکال جدی بر این جابه‌جایی‌ها بگیرند. زیرا حتی بدبین‌ترین ناظران هم بر این واقعیت اذعان دارند که این جابه‌جایی‌ها، نه با اهداف سیاسی، بلکه صرفاً در راستای بهبود کارایی عملکرد دولت و ارتقای توان اجرایی آن صورت گرفته است. نکته مهم در این میان، تفاوت نگاه و مدیریتی است که در دولت سیزدهم با دولت گذشته دیده می‌شود. در دولت قبل، ارتباطات سیاسی و آشنایی‌های شخصی، نقش مهمی در انتصاب افراد به سمت‌های مدیریتی ارشد داشت. مسأله اینجا بود که پس از این «جایابی‌ها» فرد به اصطلاح «مدیر»، می‌دانست که تا پایان دوره و حتی اگر کارکرد و دستاوردی هم نداشته باشد، تغییر نخواهد کرد. زیرا اصل، نه کارکرد و مدیریت، بلکه پیوندهای سیاسی بود. همین روند سبب شده بود که چرخه‌ای از مدیران بعضاً ناکارآمد روی کار بودند که هریک جای خود را به دیگری می‌داد. اما در دولت سیزدهم این فرایند دگرگون شد؛ زیرا نه ارتباط و پیوندهای سیاسی و جناحی، بلکه تنها و تنها کارنامه مدیریتی است که می‌تواند تضمین‌کننده فردی در صندلی مدیریتی خود بماند یا نماند. این همان واقعیتی است که از آن با عنوان «تغییر به نفع مردم» یاد می‌شود. این تغییر نیز به نوبه خود دارای سازوکارهای متقن و تعریف شده است.





رئیس جمهور در کمتر از دو سال ۴۷ بار به نقاط مختلف کشور سفر کرد

دولت سیزدهم؛ رکورددار مدیریت میدانی

با مسئول اول اجرایی کشور ایده آل ترین تصویر از کم شدن فاصله بین مردم و مسئولان را به نمایش گذاشته است.

سفر به وقت ضرورت

اگرچه درگام نخست سفرهای استانی کسب شناخت واقعی از وضعیت کشور به عنوان مبنای ریل گذاری درست برای تصمیم گیری های خرد و کلان در حوزه اجرایی هدف بود و در ترکیب این هدف با شعار اصلی دولت یعنی عدالت محوری و مردم گرایی سفرهای استانی از استان های کمتر برخوردار آغاز شد و خوزستان، سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر به عنوان ۶ مقصد نخست انتخاب شدند و در همین سفرها هم مقصد اصلی ۹ مرکز استان که مناطق حاشیه ای تعیین شد، اما سفرهای آیت الله رئیسی به اقصی نقاط کشور ویژگی دیگری هم داشته است.

از ویژگی های مهم حاکم بر رویه رئیس جمهور در سفر به استان ها و شهرهای مختلف، سفر به وقت ضرورت است. براین اساس این صرفاً برنامه های رئیس جمهور نیست که تعیین می کند او چه زمانی به کدام استان سفر کند، بلکه گاه این ضرورت ها و فوریت های پیش آمده است که سبب می شود بالاترین مقام اجرایی کشور خود را ملزم به حضور در صحنه و احصای مسائل و صدور دستورات لازم برای حل سریع تر مشکلات پیش آمده می بیند. به همین دلیل رئیس جمهور که سفرهای استانی خود را در شهریور ۱۴۰۰ از استان خوزستان شروع کرده بود پس از وقوع زلزله در اندیکا در آبان همان سال و بعد در پی حادثه ساختمان متروپل

شعار «مردمی» بودن یک دولت برای تبدیل شدن به واقعیت آن هم درحدی که جامعه «دولت مردمی» را وجه تسمیه مناسبی برای آن بدانند؛ هدفی نیست که به آسانی تحقق یابد. درمیان مردم بودن، همراه کردن مردم با خود، بازآفرینی اعتماد اجتماعی و مهم تر از همه احصای مسائل کشور از نمای نزدیک و چاره اندیشی برای آنها به عنوان بخشی از مقدمات ضروری تحقق این هدف آن هم در شرایط مواجهه کشور با جنگ ترکیبی و تحریم اقتصادی طبیعتاً نیاز به صرف وقت و انرژی دوچندان رئیس جمهور و معاونان و وزرای کابینه اش دارد. سفرهای استانی که حالا در کمتر از دو سال آیت الله رئیسی رکورددار انجامشان شده است یکی از مهمترین برنامه هایی است که در این دولت بی وقفه و با برنامه ریزی مشخص و هدفمند پیگیری شده است و مروری بر ابعاد کمی و کیفی آن نشان می دهد که چرا باید از این برنامه مستمر دولت به عنوان یکی از نقاط درخشان عملکرد دو سال نخست دولت یاد کنیم.

سیاست داخلی

رکورداری دولت سیزدهم در سفر استانی

سفر استانی اگرچه در سه دهه گذشته بخشی از برنامه کاری رؤسای جمهور بوده است، اما در دولت سیزدهم این برنامه توسعه معنای کمی و کیفی یافت. چنانکه براساس آمار آیت الله رئیسی تنها در سال نخست ریاست جمهوری اش با انجام حداقل یک سفر به همه ۳۱ استان کشور رکوردی را که تا پیش از او با آمار ۲۰ سفر در سال نخست در اختیار محمود احمدی نژاد بود تغییر داد. این در حالی بود که سیدابراهیم رئیسی در سال نخست به برخی استان ها از جمله خوزستان به تناسب مسائل و مشکلات مبتلا به استان بیش از یک بار سفر کرد و براین اساس آماری رقم خورد که نشان می داد مردم در سال نخست دولت سیزدهم به طور متوسط هر ۱۲ روز یک بار با رئیس جمهورشان دیدار کرده اند. این آمار در سال دوم و دست کم تا سفر ۱۹ خرداد به استان آذربایجان شرقی با احتساب مجموع سفرهای استانی و سفرهایی که

سیدابراهیم رئیسی در سال نخست به برخی استان ها از جمله خوزستان به تناسب مسائل و مشکلات مبتلا به استان بیش از یک بار سفر کرد و براین اساس آماری رقم خورد که نشان می داد مردم در سال نخست دولت سیزدهم به طور متوسط هر ۱۲ روز یک بار با رئیس جمهورشان دیدار کرده اند



سفرهای استانی
بویژه از زمان
دولت های نهم و
دهم که برگزاری
نشست مشترک
دولتمردان با
شورای اداری استان
پایه گذاری شد با
انتقاداتی مواجه
بود. اساسی ترین
این انتقادات
تصویب تعداد زیاد
مصوبات بویژه
در حوزه عمرانی
بود که گاه بدون
پیش زمینه های
کارشناسی و بدون
درنظر گرفتن
امکانات بودجه ای
برای تخصیص
اعتبار برای آن
انجام می شد

آیت الله رئیسی رئیس جمهور براینکه «به هیچ عنوان چرخ تولید کارخانه ها نباید گند یا متوقف شود» خود را در احیای هزاران واحد صنعتی راکد و برگزاری جشن های احیا در جریان حضور رئیس جمهور در استان های مختلف نشان داد.

از پروژه های استانی تا ابرپروژه های ملی

مجموعه دستاوردهای ملموس ۴۷ سفری که از شهریور ۱۴۰۰ تا ۱۹ خرداد ۱۴۰۲ انجام شده در قالب فهرست کوتاه قابل تجمیع نیست. با این حال مشخص است که جز احیای واحدهای صنعتی و تولید می توان در رتبه های بعدی حوزه های مورد توجه دولت به پیگیری نهضت ساخت مسکن و طرح های بزرگ آب و برق و راه (اعم از جاده سازی و ریل گذاری) به عنوان زیرساخت های ضروری توسعه کشور اشاره کرد که فهرست بلندبالایی از پروژه ها را به خود اختصاص داده اند. با این حال در دور دوم سفرهای استانی تعدادی ابرپروژه نیز به عنوان اقدامات آغازشان جز با اتکا به روحیه انقلابی و جهادی از آن جنس که در دولت سیزدهم تبلور یافته، ممکن نبوده است. از این میان باید به طرح انتقال آب به فلات مرکزی (انتقال آب خلیج فارس به استان های یزد و کرمان) و آغاز عملیات لوله گذاری انتقال آب دریای عمان به شرق کشور اشاره کرد. ابرپروژه هایی که رئیس جمهور در جریان آغازشان تأکید کرد در اجرای آنها اگرچه سرعت مهم است اما کیفیت فدای سرعت نخواهد شد.

سفرهای استانی براساس اعلام صریح رئیس

طور همزمان در ۵ استان در کشور در جریان سفر آیت الله رئیسی به استان زنجان؛

● بهره برداری رسمی از پروژه انتقال آب سد آزاد به تصفیه خانه سندانج؛

● بهره برداری از واحد احیای مستقیم مجتمع فولاد قائنات با ظرفیت تولید سالانه ۸۰۰ هزار تن آهن اسفنجی.

● افتتاح مدول دوم تصفیه خانه شهر بیرجند، افتتاح واحد احیای مستقیم و خط تولید کلاف مجتمع فولاد بافق.

● افتتاح همزمان ۱۱۰ مدرسه با بیش از ۵ هزار کلاس درس توسط رئیس جمهور در جریان سفر به شهری.

● افتتاح سامانه انتقال آب به دریاچه ارومیه و اتصال سومین واحد بخار نیروگاه ارومیه به شبکه سراسری برق.

● افتتاح فاز ۱۴ پالایشگاه پارس جنوبی و افزایش روزانه ۵۰ میلیون مترمکعب گاز به ظرفیت تولید گاز کشور.

● راه اندازی فاز یک شرکت پالایش گاز هویزه خلیج فارس.

● افتتاح ۷۰ کیلومتر از پروژه ریلی دوخطه سازی محور اهواز-اندیمشک.

● بهره برداری از بخش گازی نیروگاه سیکل ترکیبی دوکوهه.

● افتتاح پروژه های راهبردی توسعه سواحل مکران.

● افتتاح تصفیه خانه و خط آبرسانی شهرستان میانه و پایان دادن به مشکلات

آبادان در خرداد ۱۴۰۱ به خوزستان رفت. همچنانکه بهمن ۱۴۰۰ بعد از پایان سفر به روسیه، کرملین را به مقصد تهران ترک کرد و بلافاصله و بدون فوت وقت به کرمان سفر کرد تا در کنار سیلزدگان جنوب این استان قرار بگیرد و این چند ماهی قبل از برنامه پیش بینی شده برای سفر استانی رئیس جمهور به استان کرمان بود. همانطور که در پیش بودن برنامه سفر به استان آذربایجان غربی برای حضور در آیین افتتاح سامانه انتقال آب به دریاچه ارومیه دلیلی نشد تا آیت الله رئیسی سرزدن به مردم زلزله زده شهرستان خوی و روستای بدلان را به تعویق بیندازد.

تعهد دولت به اتمام پروژه های نیمه تمام

سفرهای استانی بویژه از زمان دولت های نهم و دهم که برگزاری نشست مشترک دولتمردان با شورای اداری استان پایه گذاری شد با انتقاداتی مواجه بود. اساسی ترین این انتقادات تصویب تعداد زیاد مصوبات بویژه در حوزه عمرانی بود که گاه بدون پیش زمینه های کارشناسی و بدون درنظر گرفتن امکانات بودجه ای برای تخصیص اعتبار برای آن انجام می شد. این وضعیت تا زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم انباشتی از پروژه های نیمه تمام را در جای جای کشور روی دست دولت گذاشته بود. پروژه هایی که اغلب در هنگام کلنگ زنی موجی از امید را در دل مردم ایجاد کرده بودند اما حالا تماشای سازه های نیمه کار مانده و وعده های عمل نشده تنها حسی از ناامیدی و بطالت را به آنها منتقل می کردند. این وضعیتی بود که باید



تغییر می یافت و به همین دلیل آیت الله رئیسی از همان اولین سفر تأکید کرد هیچ پروژه جدیدی افتتاح نمی شود و مسأله اصلی پیگیری پروژه های نیمه تمام است. این حکم البته در مورد معدود مسائل بحرانی استان ها و نیز در اجرای مصوبات مجلس شورای اسلامی با استثناهایی همراه بود. اما در مجموع اکثریت مصوبات دور نخست سفرهای استانی بر تخصیص اعتبار برای تکمیل پروژه های نیمه تمام و تعیین زمان و ضرب الاجل برای تکمیل آنها اختصاص داشت.

برهمن اساس سفرهای رئیس جمهور در سال دوم از عمر دولتش با برگزاری آیین های افتتاح و بهره برداری پروژه هایی همراه بود که بعضاً برای بیش از یک دهه وقفه و بلاتکلیفی مواجه بودند و از مهمترین آنها می توان به این موارد اشاره کرد:

● افتتاح رسمی طرح عظیم آبرسانی غدیر دزفول؛

● افتتاح رسمی نیروگاه های جدید برق حرارتی با مجموع ظرفیت ۱۰۲۶ مگاوات به

۲۰ ساله آب شرب مردم این شهر.

● افتتاح راه آهن بستان آباد-خاوران در آذربایجان شرقی پس از ۲۲ سال وقفه.

احیای کارخانه ها در سال تولید

بخش مهمی از تمرکز دولت در استان های مختلف کار روی واحدهای تولیدی و صنعتی بود که در سال های اخیر از قبالت تحریم های خارجی و مانع تراشی های داخلی دچار رکود و بعضاً تعطیلی شده بودند.

برهمن اساس درهمه سفرهای استانی اینکه شخص رئیس جمهور یا اعضای هیأت دولت با حضور در این دست از کارخانجات و در گفت و گو با کارگران و کارآفرینان به دنبال احصای مشکلات و جستجوی راه حل های ممکن برای احیای کارخانجات باشند؛ برنامه لایتنی بود. این رویه بویژه در سالی که از سوی مقام معظم رهبری با عنوان «سال تولید، دانش بنیان و اشتغال آفرین» نام گذاری شده بود به قوت پیگیری شد. تأکید

جمهور تا رفع مشکلات در استان ها ادامه خواهد یافت و یقیناً استان های با مشکلات بیشتر مقصدهای پرتکرار خواهند بود. زیرا آنچه از مواضع آیت الله رئیسی برمی آید این است که دولت با وجود تلاش برای انتخاب نیروهای کارآمد برای حضور در بدنه اجرایی خود بنا ندارد کار پیگیری مصوبات و پروژه ها را بدون حضور میدانی و پیگیری مستقیم خود رها کند.

در این میان اگر چه مسئولیت مستقیم پیگیری امور برعهده معاونت اجرایی رئیس جمهور قرار گرفته است اما رویکرد شخص آیت الله رئیسی در اجرای عهده ای که با مردم داشته است را می توان در این جمله او در جریان هفتمین سفرش به استان خوزستان درک کرد. آنجا که گفت: «برای حل مشکلات خوزستان اگر لازم باشد ۷۰ بار به این استان سفر می کنم.» موضعی که بی شک مختص و محدود به خوزستان نبود و باید آن را به رویکرد دولت نسبت به مشکلات پیش روی مردم در جای جای ایران از هر قوم و با هر مذهبی تعمیم داد.



ائتلاف قدرت در آسیا

دولت سیزدهم چگونه معادلات خارجی خود را ساخت؟

● گزارش

با گذر ۲ سال از آغاز به کار دولت سیزدهم می‌توان یکی از وعده‌های اعلامی سید ابراهیم رئیسی مبنی بر توسعه روابط با کشورهای منطقه بویژه قدرت‌های بزرگ آسیا را تحقق یافته ارزیابی کرد. ابعاد مهم رویکرد دولت در توسعه روابط با کشورهای همسایه و منطقه در چهارچوب اهدافی قرار گرفته که در زمینه اقتصادی برای محقق کردن منافع ملی کشور تعیین شده است. رئیس‌جمهور پس از آغاز به کار خود بر این گزاره تصریح کرد که سیاست خارجی دولت از برجام شروع نمی‌شود و به برجام هم محدود نخواهد شد؛ سخنی که از تمرکز دولت بر پیگیری سیاستی حکایت می‌کند که اهداف اقتصادی کشور را بویژه در تعمیق رابطه با کشورهای همسایه و منطقه جست‌وجو می‌کند. در امتداد عملی کردن این سیاست، طراحی و پیگیری برنامه‌های اقتصادی و شناسایی بازارهای جدید و حضور تأثیرگذار در نقاط مختلف برای تحقق وعده توسعه متوازن همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای در دستور کار دولت قرار گرفت.

● نخستین دستاوردها

بروز مجموعه رویدادهایی که به دنبال عهدشکنی آمریکا در قبال برجام و تصویب تحریم‌های متعدد این کشور علیه ایران رخ داده بود، اهمیت تقویت رابطه با کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیا و طراحی سازکاری برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی این

کشورها را به امری بیش از پیش ضروری تبدیل کرد. نخستین حضور رئیسی در تاجیکستان محل برگزاری اجلاس سازمان همکاری اقتصادی «شانگهای» در شهریورماه سال ۱۴۰۰ که با عضویت ایران در این سازمان مهم اقتصادی و امنیتی همراه شد، نشان داد که دولت رئیسی در پیگیری سیاست جدید

خود فارغ از پیگیری مذاکرات احیای برجام، ترمیم و تقویت رابطه با کشورهای بزرگ و کوچک آسیا را در دستور کار قرار داده و می‌کوشد به سیاست آسیامحوری خود جنبه راهبردی ببخشد. عضویت در شانگهای در خدمت تحقق این هدف و استفاده از امکان‌های اقتصادی کشورهای عضو که بخش بزرگی از منطقه اورآسیا را با منابع پرشمار انرژی در بر می‌گیرد، فرصت خوبی به شمار می‌رفت. در ادامه، مشارکت رئیسی در اجلاس سازمان همکاری اقتصادی موسوم به «اگو» در اوایل آذرماه همان سال در امتداد پیگیری سیاست تمرکز بر آسیا انجام گرفت. رئیس‌جمهور تصریح کرده بود که جمهوری اسلامی اولویت ویژه‌ای برای همکاری و مشارکت اقتصادی با کشورهای آسیایی به خصوص همسایگان خود در آسیای جنوبی، آسیای غربی، آسیای میانه و قفقاز قائل است. چه آنکه این سازمان منطقه‌ای با برخورداری از مؤلفه‌های مادی قدرت همچون جمعیت نیم میلیاردی، مالکیت یک سوم منابع انرژی جهان، موقعیت بی‌نظیر ارتباطی میان اروپا



عضویت در شانگهای در تحقق هدف استفاده از امکان‌های اقتصادی کشورهای عضو که بخش بزرگی از منطقه اورآسیا را با منابع پرشمار انرژی در بر می‌گیرد، فرصت خوبی به شمار می‌رفت

تهران- مسکو در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ و با وجود اپیدمی کرونا با روندی افزایشی روبه‌رو شد که از وجود ظرفیت‌های بالقوه همکاری حکایت می‌کرد. حجم مبادلات تجاری دو کشور علی‌رغم آثار مثبت ناشی از امضای موافقتنامه موقت تجارت ترجیحی فیما بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، در چند سال اخیر با رشد قابل توجهی همراه بوده است.

تحولات تند دور گذار

علاوه بر همکاری‌های دوجانبه دور تازه‌ای از همکاری‌های چند جانبه میان ایران، روسیه و چین در مواجهه با سناریوهای متعدد امریکا و غرب به جریان افتاده است؛ از همکاری‌های سیاسی و میدانی در جنگ داخلی سوریه گرفته تا همکاری‌های دیپلماتیک در زمین مذاکرات رفع تحریم‌ها. علاوه بر اینها نمونه‌های متفاوت دیگری از به چالش کشیده شدن نقش هژمونی امریکا در دو سال گذشته روی داده است که نشان از دور تند تحولات در دوران گذار دارد. این چنین بود که نشریه امریکایی «واشنگتن فری بیکن» به نقل از «جوزف هومیر»، تحلیلگر امنیت ملی امریکا رزمایش‌های نظامی دو سال اخیر ۳ جانبه ایران، چین و روسیه را نمایش یک قدرت بزرگ چندجانبه توصیف کرد؛ نمایش و تحرکاتی که به اعتقاد این رسانه با عادی‌سازی ایالات متحده روبه‌رو شده و این کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد.

نگرانی امریکا

بدون شک رویکرد یکجانبه‌گرایانه امریکا در قبال جمهوری اسلامی در دهه‌ها و سال‌های گذشته و از سوی دیگر روند رو به رشد رقابت امریکا با چین و تقابل با روسیه که در بحران اوکراین به اوج رسید، نقش مهمی در شکل‌گیری تقویت اتحاد دوجانبه تهران با پایتخت‌های مسکو و پکن و همچنین همکاری‌های سه‌جانبه میان ایران، روسیه و چین داشته است در واقع درک مشترک این کشورها از خطرات دامنه‌دار رویکرد مداخله‌جویانه امریکا، آنها را به سمت و سوی تقویت همکاری‌های همه‌جانبه کشانده است. مناسباتی که بویژه پس از آغاز به کار دولت رئیسی در عرصه مناسبات سیاسی و اقتصادی دوجانبه و چندجانبه روند رو به پیشرفتی تجربه کرده و چنین وجهی از همکاری به دیگر حوزه‌های دفاعی، امنیتی و سیاسی تسری یافته است. اهمیت این همکاری‌ها زمانی دوچندان می‌شود که به خاطر بیاوریم پیش از آن امریکا کوشیده بود با ائتلاف‌های ادعایی با شماری از همپیمانانش در منطقه خاورمیانه و آسیا از شرکای عربی گرفته تا بازیگرانی همچون کره جنوبی و استرالیا پیوندی ایجاد کند که ایران و همپیمانان آسیایی‌اش را با چالش‌های امنیتی در سطحی افزون‌تر روبه‌رو سازد. این چالش به موازات سیاستی که علیه ایران در زمین بازی هسته‌ای از سوی امریکا در پیش گرفته شد، همزمان بود با سیاست معروف چرخش به آسیا که واشنگتن بر مبنای آن، چین را در کنار روسیه و ایران در رده یک تهدید بزرگ طبقه‌بندی می‌کرد. ذیل چنین نگاهی بود که ایالات متحده درصدد برآمد با ایجاد چالش‌های متعدد در منطقه آسیا هزینه ایران، روسیه و چین را بابت تقویت پیوندهای میان خود افزایش دهد.

این چنین است که رویکرد جمهوری اسلامی مبنی بر گسترش رابطه با روسیه و چین که ناظر بر تقویت چندجانبه‌گرایی به جریان افتاده است، مورد نگرانی امریکایی واقع شده که تا پیش از این در قالب ائتلاف‌های نیم بند در عرصه همکاری‌های امنیتی و نظامی نتوانسته معادله قدرت را در این بخش مهم از جغرافیای جهان بر هم بریزد و محور یکجانبه‌گرایانه خود را به بازیگران اثرگذار این منطقه همچون ایران تحمیل نماید.

با قطعنامه‌های اخیر شورای حکام علیه جمهوری اسلامی، رأی منفی به قطعنامه و طرح‌های ادعایی حقوق بشری که کشورهای غرب به بهانه حمایت از اغتشاشات اخیر ایران در نهادهای ذی‌مجموعه سازمان ملل متحد در دستور کار قرار گرفت در کنار حمایت دیپلمات‌های چینی از مواضع مذاکراتی ایران در گفت‌وگوهای رفع تحریم‌ها از مهم‌ترین نشانه‌های تغییر در سطح مناسبات دو کشور به شمار می‌رفت.

مجموع این تحولات نشان داد مقام‌های پکن در چهارچوب مناسبات با تهران آماده هستند نسبت به گذشته هزینه بیشتری صرف کنند و منافع سیاسی و اقتصادی هر یک از اعضای شبکه متحدین راهبردی خود را مورد حمایت جدی قرار دهند.

در پی شکل‌گیری چنین رابطه‌ای بود که روزنامه صهیونیستی «جرزالم پست» پس از انتشار ابعاد توافقنامه راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین، گزارش خود درباره رابطه دو کشور را با این مقدمه آغاز کرد که «اگر کسی در مورد اینکه ایران چگونه توانسته در برابر تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا مقاومت کند و نگران تنش فعلی خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نباشد، ابهام داشته باشد باید راز آن را در رابطه تهران و پکن جست‌وجو کند.» این گزارش در ادامه به حجم مبادلات نفتی میان دو کشور اشاره نمود و اعلام کرد که «چین از زمان روی کار آمدن «جو بایدن»، رئیس‌جمهور امریکا، ۲۲ میلیارد دلار نفت خام از ایران خریداری کرده است.»

تجربه‌ای قابل تکرار با روسیه رویکردی که ایران در روند همکاری دو سال اخیر خود از نوع آنچه در قالب توافق راهبردی ۲۵ ساله با چین رقم زد، تجربه غیر قابل تکراری با سایر متحدان منطقه‌ای و آسیایی‌اش بویژه روسیه نبود. چه آنکه مرور مناسبات ویژه‌ای که مقامات عالی ایران و روسیه بویژه در این مدت از سر گذرانده بودند تا حدود زیادی از حجم این تردیدها می‌کاست. تهران و مسکو در دوره جدید از حس بی‌اعتمادی به سمت همکاری‌های راهبردی حرکت کرده و دلایل متعددی برای گسترش همکاری با یکدیگر یافته‌اند و با وجود برخی تفاوت‌ها و حتی اختلاف‌نظرها در جهت‌گیری‌ها در شرایط حساس، ضرورت‌های همکاری را به‌درستی درک می‌کنند. در چنین فضایی از همکاری است که پیگیری تمدید قرارداد ۲۰ ساله با روسیه به یکی از رئوس برنامه دیپلمات‌ها در روند همکاری دوجانبه تبدیل شده است. قابل انتظار بود که متن این قرارداد جامع راهبردی که در سال ۱۳۷۹ به امضای دو کشور رسیده بود، به اقتضای شرایط روز مورد بازنویسی در حوزه‌های مختلف همکاری قرار گیرد. مقرر شده بود که پس از پایان مهلت ۲۰ ساله، اگر دو کشور یک‌سال قبل از خاتمه دوره معاهده به طرف مقابل ملاحظه و نکته‌ای را اعلام نکردند، این قرارداد به شکل خودکار برای پنج سال تمدید شود. با گذر ۲۰ سال از عمر این توافق همکاری، مقام‌های دو کشور در نظر دارند افق تازه‌ای را برای تعمیق همکاری‌ها در قالب این معاهده همکاری ترسیم کنند.

تنها چند روز بعد از اعلام اجرایی شدن توافق جامع راهبردی ایران و چین بود که موضوع دستیابی به توافقی مشابه در سفر زمستان ۱۴۰۰ رئیسی به مسکو در صدر فهرست موضوعات مورد گفت‌وگو در کاخ «کرملین» قرار گرفت. رئیسی در این سفر، پیش‌نویس قراردادی ۲۰ ساله با روسیه را به همراه خود برد و مقرر شد این توافق پس از طی مراحل نهایی به سند پایه دو کشور در عرصه تعاملات همه‌جانبه تبدیل شود. یکی از مهم‌ترین وجوه همکاری ایران و روسیه در قالب این تفاهم همکاری راهبردی، حوزه اقتصادی است که دو طرف این ظرفیت را در خود دیده‌اند مبادلات اقتصادی دوجانبه را تا ۲۵ میلیارد دلار در سال افزایش دهند. این در حالی است که روند مبادلات بازرگانی

با چین و روسیه، خلیج فارس و اقیانوس هند، نیروی انسانی جوان و پرتوان، عرصه‌ای مناسب برای همکاری بر مبنای منافع مشترک هر یک از کشورهای این حوزه به شمار می‌رفت. رئیسی در حاشیه این اجلاس همچنین توانست قرارداد سه جانبه سوآپ گازی را با حضور «الهام علی‌اف»، رئیس‌جمهور آذربایجان و وزرای نفت دو کشور به امضا برساند؛ قراردادی که یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت در حوزه انرژی به شمار می‌رفت. بر اساس این قرارداد مقرر شد ایران در مرز ترکمنستان روزانه ۵ تا ۶ میلیون مترمکعب گاز صادراتی از این کشور را دریافت کرده و ما به‌زای آن را در مرز به جمهوری آذربایجان تحویل دهد.

رئیسی سیاست خارجی آسیامحور خود را در حالی در دستور کار قرار داد که پیش از آن تحولات مهمی در مناسبات غرب با دو قدرت بزرگ آسیا یعنی چین و روسیه پدید آمده بود که اغلب ناظران، این تحولات را فرصت تازه برای تهران ارزیابی کردند. ماجرای بحران اوکراین همچون زخمی ناسور، روسیه را به درگیری بزرگ با غرب کشانده و داستان تحریم طولانی ایران این بار در روسیه تکرار شده بود اما به نظر می‌رسید سیاستگذاران دولت رئیسی برخلاف دولت‌های گذشته در پی شرط بندی بر سر برد و باخت در جدال شرق و غرب نبودند.

توافق جامع تهران-پکن

امضای توافقنامه ۲۵ ساله ایران و چین به موازات پیگیری هوشمندانه مذاکره با غرب در زمین وین، زیر سایه درک دولتمردان ایرانی از واقعیات حاکم بر مناسبات بین‌المللی حاصل شد. امری که به معنای به کارگیری همه ظرفیت‌های بالقوه در عرصه سیاست خارجی در برابر یکجانبه‌گرایی امریکا به شمار می‌رفت که طی دهه‌ها از منظر یک مدعی، خود را مجاز به عهدشکنی و تصویب تحریم‌های ظالمانه علیه دیگر کشورها می‌دانست. این در حالی است که قریب به اتفاق ناظران معتقدند پکن به تدریج در حال تبدیل شدن به قدرت نخست اقتصادی جهان است که چشم‌انداز شکل‌گیری یک چند قطبی جدید بر پایه رقابت اقتصادی در جهان آینده را به تصویر می‌کشد. جهش اقتصادی چین در دهه‌های اخیر از ظهور قدرت بزرگ جدیدی حکایت می‌کند که بویژه در سال‌های اخیر کوشیده معمار نظم نوین اقتصادی در سطح بین‌الملل باشد و برای این مهم دست به اقدامات گسترده‌ای بزند؛ بسیاری از تحولات مهم از «کمر بند راه پریشم» گرفته تا تقویت همکاری‌های نظامی و امنیتی میان چین- روسیه - ایران و همچنین توافق ۲۵ ساله ایران - چین و... می‌تواند در این منازعه جدید قابل فهم باشد. به این ترتیب صحنه بین‌الملل به تدریج نظاره‌گر تغییر قدرت اقتصادی از غرب مبتنی بر هژمونی امریکا به سوی حوزه شرق بوده است.

با وجود تلاش واشنگتن جهت افزودن بر گستره تحریم‌های ضد ایرانی و مسدود کردن روند صادرات نفت و انرژی کشورمان، پکن با گشایش کانال‌های مهم پنهان برای کمک به ایران در تسهیل خرید و فروش نفت علی‌رغم مخالفت صریح امریکا از عقب ماندن ایران از بازار رقابتی انرژی ممانعت به عمل آورد و کشورمان توانست امکان فروش نفت خود را در سطح قابل قبولی حفظ کند. شاید پررنگ‌ترین وجه همکاری‌های تنگاتنگ تهران و پکن را باید در روند مذاکرات رفع تحریم‌ها و همچنین ادوار اخیر نشست‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یافت. بر خلاف رویکرد پیشین پکن در مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران که در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن تلاش می‌کرد در میدان مواجهه دیپلماتیک ایران و امریکا سکوت پیشه کند تا از اثرات مجازات‌های فرامرزی این کشور مصون بماند، تحولات جدیدی در فصل جدید روابط ایران و چین رقم خورده است. مخالفت صریح و قاطع این کشور

دیپلماسی به وقت «اقتصاد»

دولت سیزدهم چگونه جایگاه مهم «معاونت دیپلماسی اقتصادی» را احیا کرد؟

● تحلیل

به کارگیری دیپلماسی در خدمت توسعه مناسبات تجاری و اقتصادی با کشورهای جهان و توجه ویژه بر ارتقای روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای منطقه یکی از سیاست‌های اصولی بود که آیت الله سید ابراهیم رئیسی از آغاز به کار دولتش مورد تأکید قرار داد. حال در آستانه دومین سالروز انتخاب او به عنوان رئیس دولت سیزدهم، این هدف تا حدود زیادی در هر حوزه اقتصادی عینیت یافته است. این در حالی است که ایران در ادوار پیشین با غفلت از ظرفیت‌های موجود اقتصادی در کشورهای منطقه، خودخواسته از مزیت‌های بالقوه همکاری با این کشورها محروم مانده بود. حال آنکه وجود ۱۵ کشور همسایه ایران شامل امارات متحده عربی، ترکیه، روسیه، عربستان، پاکستان، عراق، قطر، کویت، قزاقستان، عمان، بحرین، جمهوری آذربایجان، افغانستان، ترکمنستان و ارمنستان با دارا بودن ۵۶۰ میلیون نفر جمعیت حدود ۶/۳ درصد از حجم ۱۶ تریلیون دلاری واردات جهان را به خود اختصاص داده‌اند درحالی که صادرات ایران به این ۱۵ کشور همسایه، تنها ۲/۱۳ درصد از این بازار بزرگ را در اختیار دارد. دو کشور امارات متحده عربی و ترکیه بیشترین نفوذ را در میان کشورهای منطقه‌ای در بازار ایران داشته‌اند و سهم سایر کشورهای منطقه کمتر از ۰/۵ درصد بوده است.

هدفگذاری جدید

رئیس‌جمهور همزمان با آغاز به کارش رویکرد دیگری در پیش گرفت. او در مواضع نخستین خود با اشاره به فعال شدن دیپلماسی اقتصادی و اینکه اولویت اصلی دیپلماسی دولت جدید، همسایگان ایران خواهند بود، هم‌افزایی میان مناسبات سیاسی و تعاملات اقتصادی را الگوی مناسبی برای تحقق همگرایی اقتصادی منطقه‌ای عنوان کرد.

رویکردی که خود، اجرای آن را با جدیت در دستور

کار قرار داد و افزایش دوبرابری حجم کنونی تبادلات اقتصادی را هدفگذاری کرد. این در حالی است که بازار کشورهای منطقه با بهره‌مندی از ویژگی‌هایی همچون دسترسی آسان تر به دلیل وجود مرزهای زمینی و دریایی مشترک که باعث کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل می‌شود، موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی ایران، وجود اشتراکات فرهنگی، مذهبی، زبانی و تمدنی، موقعیت ترانزیتی ایران و وجود زمینه برای صادرات به بازارهای فرامنطقه‌ای از طریق کشورهای همسایه از منظر راهبردی حائز اهمیت ویژه‌ای هستند که دولت سیزدهم تلاش کرده در طرح‌های خود در مسیر توسعه روابط تجاری و صادرات کالاهای ایرانی در اولویت قرار دهد. از منظر دولت با توجه به اینکه صادرات ایران به کشورهای همسایه در قیاس با صادرات به کشورهای اروپایی و آسیایی تجارتی مقرون به صرفه تر است، از این‌رو دیپلماسی جاری درصدد برآمده بر صادرات به بازارهای منطقه، بویژه کشورهایی که دارای بیشترین اشتراکات با ایران هستند، تمرکز کند.

ایجاد شبکه‌ای از روابط راهبردی

در این راستا دولت کوشید با ایجاد شبکه‌ای از روابط راهبردی با همسایگان، استفاده از قراردادهای دوجانبه ارزی و تشکیل شورای هماهنگی دیپلماسی اقتصادی، فراهم کردن زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی از طریق معرفی ظرفیت‌های اقتصادی ایران در کشور میزبان و تقویت دیپلماسی عمومی و مشارکت فعال بخش خصوصی در بازار کشورهای همسایه، نقش دیپلماسی اقتصادی را در تقویت منافع ملی و اقتدار بین‌المللی افزایش دهد.

درامداد این سیاست، بیش از ۳۰ رایزن بازرگانی از سوی وزارت امور خارجه برگزیده شد تا چرخ دیپلماسی اقتصادی فعال و پویا را به ویژه در منطقه و با کشورهای همسایه به چرخش درآورد و به این ترتیب تحقق اهداف اقتصادی را به یکی از مهم‌ترین محورهای برنامه وزارت امور خارجه تبدیل نماید.

در صورتی که روند مبتنی بر تحول در مناسبات ایران ذیل دیپلماسی اقتصادی ادامه یابد، نخستین پیامد آن

در تحقق منافع اقتصادی همه کشورهای پدیدار خواهد شد. چنانکه امارات در رویکرد جدید خود در قبال ایران کوشیده حجم روابط تجاری با ایران را به ۲۰ میلیارد دلار در سال ارتقا دهد و افزودن به حجم ۳۰ میلیارد دلار را هم هدفگذاری کرده است.

این در حالی است که این کشور سرمایه‌گذاری در معادن و فلزات ایران را هم یکی دیگر از نقاط هدف خود در عرصه تعمیق مناسبات اقتصادی و تجاری با ایران تعیین کرده است. امری که می‌تواند مورد توجه ریاض و دیگر پایتخت‌های عربی هم قرار گیرد و به شکل گیری یک پیوستگی و درهم‌تنیدگی اقتصادی بینجامد که خود مؤلفه مهمی در مناسبات منطقه خاورمیانه به شمار می‌آید.

یافتن راهکار دور زدن تحریم‌ها

به همه اینها باید جست‌وجوی دیپلماسی فعال جهت یافتن روش‌های پیدا و پنهان فروش نفت با وجود تحریم‌های آمریکا و تلاش برای آزادسازی اموال بلوکه شده ایران در سایر کشورها را نیز افزود. افزایش تحریم‌ها که دولتمردان آمریکا براین‌باور بودند با توسل به آن، قادر هستند اهداف فهرست بلند بالای مطالبات ادعایی خود از ایران را محقق کرده و کشور را در نقطه انزوا قرار دهند در حالی بود که گزارش‌های متعدد منتشر شده توسط خبرگزاری‌های غربی در ماه‌های پس از آغاز به کار دولت سیزدهم درباره روند فروش نفت ایران نشان داد که مقام‌های آمریکایی بیش از آنچه باید به رویکرد موهوم تحریمی خود برای از پا انداختن ایران اتکا کرده‌اند.

چنانکه به گواه رسانه‌های بین‌المللی و منابع غربی همچون خبرگزاری «رویترز»، ایران به آرامی در حال فروش نفت بوده و مقادیر زیادی از نفت خام خود را به چین فروخته است و در عین حال، پالایشگاه‌های دولتی هند خرید نفت ایران را وارد برنامه‌های واردات سالانه خود کرده‌اند.

درهمین حال آمار سازمان کشورهای صادرکننده نفت، موسوم به «اوپک» نیز برافزایش دوبرابری صادرات نفت ایران صحنه گذاشته است.

از سوی دیگر ایران به موازات تلاش‌های دیپلماتیک در روند مذاکرات وین برای احیای برجام، رایزنی‌های اثرگذاری را برای آزادسازی اموال بلوکه شده خود در کشورهایی که پیرو تحریم‌های آمریکا از بازگرداندن این پول‌ها به ایران خودداری می‌کردند، به جریان انداخته که به توافق‌های ثمربخشی منتهی شده است.



از منظر دولت

با توجه به اینکه

صادرات ایران به

کشورهای همسایه

در قیاس با صادرات

به کشورهای

اروپایی و آسیایی

تجارتی مقرون به

صرفه تر است، از

این‌رو دیپلماسی

جاری درصدد

برآمده بر صادرات

به بازارهای منطقه،

بویژه کشورهایی

که دارای بیشترین

اشتراکات با ایران

هستند، تمرکز کند





عکس: رضا معطریان/ایران

تمرکز ویژه بر احیای ظرفیت کریدورهای بین المللی

یادداشت

مهدی صفری

معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه*

یکی از مهم‌ترین محورهای مهم و در دستور کار دولت سیزدهم، به کارگیری ظرفیت‌های بالقوه کشور برای پیوستن به کریدورهای بین المللی است که ایران نیز موقعیت بسیار خوبی برای این امر دارد. کریدورها فارغ از نقشی که در رونق اقتصادی دارند، در روند تسهیل سیاسی نیز نقش سازنده‌ای دارند. در همین رابطه آغاز به کار کریدور شمال به جنوب که از آن به عنوان بزرگ‌ترین کریدور جهان نیز یاد می‌شود، سهم بسزایی در ارتقای جایگاه ایران و روابط با کشورهای مختلف دارد. ترانزیت کالا یک ظرفیت بسیار حائز اهمیت برای کشور دارد که متأسفانه در سال‌های متمادی توجه لازم و کافی به این مهم صورت نگرفته است. کریدور بین المللی شمال - جنوب امکان ترانزیت ریلی کالا از هند و کشورهای خلیج فارس به جمهوری آذربایجان، روسیه و شرق و شمال اروپا را فراهم می‌کند. توافقنامه این کریدور بین ایران، روسیه و هند سال‌ها پیش به امضا رسید و بعدها عمان هم اضافه شد. اما در دولت‌های پیشین اقدامات کافی برای اجرای این توافق انجام نگرفت. اگر این خط برقرار شود، مسیر رفت و آمد ۱۷ روز کوتاه ترمی شود. کریدور شمال - جنوب فقط به سمت روسیه نیست، بلکه به قفقاز - دریای سیاه و سپس اروپا هم جریان خواهد یافت و مدتی

است در این مسیر از طریق چابهار-پاکستان-جمهوری آذربایجان-ارمنستان-گرجستان-ترمینال‌های دریای سیاه و بلوک شرق اروپا ارتباط کاری برقرار شده است.

کریدور رشت - آستارا

همچنین دولت سیزدهم در مورد کریدور شمال - جنوب تمرکز خود را بر تکمیل راه آهن رشت - آستارا قرار داده است. این مسیر در قسمت رشت به آستارا با تقاضای رو به روست؛ اما از طریق مسیر دریای خزر و اتصال ترکیبی آستاراخان به انزلی و از آنجا به بندرعباس، از طریق اینچه برون و سرخس و از طریق باکو، این راه برقرار شده است. در پی مذاکراتی که در دولت سیزدهم صورت گرفته است و امضای توافقنامه تکمیل این پروژه، کریدور رشت - آستارا با روس‌ها به زودی تکمیل می‌شود. علاوه بر این، پروژه ریلی کاسپین - بندر انزلی به زودی آماده و واگن آن به قطار وصل می‌شود و می‌تواند به بندرعباس برسد. بندر امیرآباد هم می‌تواند کامیونی و هم ریلی باشد. بعد از آن سرخس، لطف آباد و اینچه برون هم در دستور کار است. مسیر ارمنستان و ترکیه هم در دستور کار است. این تنوع نشان می‌دهد انحصار وجود ندارد و دولت در این مدت تنوع سازی کرده است. تمرکز بر توسعه راه‌های ترانزیت یکی از اقدامات بسیار مهمی است که ظرفیت تجاری کشور را افزایش می‌دهد. این در حالی است که پیش از این، انتقال کالای اساسی از طریق دریای خزر صورت نمی‌گرفت؛ یعنی ظرفیت حمل و نقل کالا در این حوزه کم بود. اما با اقداماتی که صورت گرفته است طی سال گذشته حدود ۸ و نیم میلیون تن کالای اساسی از طریق این فضای ارتباطی جابه جا شده است.

شتاب بخشیدن به اجرای پروژه چابهار

دولت سیزدهم در زمینه پروژه بندر چابهار نیز اقدامات خود را شتاب بخشیده است. ایران قریب ۷ سال است که برای اجرای این پروژه با هند قرارداد منعقد کرده است. دولت سیزدهم تلاش مضاعفی را برای به اجرا درآوردن این توافقنامه به جریان انداخته است. این در حالی است که پروژه چابهار برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت ویژه است. بویژه که بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی و حوزه خلیج فارس برای سرمایه گذاری در این بندر اعلام آمادگی کرده‌اند. چشم انداز اقدامات این کشورها در ماه‌های آینده بتدریج روشن می‌شود.

خط ریلی شلمچه - بصره

راه اندازی خط ریلی شلمچه - بصره نیز سال گذشته مورد تفاهم قرار گرفت. با وجود برخی مخالفت‌ها از طرف مقابل، این پروژه دو ماه پیش به امضا رسید و محدوده وظایف هریک از طرفین در اجرای توافق مربوط به آن تعیین شد. در صورت انجام ریل گذاری، همه کارها مطابق روال پیش خواهد رفت. پروژه اتصال ریلی ایران به دو کشور عراق و سوریه از طریق خط آهن شلمچه - بصره، نه تنها منافع اقتصادی بسیاری را شامل ۳ کشور می‌کند، بلکه اتصال خلیج فارس به دریای مدیترانه از منظر ژئوپلیتیک حائز اهمیت ویژه‌ای خواهد بود. کشور در زمینه سوآپ نفت و گاز و خط لوله به پاکستان هم اقدامات زیادی صورت داده و با وجود تحریم‌ها اقدامات خود را به پیش می‌برد.

برگرفته از مصاحبه اختصاصی مهدی صفری با «ایران»



پروژه اتصال ریلی

ایران به دو کشور

عراق و سوریه از

طریق خط آهن

شلمچه-بصره، نه

تنها منافع اقتصادی

بسیاری را شامل ۳

کشور می‌کند، بلکه

اتصال خلیج فارس

به دریای مدیترانه

از منظر ژئوپلیتیک

حائز اهمیت ویژه‌ای

خواهد بود

سفیر جمهوری اسلامی در برزیل در گفت‌وگو با «ایران» بررسی کرد

موج پر قدرت دیپلماسی اقتصادی تا سرزمین‌های دوردست



در حال حاضر
برزیل یکی از
طرف‌های مهم
تأمین امنیت
غذایی ایران است
و به عنوان قدرت
نوظهور نقش مهمی
در توازن بخشی به
روندهای سیاسی
در سطوح منطقه و
جهانی دارد. تعامل
دو کشور موجب
تقویت روندهای
مرتبط مثبت و
سازنده می‌شود



گفت و گو

با بازارهای بین‌المللی پیدا می‌کنند، طبیعی است که نتیجه این روندهای مثبت که منجر به تقویت صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی شود، منافع دو طرف را تأمین می‌کند.

مناسبات سیاسی دو کشور را ذیل تغییراتی که در برزیل صورت گرفته و به روی کار آمدن دولت داسیلوا انجامیده خصوصاً در مقایسه با دولت راست‌گرای قبلی که همسو با ترامپ بود، چگونه می‌بینید؟

چنانکه اشاره شد روابط دو کشور واقعاً فارغ از گرایش سیاسی دولت‌هایی که سرکار هستند، همواره سازنده بوده است. البته مسلم است که جهت‌گیری سیاست خارجی هر دولتی باعث خلق فرصت‌هایی در روابط خارجی یا تغییرات محدود کننده‌ای می‌شود. در مقایسه با دولت قبل بویژه در دو سال ابتدایی که سیاست خارجی برزیل را همسو با دولت ترامپ تعریف کرده بود، آقای لولا نگاهی فراگیر و باز در سیاست خارجی دارد. اگر به صورت عام سیاست خارجی آقای بولسونارو را بیشتر درون‌گرا بدانیم، سیاست خارجی آقای لولا برون‌گرا و قائل به چندجانبه‌گرایی است. از زمان روی کار آمدن آقای لولا می‌بینیم که اقدامات برای تقویت منطقه‌گرایی در امریکای لاتین با محوریت برزیل خیلی شدت گرفته است. دولت آقای لولا سعی دارد که روابط برزیل را با اتحادیه اروپا و امریکا (دموکرات‌ها) بازسازی کند. همچنین روابط با چین را که در دولت بولسونارو دچار چالش‌هایی شده بود بازتنظیم کند. بریکس و همه تشکلهای قوام دهنده چندجانبه‌گرایی در اولویت برزیل قرار دارند. نتیجه اینکه برزیل حضور بسیار پررنگی در صحنه بین‌المللی دارد و در همین مدت کمتر از شش ماه، سفرهای متعددی انجام شده که گفته می‌شود رکورد بالایی برای سفرهای رئیس‌جمهور و وزیر خارجه

رئیس‌جمهور برزیل در بندر ریودوژانیرو انجام شد، معاهده برقراری روابط دیپلماتیک و تجاری به امضای دو طرف رسید و این روز مبنای شروع روابط رسمی بین دو کشور شد. در طول این دوران طولانی ۱۲۰ ساله، روابط دو دولت همواره دوستانه بوده است. جالب اینکه در طول این دوره اتفاقات سیاسی زیادی در هر دو طرف افتاده؛ تغییر پیاپی دولت‌ها و حتی تغییر نظام‌های حکومتی را داشته‌ایم ولی هیچ‌گاه روابط دو کشور تحت تأثیر جدی این تغییرات قرار نگرفته است. برزیل مهمترین کشور جنوب قاره امریکاست با ۸،۵ میلیون کیلومتر مربع که دارای ذخایر و ظرفیت‌های فراوانی در حوزه‌های مختلف کشاورزی، معدن و صنعت است. ایران هم یکی از قدرت‌های بزرگ منطقه با ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فراوان برای اثرگذاری در سطوح منطقه و فراتر از آن بوده است. بنابراین هر دو کشور جایگاه خاصی در سیاست خارجی طرف مقابل داشته است. برزیل به‌رغم نزدیکی جغرافیایی و حتی در هم تنیدگی اقتصادی با امریکا همواره استقلال عمل خود را و حاکمیت مستقل خود را ارج نهاده است. برای مثال حتی رئیس‌جمهور پیشین برزیل، آقای بولسونارو با گرایش شدید محافظه‌کارانه، اعلام می‌کند که خود را مقید به رعایت تحریم‌های یکجانبه امریکا نمی‌داند. البته اینکه در عمل بخش‌های تجاری چه می‌کنند، بحث جداگانه‌ای است. دو کشور دیدگاه‌های نزدیکی در موضوعات بین‌المللی و بویژه ضرورت چندجانبه‌گرایی و پرهیز از یکجانبه‌گرایی و نیز همگرایی بین کشورهای در حال توسعه دارند.

در حال حاضر برزیل یکی از طرف‌های مهم تأمین امنیت غذایی ایران است و به عنوان قدرت نوظهور نقش مهمی در توازن بخشی به روندهای سیاسی در سطوح منطقه و جهانی دارد. تعامل دو کشور موجب تقویت روندهای مرتبط مثبت و سازنده می‌شود. با توجه به اینکه اقتصادهای دو کشور ارتباط مستقیم فراوانی

پیگیری دیپلماسی اقتصادی و توسعه همکاری‌های تجاری هدفی بود که از همان ابتدای ریاست جمهوری سید ابراهیم رئیسی مورد تأکید قرار گرفت. مأموریتی که انجام آن بر عهده وزارت امور خارجه و بویژه فرستادگان آن به محل‌های مأموریت قرار داشت و البته تمرکز و حساسیت ویژه دولت بر این مهم و از سوی دیگر مجموع تلاش‌های خارجی برای ممانعت از به ثمر رسیدن این رویکرد جدید اقتصادی، بر پیچیدگی‌های این مأموریت می‌افزود. درباره گامیابی‌ها و دستاوردهای سیاست اقتصادی کشور در حوزه امریکای لاتین و به طور مشخص «برازیلیا»، پایتخت برزیل با حسین قریبی، سفیر کشورمان گفت‌وگو کردیم. دیپلماتی که از زمان آغاز به کار مأموریتش در این کشور مهم امریکای لاتین، اقدامات ویژه‌ای را در روند احیای مناسبات اقتصادی ایران و برزیل در دستور کار قرار داده و آمار خوبی هم از افزایش چشمگیر تعاملات اقتصادی دو کشور با وجود فاصله هزاران کیلومتری ارائه کرده است. این گفت‌وگو را از نظر می‌گذرانید.

عمر مناسبات تاریخی ایران و برزیل از مرز ۱۲۰ سالگی گذشته است. ابتدا از منظر سیاسی بفرمایید برزیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی چه جایگاهی دارد؟

بله، جمعه بیست و ششم خرداد ماه در واقع مصادف بود با یکصد و بیست‌مین سالروز امضای معاهده برقراری روابط رسمی بین ایران و برزیل. در این روز بعد از مذاکراتی که بین نماینده حکومت وقت ایران به نمایندگی از مظفرالدین شاه قاجار و همچنین نماینده تام‌الاختیار

و نیم میلیارد دلار می باشد. برزیل علاوه بر تولیدات کشاورزی که بازار بسیار مناسبی در ایران دارد همچنین در حوزه معدن، صنایع حمل و نقل اعم از خودروهای سواری و خودروهای سنگین و همچنین هواپیماسازی؛ و نیز در حوزه فن آوری، انرژی های تجدیدپذیر، دارو و تجهیزات پزشکی پیشرفت های بسیار خوبی داشته و بررسی های مناسبی برای همکاری بین دو طرف انجام شده است. از طرف دیگر ایران یکی از کشورهای مهم تولید کننده فرآورده های نفتی و پتروشیمی، معدنی است و در حوزه های دانش بنیان و تجهیزات پزشکی پیشرفت های قابل توجهی داشته و همه اینها زمینه های مناسبی را برای بهره برداری دو طرف از ظرفیت های یکدیگر ایجاد می کند. اصولاً اقتصاد های دو کشور مکمل هستند، به همان نسبت که کشاورزی در برزیل توسعه پیدا می کند، نیاز به تأمین برخی فرآورده های پتروشیمی و بویژه کودهای شیمیایی که ایران یکی از تولید کنندگان بزرگ هست، بیشتر می شود. بصورت خلاصه برزیل هم منبع تأمین کالاهای اساسی و مواد غذایی برای ایران هست و هم در حوزه های معدن و سایر صنایع ظرفیت صادراتی دارد و هم از سوی دیگر بازار بسیار مناسب و رو به گسترشی برای تولیدات و محصولات صادراتی ایران است. به همین جهت است که روابط دو کشور از یک چشم انداز امیدوارکننده و پایداری برخوردار است.



توصیه اکید

مقام معظم

رهبری از جمله

در دیدار اخیر

سفرا با ایشان،

فعال سازی

ظرفیت های

اقتصادی روابط

دوجانبه با طیف

وسیع از کشورها

بود و ایشان

مفهوم اثرگذاری

را مورد تأکید قرار

دادند

به نظر می رسد عمده واردات برزیل از ایران معطوف به صنایع مادر از جمله فولاد و مهم تر از همه صنعت پتروشیمی است. گسترش مناسبات اقتصادی دو کشور در دوره دولت سیزدهم در این زمینه به چه تغییرات آماری در این زمینه منتهی شده است؟

صنایع فولاد و معدنی از زمینه های مهمی است که نیاز داریم زمینه های آن را برای مبادلات آتی فراهم کنیم. در اینجا لازم است به محدودیت های ناشی از تحریم های یکجانبه و ظالمانه آمریکا هم اشاره کنیم که قدری باعث کندی روند همکاری ها در این زمینه شده ولی به هر حال دو کشور تلاش می کنند که برنامه هایی هم برای دوره تحریم ها و هم برای دوره پساتحریم داشته باشند. در زمینه صنایع فولاد، شاید بهترین پروژه ای که بتوان دنبال کرد، موضوع تئاتر فولاد ساخته شده با سنگ آهن و همچنین تولید مشترک فولاد به صورتی که طرف برزیلی سنگ آهن و مواد اولیه معدنی را تأمین کند و طرف ایرانی انرژی لازم برای تولید فولاد را تأمین کند.

پتروشیمی ظرفیت های بسیار گسترده ای برای کار دارد و در سال گذشته با تلاش شرکت های ایرانی و منبعث از سیاست های حمایتی دولت سیزدهم، ایران تبدیل به بزرگترین تأمین کننده کود اوره برزیل شد و به رکورد ۱.۸ میلیون تن صادرات به برزیل رسیدیم که این رقم می توانست بالاتر از این به سقف سه میلیون تن هم برسد. ناپایداری قیمت های جهانی و بازار پرافت و خیز کود اوره، کار را برای تجارت جهانی این محصول مشکل کرده است. علاوه بر کود شیمیایی، در زمینه انواع پلیمرها و متانول هم بازار مناسبی در برزیل وجود

اقتصاد محور در نمایندگی ها و در مرکز در وزارت خارجه شکل گرفته به خصوص در نمایندگی ها نزد کشورهایی که ظرفیت های اقتصادی بالایی دارند، موجب اثرات فراوانی شده است. نگاه مقایسه ای به آمار روابط دوجانبه ایران و برزیل ظرف دو سال گذشته بهترین گواه استفاده از ظرفیت های اقتصادی و اولویت دادن به اقتصاد در روابط دوجانبه با برزیل است. معتقدیم که رابطه تجاری پایدار و متنوع، باعث درهم تنیدگی مناسبات بین دو دولت و دو ملت می شود و همین ایجاد نوعی ثبات در روابط می کند. این درهم تنیدگی منافع بسیاری در حوزه های دیگر ایجاد می کند هم در حوزه سیاسی و هم در حوزه فرهنگی و اجتماعی. بویژه باید تأکید کنم که در حوزه امریکای لاتین باید بتوانیم به نحو مناسبی از ظرفیت های اقتصادی استفاده کنیم.

توصیه اکید مقام معظم رهبری از جمله در دیدار اخیر سفرا با ایشان، فعال سازی ظرفیت های اقتصادی روابط دوجانبه با طیف وسیعی از کشورها بود و ایشان مفهوم اثرگذاری را مورد تأکید قرار دادند. اثرگذاری در مناسبات اقتصادی یعنی اینکه صرفاً به امضای سند و یادداشت تفاهم و سفرهای دوجانبه بسنده نکنیم. در دولت سیزدهم هم در اعلام سیاست ها در آغاز به کار و هم در جریان همایش اخیر سفرا، شخص رئیس جمهور تأکید فراوانی بر استفاده از ظرفیت های اقتصادی در روابط دو جانبه با کشورها داشته اند و من فکر می کنم که این موضوع بسیار مهمی است که زمینه های تحقق حداکثری آن بایستی مورد توجه قرار بگیرد. ما نیاز داریم به این که متناسب با این اولویت، تغییراتی را برای حل مسائل غامض اعمال کنیم. جناب آقای رئیسی به سه تحول مهم اشاره کردند: تحول شناختی، تحول فرایندی و همچنین تحول نهادی. خب این تغییرات باید به صورتی انجام بشود که به تحقق اولویت اقتصادی کمک کند. باید بتوانیم با یک هماهنگی و انسجام بالا بین وزارت امور خارجه به عنوان یک نهاد حاکمیتی و دستگاه های اقتصادی اعم از بخش خصوصی و دولتی و همچنین بخش های عمومی، اهداف اقتصادی را محقق کنیم. خود دولت تمهیداتی را در این خصوص اندیشیده و در این زمینه البته نقش معاون دیپلماسی اقتصادی وزیر امور خارجه بسیار با اهمیت و تأثیرگذار بوده است.

برزیل در روند پیگیری این وجه مهم دیپلماسی اقتصادی از سوی دولت رئیسی چه موقعیتی دارد؟ به عبارت دیگر ایران در مناسبات دوجانبه خود با برزیل چه اهداف اقتصادی و تجاری را دنبال می کند؟ گفته شده برزیل در میان کشورهای حوزه امریکای لاتین بیشترین حجم صادرات به ایران را دارد و از سوی دیگر، در میان سه کشور اصلی وارد کننده محصولات ایران قرار دارد. ارزیابی شما چیست؟

بهترین دلیل برای موقعیت داشتن برزیل در سیاست دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران همین حجم بالای مناسباتی است که در حال حاضر از آن برخوردار هستیم که بصورت مستقیم و غیرمستقیم بالغ بر شش

به کشورهای مختلف محسوب می شود. بنابراین با این نگاه، به صورت طبیعی جمهوری اسلامی ایران می تواند با دولت آقای لولا در حوزه های مورد علاقه طرفین، تعامل گسترده تری داشته باشد. آقای لولا قبلاً تجربه خوبی در ارتباط با کشورمان داشته اند. سفر رسمی به تهران داشته و همچنین رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران در دو نوبت به برزیل سفر کرده اند. این گرایش وجود دارد که تعامل ها بیشتر شده و از ظرفیت های اقتصادی بین دو طرف استفاده بیشتری بشود. قبلاً با بررسی ها و برآوردهای انجام شده، فهرستی از ظرفیت هایی را که قابلیت بالفعل شدن دارند به آقای لولا ارائه کرده ام و موافق هستیم که اگرچه روابط تجاری دو کشور در حال حاضر در سطح بسیار خوبی قرار دارد ولی هنوز حوزه های بسیاری وجود دارد که بایستی به طور مشترک کار کنیم و از منافع آن مردم دو کشور بهره مند شوند.

ایران در حاشیه نشست اخیر «بریکس» برای امضای برنامه جامع همکاری های بلندمدت دو کشور اعلام آمادگی کرده است. در این باره توضیح دهید.

اگر به حجم مبادلات تجاری و همچنین روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با شرکای خارجی نگاهی بیندازیم، یک نکته برجسته است و اینکه روابط ما با کشورهای حوزه بریکس از یک جایگاه خاصی برخوردار است. ایران معتقد به استفاده از ظرفیت قدرت های نوظهور اقتصادی برای توسعه مناسبات خود است. یکی از مصادیق برجسته اقتصادهای نوظهور خود برزیل است. چین البته که یک قدرت بسیار تأثیرگذار و در حال حاضر در رده دوم تأثیرگذاری در حوزه اقتصاد جهانی است، روسیه به همین ترتیب، کسانی که با روند توسعه هند آشنا هستند می دانند که هند چشم انداز بسیار مثبتی داشته و نرخ رشد بالایی دارد و در آینده تأثیرگذاری بالایی در مناسبات اقتصادی و سیاسی خواهد داشت. همچنین آفریقای جنوبی در قاره آفریقا، بنابراین طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران علاقه مند باشد که به این مجموعه بپیوندد و همکاری های خودش را با این مجموعه تعمیق بخشد. غیر از ایران، کشورهای دیگری هم هستند، فعلاً ۱۹ کشور علاقه مندند به فرایند های مربوط به بریکس ملحق شوند. در این باره، خود اعضای فعلی بریکس مشغول تهیه شاخص ها و استانداردهایی هستند تا بر اساس این مذاکرات همکاری با اعضای جدید را آغاز کنند.

از سوی دیگر باب پیوستن به ارگان های زیرمجموعه از جمله بانک توسعه نوین فراهم شده است. سفر جناب آقای دکتر امیرعبداللهیان به کیپ تاون آفریقای جنوبی و شرکت در جلسه دوستان بریکس، گام بسیار موفقی در جهت رسیدن به این هدف بود و ما امیدواریم که هر چه سریعتر بتوانیم روابط خودمان را با این تشکل گسترده تر کنیم. دنیای آینده، دنیایی متفاوت با دنیای فعلی خواهد بود و قدرت های دیگری بجز قدرت هایی که به صورت سنتی مدعی رهبری در نظم موجود بوده اند نقش آفرینی خواهند کرد و بنابراین منطقی است که جمهوری اسلامی ایران از هم اکنون پیوند های خود را به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه ای با قدرت های نوظهور تحکیم بخشد و بتواند در نظم آتی اثرگذاری مثبت و سازنده بیشتر و گسترده تری داشته باشد.

در خصوص برنامه جامع همکاری ها، این موضوع قابل بررسی است. در این زمینه باید همزمان با فعلیت یافتن ظرفیت های همکاری، نگاهی بلندمدت برای پایداری سازی روابط دوجانبه داشته باشیم و مسأله بین دو طرف طرح و بررسی خواهد شد.

وجه مهم رویکرد سیاست خارجی دولت سیزدهم در ورای منطقه خاورمیانه و آسیا بر دیپلماسی اقتصادی متمرکز شده است. این دیپلماسی که به نوعی، بازاندیشی در رویکردهای پیشین وزارت خارجه را ضروری کرده است، چه امکان هایی برای تحقق منافع اقتصادی در مناطق دوردست همچون امریکای لاتین دارد؟

من در این باره مصاحبه مفصلی با نشریه «تبیین» دارم که در واقع دیپلماسی اقتصادی در این منطقه را تشریح کرده ام. اجازه می خواهم که لینک این مصاحبه را در اینجا به اشتراک بگذارم که اگر خوانندگان شما علاقه مند بودند، به این مصاحبه مراجعه کنند.

<http://tabyincenter.ir/۴۴۸۴۷/slider>

در دولت جدید واقعاً یک موج پر قدرتی از فعالیت های





نیاز هست که شرکت های ایرانی فراتر از فروش مستقیم، به گرفتن سهم از بازارهای هدف فکر کنند. اگر استراتژی شرکت های ایرانی گرفتن سهم از بازار هدف باشد، آن وقت ایجاب می نماید که تاکتیک های متناسب با این هدف مدنظر قرار گیرد و به شکلی برنامه ریزی شود که به صورت مستمر در بازارهای هدف حضور پایدار داشته باشیم

دارد که فعالیت ها در این خصوص ادامه دارد. سال گذشته با حمایت دولت، روز پتروشیمی خلیج فارس را با حضور مدیران هلدینگ خلیج فارس و تعداد زیادی از شرکت های برزیلی در شهر سان پائولو برگزار کردیم و بنا داریم که در سال جاری رویداد بزرگ تری را با حضور تولیدکنندگان پتروشیمی از ایران و همچنین شرکت های برزیلی برگزار کنیم که موجبات تعامل و تماس نزدیک تر بین دو طرف را فراهم کند. همچنین برای اولین بار هیأت عالیرتبه ای از ایران در نمایشگاه نفت و گاز ریودوژانیرو مشارکت داشت.

مطمئناً حوزه های پتروشیمی و معدن می توانند آمار روابط دو جانبه اقتصادی را متحول کنند.

در خصوص معدن این را اشاره کنم که شهریور سال قبل هیأت بزرگ معدنی بخش خصوصی و عمومی در نمایشگاه بزرگ معدن برزیل حضور یافتند و امسال هم مقدمات چنین حضوری فراهم شده است و در تهران جلساتی در این خصوص با صاحبان معادن و صنایع معدنی داشته ام. این رویدادها شرایط تماس اولیه بین طرفین را فراهم می کنند و متعاقب آنها ارتباطات تجاری شکل گرفته و در سطح قابل قبولی دنبال می شوند.

زمینه های صادراتی ایران در بازار برزیل بر کدام تولیدات متمرکز است؟ در همین زمینه چه چالش هایی درباره صادرات مانند انحصار تجارت پتروشیمی و کم توجهی به ظرفیت های کشاورزی در کنار چالش های حمل و نقل دیده می شود؟

مهمترین زمینه های صادراتی شرکت های ایرانی فرآورده های پتروشیمی و همچنین نفتی هستند. یک نمونه بسیار موفق ظرف دو سال گذشته داشته ایم (صادرات اوره) که قابل تکرار شدن در زمینه های دیگر هم هست و بسترهای آن از قبل فراهم شده است. این نکته را در اینجا باید اشاره کنم و آن بحث چالش های کار تجاری است. ما در ایران تولیدکنندگان بزرگی داریم و در برزیل هم بازار مصرف بسیار گسترده ای داریم. تولید کنندگان ما در ایران انتظار دارند که خریداران خارجی در مناقصات مربوطه در ایران شرکت کنند و به قیمت روز و پس از تأیید پیش پرداخت، محصول را در بنادر صادراتی دریافت کنند و خودشان به مقصد حمل کنند.

مدل تجارتهای در برزیل به این شکل هست که مصرف کنندگان برزیلی عمده کالاهای مورد مصرف خودشان را در بنادر برزیلی و در خاک برزیل از صادرکنندگان خارجی دریافت می کنند. یک شکاف اینجا دیده می شود بین مبدأ تولید در ایران و بازار مصرف در برزیل که نیاز هست با حضور پر قدرت بازرگانان ایرانی و فعالین تجاری حوزه فرآورده های پتروشیمی و نفتی پر شود.

من مکرر تلاش کرده ام که شرکت های تولیدکننده را ترغیب کنم به اینکه تولیدکننده/تاجر باشند تا صرف تولیدکننده/فروشنده.

نیاز هست که شرکت های ایرانی فراتر از فروش مستقیم، به گرفتن سهم از بازارهای هدف فکر کنند. اگر استراتژی شرکت های ایرانی گرفتن سهم از بازار هدف باشد، آن وقت ایجاب می نماید که تاکتیک های متناسب با این هدف مدنظر قرار گیرد و به شکلی برنامه ریزی شود که به صورت مستمر در بازارهای هدف حضور پایدار داشته باشیم. این یک مسأله بسیار مهم است که امیدوارم از طریق همین مصاحبه توجه حداقل بخشی از دست اندرکاران محترم را به خود جلب نماید.

در حوزه متنوع سازی تجاری بویژه در امریکای لاتین چه اقداماتی از سوی دولت سیزدهم در دستور کار قرار گرفته است؟

همانگونه که در قبل اشاره کردم سه حوزه گسترش تنوع موضوعی صادرات پتروشیمی و فرآورده های نفتی، حوزه معدنی، صنایع حمل و نقل و همچنین دانش بنیان و تجهیزات پزشکی مهمترین حوزه های اولویت دار برای پیگیری متنوع سازی تجارت دو کشور بوده اند. برای هر کدام از اینها اقدامات و فعالیت های مستمری در دستور کار بنده و همکارانم در سفارت بوده است.

در سؤال قبلی به نمایشگاه ها و حضور پررنگ در نمایشگاه های تخصصی برزیل اشاره کردم و در اینجا لازم است که این نکته را مورد تأکید قرار دهم که برای اولین بار ۱۸ شرکت ایرانی در بزرگترین نمایشگاه تجهیزات پزشکی برزیل حضور بسیار موفق داشتند و گام های اولیه برای

معرفی محصولات ایرانی به بازار بزرگ برزیل و امریکای لاتین انجام شده است. این مسأله نیاز به پیگیری های بعدی دارد. روندی است که آغاز شده و مطمئناً به نتایج بسیار خوبی منتهی خواهد شد. دو حوزه دیگر در میحث متنوع سازی، مواد غذایی یا آنچه که من مایلم اشاره کنم به تولیدات سوپرمارکتی که ما در ایران صنایع بسیار خوب و پیشرفته ای داریم اختصاص دارد. دیگر حوزه گردشگری است که ایران مزیت های نسبی بسیار بالایی در این زمینه دارد. در سال جاری قصد داریم که با ابتکارات مؤثری را برای ارتقای صنایع غذایی و گردشگری بین دو کشور پیگیری کنیم. در این خصوص هم مسئولین ذیربط دولت همراهی و حمایت های بسیار خوبی دارند و با هماهنگی و در راستای تحقق اولویت های دولت، متنوع سازی روابط دوجانبه ایران و برزیل دنبال خواهد شد.

آغاز فعالیت دو بانک ایرانی در برزیل چه تأثیری بر تسهیل تجارت و راهبرد دور زدن تحریم های دلار به دنبال خواهد داشت؟ این دو بانک چه زمانی آغاز به کار می کنند؟

مایلم این را برجسته کنم که ما کمترین مشکل و چالش را در زمینه تبادلات بانکی با برزیل داشته ایم و بخشی از آن ناشی از این هست که تجارت ما عمدتاً در حوزه محصولات بشردوستانه انجام می شود که مطابق حقوق بین الملل باید ازهرگونه اثرات تخریبی تحریم ها مصون باشد. همچنین سازوکارهایی طراحی شده تا بانک های دو طرف با همدیگر همکاری های سازنده داشته باشند. برزیل یکی از کشورهای پیشرو در زمینه ارتقای تجارت با ارزهای ملی هست و این یکی از موضوعات مهمی است که جمهوری اسلامی ایران هم دنبال می کند. یک نکته را عرض کنم و آن اینکه پیشنهادی به بانک مرکزی داده ایم که رئال برزیل هم در سبد ارزهای خارجی بانک قرار بگیرد. قصدم این هست که در روزهای آینده این موضوع را به صورت رسمی و کتبی از بانک مرکزی دنبال کنم. این مسأله باعث خواهد شد که مسأله مبادله با ارزهای ملی بین دوکشور تسهیل بشود. در خصوص فعالیت بانک های ایرانی در برزیل، مطالعاتی از طرف برخی از بانک های ایرانی با مساعدت این سفارت انجام شده و قوانین بانکی برزیل و نحوه تأسیس شعب در برزیل از طرف برخی بانک های ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. مطمئناً خوشحال خواهیم شد که بانک های جدیدی در حوزه برزیل شروع به فعالیت کنند و بیشتر علاقه مندم پس از اینکه فعالیتی انجام شد، در مورد نتایج صحبت کنیم.

در ادامه این سؤال به دو زیرساخت مهم در روابط دوجانبه اقتصادی اشاره می کنم: اول گشایش دفاتر اتاق مشترک بازرگانی ایران و برزیل درآبان سال ۱۴۰۰ و دوم گشایش مرکز تجاری ایران در ماه های اخیر هر دو درسان پائولو. اولی تشکل مدنی بخش خصوصی است که نقش بی بدیلی در همراهی با سفارت برای کمک به استفاده از ظرفیت های تجاری داشته و دارد و دومی به عنوان یک ابزار مهم در جهت ارتقای تجارت دوجانبه برنامه های بلندپروازانه ای مدنظر دارد که نتایج آن را در ماه های پیش رو خواهیم دید. هرچه این بسترهای مثبت بویژه برای بخش خصوصی بیشتر فراهم شود، مطمئناً به نتایج بهتری خواهیم رسید.

آیا روند همکاریانه برزیل با ایالات متحده عامل اثرگذاری در ریل گذاری اقتصادی ایران و برزیل ارزیابی می شود؟ برخلاف سیاست ایالات متحده که مانع تراشی در روابط سایر کشورها را بصورت آشکار دنبال می کند، جمهوری اسلامی ایران همواره اعلام کرده که مایل است روابط دو جانبه خود را بدون توجه به رابطه طرف مقابل با کشورهای ثالث پیگیری نماید. معتقدیم که ظرفیت ها و زمینه های بسیار خوبی در روابط دوجانبه با برزیل وجود دارد که ارتقای آنها و گسترش آنها ارتباطی با طرف های ثالث ندارد.

امریکا و برزیل در برخی از زمینه ها رقابت دارند ولی این مسأله درارتباط با ایران وجود ندارد و همانطور که قبلاً توضیح دادم اقتصادهای مکملی داریم که می توانند به یکدیگر کمک نمایند. دولت برزیل هم با تکیه بر رویکرد مستقلانه خود تمایل به متنوع سازی شرکای تجاری خود و همچنین زمینه های تجاری متنوع متعدد بوده است. مزیت های نسبی و منافع دو کشور عامل

اصلی همکاری است و نه تمایلات انحصارگرایانه و تحمیلی طرف های ثالث. یکی از رخدادهای تاریخی و نمادین فی مابین دو دولت، موافقت دولت برزیل با پهلوی گرفتن ناو گروہ ایرانی در بندر ریودوژانیرو علی رغم مخالفت و تهدیدات امریکا بود. درباره پیام های استراتژیک و سیاسی این رویداد بفرمایید.

یکی از جنبه های مربوط به روابط نیروهای دریایی کشورهای دوست، بازدیدهای دوره ای است که طرفین از بنادر یکدیگر برنامه ریزی و دنبال می کنند. در این رابطه با توجه به بعد مسافت بین بنادر دو کشور، هیچگاه چنین تجربه ای وجود نداشته، لیکن با توجه به ارتقای کیفی تجهیزات ساخت داخل نیروی دریایی و اینکه این مسأله یک روند مستمری را دنبال کرده است، لازم بود که در واقع افسران و کادر این نیرو بتوانند تجربیات بیشتری در زمینه دریانوردی در شرایط مختلف در دریاها و اقیانوس ها کسب کنند.

مأموریت ناوگروه ۸۶ سفر به دور کره زمین و حصول تجربه فعالیت در شرایط و زمان های مختلف بود که بحمدالله این مأموریت به خوبی انجام شد و از همین جا مجدداً به فرمانده ناوگروه، فرمانده نیروی دریایی و همه پرسنل نیروی سرفراز دریایی تبریک عرض می کنم. بخشی از مسیر مأموریت، در حوزه امریکای جنوبی و کشور برزیل بود.

با توجه به اینکه سال جاری یکصد و بیستمین سال روابط دوجانبه را جشن می گرفتیم، بهترین فرصت بود تا با حضور ناوگروه در بندر ریودوژانیرو یعنی همان بندری که سندن برقراری روابط دوجانبه ۱۲۰ سال پیش مذاکره و امضا شده بود، این رویداد گرمی داشته شود. جالب اینکه عزیزان نیروی دریایی دقیقاً در همان نقطه ای پهلوی گرفتند که با فاصله اندکی ۱۲۰ سال پیش نمایندگان دو دولت معاهده مربوط به برقراری روابط دوجانبه را مذاکره می کردند.

این بازدید یک رویداد کاملاً فنی بین نیروهای دریایی دو کشور بود که با موفقیت تمام پیگیری و انجام شد. دولت برزیل مساعدت و همکاری بسیار خوبی در این زمینه داشت.

مخالفت امریکا هم مانند بقیه موضع گیری های این کشور یک مخالفت سیاسی و بدون توجه به ابعاد فنی این قضیه و صرفاً برای اخلال در مأموریت های این ناوگروه بود.

دولت برزیل با اقتدار تمام از استقلال و حاکمیت ملی مستقل خودش دفاع کرد و نشان داد که حاضر نیست که در برابر درخواست های غیرمعقول و سیاست زده دیگران، منفعل شود. تأکید می کنم که نیروهای نظامی دو کشور ظرفیت های بسیار خوبی برای همکاری جهت ارتقای صلح و امنیت بین المللی دارند. باید از این ظرفیت ها به خوبی در راستای اهداف مشترک دو کشور استفاده کنیم. این همکاری ها علیه هیچ طرف ثالثی تعبیر نمی شود. تبادل تجربه و تماس بیشتر بین نیروهای نظامی دو کشور می تواند نتایج بسیار مثبتی هم برای دو طرف و هم برای تحکیم و تعمیق امنیت و صلح پایدار داشته باشد.



بسیوی نظم نوین منطقه ای



ایران و عربستان
در آینده نزدیک به
سمت اجرای این
اسناد می روند که
می تواند رابطه دو
کشور را چندین
مرحله به پیش
ببرد. در چارچوب
این همکاری
می توان به اولویت
بخشی به اقتصاد
و تجارت توجه کرد
و اهداف و منافع
ملی را زیر سایه
همکاری های جدید
محقق نمود

سطوح پایین می تواند تحت لوای مجمع گفت و گو و در سطوح بالاتر در قالب سازمان صلح و همکاری خلیج فارس جریان یابد.

اجرای این رویکرد سطح بالای همکاری رقم زننده یک روند چندجانبه گرایی منطقه ای خواهد شد و در بطن خود به ایجاد نهادهای بزرگ همکاری مشابه آنچه در اروپای پس از جنگ جهانی دوم و در دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت، می انجامد.

به این ترتیب باید تأکید کرد که مجموع تحولات شکل گرفته این مهم را ضروری کرده تا کشورهای منطقه به سمت و سوی شکل دادن به یک ترتیبات امنیتی جدید در منطقه حرکت کنند و شکل گیری یک نظم نوین منطقه ای را برای آینده منطقه در نظر بگیرند؛ نظمی که بی تردید نتیجه بالاترین سطح همکاری کشورهای این حوزه با یکدیگر در قالب ترتیبات جدید خواهد بود.

سطح دیگری از همکاری در ترتیبات «امنیتی» منطقه پدیدار خواهد شد. شاخص های شکل گیری این امنیت پایدار و توسعه محور با مشارکت همه کشورهای منطقه، فقدان نظامی گری، عدم حضور رژیم صهیونیستی در منطقه، کاهش مستمر نیروهای بیگانه و تکیه بازیگران

منطقه برای تأمین امنیت و در نهایت شکل دادن به یک مدیریت جدید جمعی در منطقه شکل خواهد گرفت. توجه کشورها به این گزاره ها بی تردید رقم زننده یک نظم نوین منطقه ای خواهد بود.

تجارت توجه کرد و اهداف و منافع ملی را زیر سایه همکاری های جدید محقق نمود.

طبیعی است که وجه مهمی از بازگشایی رابطه ایران و عربستان به تحولات منطقه اختصاص یابد. بنابراین به موازاتی که ایران و عربستان سعودی در تقویت رابطه خود پیش روند، این امر می تواند بر حل و فصل چالش های منطقه هم اثرگذار باشد. نکته مهم در این روند، گام برداشتن جمهوری اسلامی و دیگر کشورها به سمت و سوی یک همکاری دسته جمعی در خلیج فارس است که یک ضرورت مهم به شمار می آید. به این مفهوم که همه بازیگران منطقه خاورمیانه باید توسعه چندجانبه مناسبات در خلیج فارس را مبنای رویکرد منطقه ای خود قرار دهند. به گونه ای که ۸ کشور حاشیه خلیج فارس این امکان را داشته باشند با شکل دادن به یک چارچوب ارتباط جمعی، ظرفیت تعاملات متقابل را افزایش داده و از مرحله همکاری به شراکت برسند و در ادامه، این راه را ارتقا ببخشند. از این رو در شرایط کنونی شکل گیری یک همکاری منطقه ای چندجانبه باید به اولویت نخست کشورها در روند همکاری های خود در این حوزه تبدیل شود. ۸ کشور خلیج فارس می توانند گردهم بیایند و با تأسیس یک مجمع یا نهاد و در آینده یک سازمان منطقه ای، همکاری های خود را وسعت ببخشند. شاید در وهله اول، شکل گیری یک نهادی منطقه ای، اقدامی مهم و اثربخش باشد که در برگیرنده ۸ کشور خلیج فارس خواهد بود.

در شرایط کنونی، دوره جدیدی در رابطه جمهوری اسلامی با قریب به اتفاق کشورهای منطقه ذیل تمرکز بر ایده همکاری منطقه ای آغاز شده که میل به ایجاد همکاری و ثبات را تقویت کرده است. جمهوری اسلامی در این رابطه با ایده ۲+۶ یعنی گفت و گوی ایران و عراق به سایر کشورهای خلیج فارس یعنی ۶ کشور شورای همکاری نگاه نمی کند. بلکه به شکل گیری زمینه برقراری گفت و گو و همکاری ۸ کشور خلیج فارس با همدیگر توجه خاص دارد. تنها در چنین چارچوبی است که این ۸ کشور شمال و جنوب خلیج فارس می توانند یک ایده واحدی را با کمک یکدیگر پیش ببرند و به نتیجه برسانند. روابط چندجانبه در

دیپلماسی

علیرضا عنایتی

سفیر جمهوری اسلامی ایران در «عربستان»

دولت سیزدهم از زمان آغاز به کار یک شعار مهم و محوری را برای خود در نظر گرفت و آن توسعه اصل «همسایگی» بود. این رویکرد طی ۲ سال گذشته دستاوردهای مهمی را در حوزه روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در بخش جنوبی منطقه یعنی در خلیج فارس به دنبال داشته است. پس از آنکه مناسبات کشورمان با ۲ کشور عربی کویت و امارات متحده عربی در مسیر ترمیم و تقویت قرار گرفت، توافق ایران و عربستان سعودی برای بازگشایی رابطه نیز فصل نوینی را در تحولات پرشتاب منطقه رقم زد. مذاکرات دو کشور با عزم و اراده ای که مقام های عالی رتبه تهران و ریاض در روند آن نشان دادند، توانست بن بست ۷ ساله رابطه را بشکنند و مناسبات دوسویه را در فضای جدیدی احیا کند.

این توافق از زوایای متعددی قابل ارزیابی است و از منظر روابط دوجانبه، افق گسترده ای را برای دو کشور ترسیم می کند. قرار گرفتن این رابطه در مسیر همکاری های دوجانبه در همه ادوار مذاکرات پیشین تهران و ریاض در عراق، عمان و چین مورد تأکید ویژه ای قرار گرفت که در نهایت این هدف با دستیابی به توافق و اعلام ازسرگیری رابطه محقق شد. به عبارت دیگر تفاهم مقام های ایرانی و سعودی بر سر موضوعات رابطه دوجانبه شکل گرفت که اصول مورد تفاهم راهگشای توافق شد و نه گفت و گو برسر مسائل منطقه. این درحالی است که چشم انداز رابطه ایران و عربستان در موافقت نامه های لازم الاجرا و معتبر و اسناد بالادستی بسیار مهمی ترسیم شده که دو کشور از طریق مذاکرات به آنها دست یافته اند. ایران و عربستان در آینده نزدیک به سمت اجرای این اسناد می روند که می تواند رابطه دو کشور را چندین مرحله به پیش ببرد. در چارچوب این همکاری می توان به اولویت بخشی به اقتصاد و



مشخص نمی تواند حاصلی برای عربستان داشته باشد. بویژه که با خروج تدریجی ایالات متحده از منطقه و تضعیف نقش آفرینی این کشور در معادلات منطقه ای امکان به نتیجه رسیدن رویکرد ریاض به ضعیف ترین سطح ممکن رسیده بود. شکل گیری چنین فضایی که دلیل آن چیزی نبود جز ناکام ماندن سیاست تخاصم در منطقه و از طرف دیگر وقوف به واقعیت قدرت میدانی و دیپلماتیک ایران در منطقه، سبب شد تا ایده کاهش اختلافات و همکاری های درون منطقه ای که از سوی دولت رئیسی دنبال می شد، مورد اعتنای بیشتری از سوی مقام های سعودی قرار گیرد. ایده ای که بیش از هر گزاره دیگری، به تحقق منافع ملی هر یک از بازیگران منطقه و تهدیدات مشترک اشاره داشت و تأکید می کرد که سیاست شتابزده تشکیل اتحادیه های نظامی و امنیتی با محوریت بازیگران عربی ذیل رهبری کشورهای غربی، نه تنها امکان تأمین ثبات سیاسی-امنیتی منطقه ای را فراهم نخواهد کرد که به جای آن یک استراتژی بلند مدت، پرهزینه و مخاطره آمیز را به همه کشورهای منطقه تحمیل می کند.

پایان نزاع؛ خلاف منافع جنگ افروزان

چنانکه پیش بینی می شد، قرار گرفتن رابطه ایران و عربستان در مدار پیشرفت، پیامدهای گسترده ای را در مناسبات منطقه ای به دنبال داشت. در یکی از مهم ترین آنها، شکل گیری این توافق، چشم انداز دستیابی به صلح در یمن را قوی تر از همیشه کرده و می تواند عامل تسریع کننده ای برای پیشرفت برقراری آتش بس، آغاز گفت وگوهای یمنی-یمنی و تشکیل یک دولت فراگیر به شمار آید. بویژه که جمهوری اسلامی ایران در طول این سالها همواره ذیل پیگیری ابتکارعمل های متوالی با محوریت رفع محاصره، برقراری آتش بس پایدار، ارسال کمک های بشردوستانه به یمن و واگذاری حق تعیین سرنوشت به مردم یمن، نقش فعالی در صحنه دیپلماتیک برای حل این بحران از خود نشان داده است. قابل انتظار بود این تحولات پرشتاب خلاف خواسته ها و منفعی باشد که ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در قبال جنگ یمن دنبال کرده بودند. چه پایان این نزاع پرهزینه و استقبال عربستان از ایده های دیپلماتیک ایران برای فرونشاندن این بحران با سیاست غرب برای فروش تسلیحات به ائتلاف ضد یمنی، غارت منابع نفتی یمنی ها و تأمین منافع رژیم صهیونیستی در مغایرت قرار داشت. بنابراین جای تعجب نبود که وقتی پیش از آن، مردم یمن، انصارالله را نماینده خود در صحنه گفت وگوهای بین المللی معرفی کرده بودند و مذاکرات صلح نیز با محوریت این انتخاب یمنی ها برگزار می شد، کشورهای غربی و در رأس آن ایالات متحده به بهانه مقابله با انصارالله، بر وسعت تحریم ها و حمایت های نظامی خود جهت جلوگیری از خاموش شدن آتش جنگ می افزودند تا مانع از به ثمر رسیدن مذاکرات صلح در این کشور شوند. افزون بر اینها موج تحولات سازنده به دیگر مناسبات کشورهای عربی با ایران نیز تسری پیدا کرده است.

استقبال گسترده کشورهای عربی برای افزودن بر سطح مناسبات دیپلماتیک با تهران کار را به جایی رسانده است که پایتخت های عربی پای مواضع جمهوری اسلامی درباره طرح همکاری درون منطقه ای بنشینند و به راهکار همکاری آن امید ببندند.



توافق تهران و ریاض نقطه عزیمت صلح پایدار در خاورمیانه

منطقه

بی تردید شکسته شدن قفل رابطه بحرانی ایران و عربستان سعودی پس از ۷ سال، در زمره مهم ترین تحولاتی به شمار می آید که در امتداد سیاست خارجی منطقه ای دولت سیزدهم رقم خورد. در پی مذاکرات محرمانه ایران و عربستان که در روزهای پایانی سال گذشته به میزبانی چین برگزار شد، صدور یک بیانیه تفاهم از توافق جمهوری اسلامی و عربستان سعودی برای ازسرگیری روابط دو جانبه و آغاز به کار دوباره سفارتخانه های دو کشور خبر داد. تنها چند روز پس از آن بود که «ملک سلمان»، پادشاه عربستان برای رئیسی کارت دعوت فرستاد که چند روز پس از آن، مقام های کشور در اقدامی مشابه، پادشاه سعودی را برای سفر به تهران دعوت کردند. به دنبال این تحولات، دیدار تاریخی امیر عبداللّه بن و «بن فرحان»، وزیرای خارجه ایران و عربستان در ۱۶ فروردین ماه سال جاری رقم خورد که دو مقام ایرانی و سعودی در پایان آن بر از سرگیری روابط دو جانبه، گام های اجرایی در مسیر بازگشایی سفارتخانه ها و سرکنسولگری های دو کشور تأکید کردند. این دیدار و توافقات شکل گرفته در ماه های پس از آن نیز به تعیین سفرای دو کشور، بازگشایی سفارت ایران در «ریاض» و نمایندگی کنسولی در «جده»، تعیین سفیر سعودی در تهران و آغاز به کار نمایندگی سعودی در مشهد منتهی شد.

مذاکره کار را در پکن تمام کرده و برای ازسرگیری رابطه توافقی کردند.

وقوف به یک واقعیت مهم

به نظر می رسد ناکامی هایی که بازیگران عربی در روند صف بندی های موهوم منطقه ای علیه ایران با آن رو به رو شده بودند، در کنار شکست بزرگی که در جنگ یمن حاصل شده بود، مقدمات تجدید نظر حاکمان سعودی را در سیاست منطقه ای خود نسبت به جمهوری اسلامی فراهم کرد و آنها را به این نتیجه رساند که این جدال های فرسایشی بیشتر از یک سطح

کلید توافق

کلید این توافق و تحولات پس از آن را باید در سفری جست وجو کرد که آیت الله رئیسی یک ماه پیش از آن، به چین صورت داده بود؛ جایی که مقام های پکن درخواست حاکمان سعودی برای میانجیگری جهت گره گشایی از رابطه پرتنش تهران و ریاض را اجابت کرده و از فرصت حضور رئیسی در این سفر برای حل اختلافات ایران و عربستان بهره بردند.

پس از نهای شدن دستور کار مذاکرات تهران و ریاض در جریان سفر رئیسی به پکن بود که فرستادگان ایران و عربستان با انجام ششمین دور



جمهوری اسلامی

ایران در طول این

سالها همواره

ذیل پیگیری

ابتکارعمل های

متوالی با محوریت

رفع محاصره،

برقراری آتش بس

پایدار، ارسال

کمک های

بشردوستانه به

یمن و واگذاری حق

تعیین سرنوشت به

مردم یمن، نقش

فعال در صحنه

دیپلماتیک برای

حل این بحران از

خود نشان

داده است





و منهدم کرد.

پیگیری دیپلماتیک

به موازات اقداماتی که سپاه پاسداران در دفع تهدیدات گروهک های تروریست شمال عراق به جریان انداخت، دولت سیزدهم هم دیپلماسی مبتکرانه خود را برای حل و فصل دیپلماتیک این بحران به کار گرفت. مقام های دولت ابتدا به فراخور اقدامات تخریبگرانه تروریست ها به مقامات کردستان عراق هشدار داده و به انتقاد از قصور و بی توجهی آنان نسبت به اقدامات در خور و پیشگیرانه انتقاد برخاستند. آغاز مذاکرات تهران و بغداد برای رفع این تهدیدات امنیتی و دستیابی به یک توافق امنیتی هم در پی این تحولات صورت گرفت. در همین ارتباط شهریورماه سال ۱۴۰۱ کمیته امنیتی مشترکی در اربیل و تهران تشکیل شد که در نهایت تصمیماتی برای افزایش امنیت مرزی میان دو کشور گرفته شد.

در قالب این نشست ها این مهم مورد تأکید قرار گرفت که گروه های اپوزیسیون کرد ایرانی باید فعالیت مسلحانه با آموزشی خود در خاک اقلیم کردستان را متوقف کنند. استقرار نیروهای امنیتی و مرزبانی در مناطق مرزی که برای نتیجه رسیدن آن نوعی همکاری و هماهنگی نیز میان دولت عراق و دولت محلی اقلیم کردستان شکل گرفت، از دیگر دستاوردهای این کمیته مشترک بود. در همین حال، اجرای این توافقنامه امنیتی در جریان دیدار رئیس جمهور با «عبداللطیف رشید»، رئیس جمهور عراق نیز در خلال سفر دو ماه پیش او به تهران مورد تأکید ویژه قرار گرفت. رئیسی در این دیدار تفاهم نامه امنیتی میان ایران و عراق و نقش آن در ارتقای امنیت منطقه را مورد توجه ویژه قرار داد و امنیت عراق برای جمهوری اسلامی را حائز اهمیت دانست و تأکید کرد که کوچک ترین ناامنی در عراق ناامنی در ایران محسوب می شود. رئیس جمهور با مضر خواندن حضور نیروهای بیگانه و امریکایی ها در منطقه یادآور شد که روابط خوبی بین ایران و عراق برقرار است و حتماً به همکاری های دوجانبه، منطقه ای و بین المللی خواهد انجامید.

هرچند دستیابی ایران و عراق به چنین توافقی با تخطی گاه به گاه مقامات کردستان عراق در اجرای این توافق همراه بود اما مقامات دولت کوشیدند تا همچنان سر رشته گفت وگوهای دیپلماتیک را در دست نگه دارند. برگزاری نشست های مشترک میان کنسولگری جمهوری اسلامی ایران و ریاست حکومت اقلیم کردستان در همین چارچوب صورت گرفت و در ادامه به توافق تخلیه مقرهای گروه های کردی در خاک اقلیم و تشکیل نیروهای متشکل از نیروهای دولت مرکزی عراق و اقلیم کردستان در مرزهای مشترک انجامید.

سر رشته حذف گروهک های مسلح در دست «دیپلماسی»

نگاهی به اقدامات مهم دولت در ناکام گذاشتن نقطه عطف جنگ ترکیبی در سال ۱۴۰۱

● دیپلماسی

شاید برای دهه ها تنها راه مواجهه با چالش های امنیتی و تهدید آمیز علیه کشورها به کارگیری استراتژی های نظامی به شمار می آمد اما به مرور، جدی گرفتن رویکرد حل مسالمت آمیز اختلافات به کمک حل چالش های امنیتی آمد و اهمیت خود را در همراهی با الگوهای نظامی در نبردهای حساس نشان داد. تلاشی که جمهوری اسلامی ایران بویژه در یک سال اخیر در روند مواجهه با تهدیدات فراسرزمینی گروهک های تروریستی مستقر در اقلیم شمال کردستان عراق از خود نشان داد، مجموعه ای از به کارگیری ظرفیت همه جانبه «میدان» و «دیپلماسی» به شمار می رفت. حملات موشکی سپاه ایران علیه مقر گروهک های تروریست مستقر در کردستان عراق که امر مسبوق به سابقه ای بود در ماه های میانی و اوایل سال گذشته و در پی اقدامات این گروهک ها در قاجاق اسلحه به درون مرزهای ایران، همکاری این گروه ها با سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی و ایفای نقش در سازمان دادن به اغتشاشات در راستای اهداف تجزیه طلبانه شان مرحله جدیدی از مواجهه جمهوری اسلامی در عرصه نظامی و دیپلماتیک را برای از میان بردن این تهدیدات کلید زد.

نقض اصول دولت مرکزی

منطقه شمال و شمال شرقی عراق که در موقعیت خودمختاری از دولت و پارلمان و ارتش مستقل بهره مند بوده و امکان نقش آفرینی مستقل در سیاست خارجی دارد، در سال های اخیر به پشتوانه حمایت از قدرت های غربی تحت رهبری امریکا اغلب اصول دولت بغداد را نقض کرده و خارج از سیطره دولت مرکزی، تصمیمات و اقدامات بحث برانگیز و بحران سازی را در قبال جمهوری اسلامی به اجرا در آورده است. فراهم کردن فضا برای استقرار گروهک های تروریستی و تجزیه طلب ضد ایرانی همچون گروه تروریستی «کومله» یکی از این دست اقدامات بوده است که مبارزه این جریان خشونت طلب را ذیل هدف شوم تجزیه کشور ایران و ایجاد کشوری مستقل ممکن نموده است. هدفی که اعضای این گروه در چهارچوب اهداف سازمانی خود برای تحقق آن به اقدامات خشونت بار و خونباری همچون ناامن جلوه دادن شهرهای مرزی ایران و خشونت آفرینی از ترور مردم عادی گرفته تا دانشمندان و نظامیان روی آورده اند. طراحان این اقدامات که بی تردید در خدمت اهداف بازیگران غرب به فعالیت می پردازند، همچنین در سال های

اخیر تحت هدایت سرویس های اطلاعاتی علاوه بر فعالیت های مخفی، به صورت سازماندهی شده تبلیغ و سیاه نمایی علیه نظام جمهوری اسلامی را در دستور کار قرار داده و در راستای ساماندهی هسته های تبلیغی اقدام کرده اند. چنانکه این جریان از سال ۲۰۱۶ تاکنون ۴۹ حمله تروریستی در داخل و نزدیک مرزهای ایران انجام داده اند که در نتیجه ۲۴ نفر را به شهادت رسانده و ۳۲ نفر را زخمی کرده اند.

واکنش نظامی

اقدامات خشونت بار جریان های تروریستی در چندین نوبت از سوی جمهوری اسلامی ایران پاسخ نظامی گرفت و نیروهای نظامی کشور مراکز گروهک های تروریستی مستقر در شمال عراق را هدف حمله نظامی قرار دادند. نیروی زمینی سپاه پاسداران به دفعات و در واکنش به تحرکات صورت گرفته علیه امنیت جمهوری اسلامی با به کارگیری یگان های عملیاتی قراگاه حمزه سیدالشهدا (ع) مقرها و مراکز استقرار، طراحی و توطئه چینی گروهک های متجاوز تروریستی و ضد انقلاب در آن سوی مرزهای کشور در اقلیم شمال عراق را با عملیات آتشباری و حملات توپخانه ای هدف قرار داد



برگزاری

نشست های

مشترک میان

کنسولگری

جمهوری اسلامی

ایران و ریاست

حکومت اقلیم

کردستان در همین

چارچوب صورت

گرفت و در ادامه

به توافق تخلیه

مقرهای گروه های

کردی در خاک

اقلیم و تشکیل

نیروهایی متشکل

از نیروهای دولت

مرکزی عراق و

اقلیم کردستان در

مرزهای مشترک

انجامید



سیدرضا صدرالحسینی کارشناس مسائل بین الملل در گفت و گو با «ایران» موفقیت نقشه راه سیاست خارجی دولت را بررسی کرد

شگفتی غربی ها از گرایش کشورهای عربی به سوی ایران

● گفت و گو

بازگشت روابط ایران و عربستان به حالت عادی چه ظرفیت های بزرگی را در اختیار دو کشور، منطقه و جهان اسلام قرار خواهد داد؟ سیدرضا صدرالحسینی کارشناس مسائل بین المللی در پاسخ به این سؤال از دیپلماسی منطقه ای دولت برای حل چالش های متعدد موجود با همسایگان گفت و ایجاد ارتباط مجدد با عربستان سعودی را یکی از موفقیت های بزرگ دیپلماسی دولت سیزدهم دانست. مشروح این گفت و گو را ادامه می خوانید:

دولت سیزدهم از ابتدای روی کار آمدن خود، روی موضوع دیپلماسی منطقه ای حساب ویژه ای باز کرده بود. این دولت چگونه توانست موفقیت قابل قبولی در حل و فصل چالش های موجود با کشورهای منطقه به دست آورد؟

دولت سیزدهم زمانی که روی کار آمد و دستگاه دیپلماسی را در تابستان ۱۴۰۰ تحویل گرفت، با چالش های متعددی در روابط با کشورهای همسایه روبه رو بود. اما نقشه راه سیاست خارجی دولت سیزدهم این بود که در کوتاهترین زمان ممکن، چالش ها با همسایگان را حل و فصل کند و ارتباطات متوازن همراه با گسترش و تعمیق روابط بخصوص در حوزه اقتصادی برقرار سازد. دولت سیزدهم در طول نزدیک به دو سال حضور خود در مقام سیاستگذاری و اجرایی کشور به هیچ عنوان از این مسیر خارج نشد و تمام تلاش خود را بر این موضوع معطوف کرد که بتواند چالش ها و اختلافات و مشکلاتی را که با برخی کشورهای همسایه که اکثریت آنها کشورهای عربی و اسلامی هستند، حل و فصل کند. مهمترین موفقیت این دولت در حل و فصل چالش های منطقه ای، ایجاد

ارتباط مجدد با عربستان سعودی و تلاش برای تعمیق و گسترش روابط در حوزه های مختلف از جمله اقتصادی با این کشور بود. کارآیی الگوی سیاست خارجی دولت سیزدهم با این اتفاق، اثبات شد. در واقع، تحولات اخیر در گسترش و تعمیق روابط ایران با همسایگان عربی؛ قطر، امارات، کویت و عربستان، نشان از موفقیت نقشه راه سیاست خارجی دولت سیزدهم در نشانه گذاری برهمسایگان مؤثر است و این امر می تواند نمره بسیار خوبی را در کارنامه دستگاه سیاست خارجی و کارشناسان منطقه ای آن ثبت کند.

بعد از حل این چالش منطقه ای، طرح آشتی سایر کشورها با ایران را چگونه می بینید؟

حقیقت این است که بعد از حل اختلافات فیما بین جمهوری اسلامی و عربستان سعودی، گرایش کشورهای عربی به گونه ای به سمت جمهوری اسلامی پیش رفت که مورد شگفتی بعضی کشورهای غربی و حتی امریکایی ها شد. بعضی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس قطب نمای روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران با قطب نمای عربستان

همانگ می کردند، لذا تعمیق روابط میان ایران و عربستان بر بهبود روابط این کشورها با ایران کاملاً اثرگذار خواهد بود. در این راستا گسترش روابط کشورهای عربی - آفریقایی همچون مصر نیز در دستور کار قرار گرفته و به نظر می رسد که در کوتاهترین مدت ممکن این اتفاق هم رخ دهد. نباید فراموش کنیم که بیش از ۳۰ سال است که ارتباطات دیپلماتیک ما با کشور مصر به حداقل خود رسیده و چنین استقبالی از آشتی با ایران قابل توجه است.

شنیده می شود که بحرین هم یکی از این کشورهای منطقه خلیج فارس است که قصد ترمیم رابطه با ایران را در آینده نزدیک دارد.

در ابتدای گفت و گو تأکید کردم که طبق نقشه راه تعیین شده از سوی دولت سیزدهم، راهبرد سیاست خارجی متوازن با تأکید بر گسترش روابط با کشورها مدنظر قرار گرفت و در این مسیر از سرگیری و بهبود روابط با همه کشورها از جمله کشورهای منطقه هدف اصلی بوده است. بعد از احیای روابط با عربستان سعودی، راه برای گسترش روابط با کشورهای عربی و اسلامی باز شد. البته منظور از باز شدن راه این نیست که تاکنون همه راه ها بسته بود، بلکه امکان گسترش روابط بسیار سخت بود. هرچند بعضی دولت ها مانند بحرین، خود عامل قطع ارتباط با جمهوری اسلامی بودند و بسیاری از اموراتشان به ویژه در زمینه سیاست خارجی وابسته به عربستان سعودی است، پیش بینی این موضوع چندان دشوار نبود که بعد از احیای روابط ایران و عربستان، ارتباط میان ایران و بحرین بار دیگر برقرار شود.

تحولات اخیر در گسترش و تعمیق روابط ایران با همسایگان عربی؛ قطر، امارات، کویت و عربستان، نشان از موفقیت نقشه راه سیاست خارجی دولت سیزدهم در نشانه گذاری برهمسایگان مؤثر است و این امر می تواند نمره بسیار خوبی را در کارنامه دستگاه سیاست خارجی و کارشناسان منطقه ای آن ثبت کند

چه دستاوردهایی از قبل این موضوع قابل تحقق است؟

اگر بخواهیم به مهمترین دستاورد در حوزه حل مشکلات منطقه ای اشاره کنیم، باید گفت که افزایش ۴۰ درصدی صادرات به کشورهای منطقه، یکی از آنها است که مجموعه های اقتصادی اعم از دولتی و خصوصی توانستند از آن بهره لازم را ببرند. یکی دیگر از پیامدهای مهم گسترش و تعمیق روابط بین دو کشور مؤثر و قدرتمند در منطقه یعنی بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان می تواند در حوزه های مسائل مختلف از جمله انرژی، سرمایه گذاری های مشترک، توریسم یا گردشگری در حوزه های مذهبی باشد. غیر از آن، وجود این رابطه در افزایش امنیت بر منطقه تأثیرگذار خواهد بود. هرچقدر در غرب آسیا و به ویژه خلیج فارس افزایش امنیت توسط کشورهای عضو این منطقه ایجاد شود، از سوی غرب ما شاهد کاهش دخالت امنیتی و از سوی دیگر نیز شاهد نگرانی و ناراحتی رژیم صهیونیستی خواهیم دید.

این توافق چقدر توانست رژیم صهیونیستی را از آرزوی عادی سازی در منطقه دور کند؟ آیا می تواند سبب فاصله گرفتن رژیم صهیونیستی از کشورهای عرب منطقه شود؟

بازگشت روابط ایران و عربستان به حالت عادی، ظرفیت های بزرگی را در اختیار دو کشور، کشورهای منطقه و جهان اسلام قرار خواهد داد. به موازات شکسته شدن ایران هراسی و انزواخواهی ایران، پروژه نفوذ رژیم صهیونیستی در جهان اسلام با عادی سازی روابط با کشورهای اسلامی کند خواهد شد. ارتباط هر چه بیشتر ایران با عربستان و دیگر کشورهای عربی و مسلمان می تواند سبب فاصله گرفتن رژیم صهیونیستی از کشورهای عربی و مسلمان شود. به همین دلیل است که رژیم صهیونیستی که به عنوان مهمترین و خبیث ترین عامل منطقه به شمار می رود، از نزدیک شدن این دو کشور اظهار نگرانی کرده است و به طور علنی از گسترش روابط بین این دو کشور اظهار نارضایتی کرده که قطعاً نسبت به این روابط به دنبال ایجاد اختلال است. دخالت رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا به ویژه میان کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس به هیچ وجه به نفع منطقه

نیست، هرچند رژیم صهیونیستی در این موضوع بیش از حد تبلیغات و اغراق می کند، اما حل اختلافات، گفت و گوی رو در رو و مشخص کردن طرح امنیتی، قدرت منطقه ای به همراه مشارکت همه کشورها و منفعتی که کشورهای منطقه در طرح امنیتی می برند قطعاً در راستای حفظ منافع همه کشورهای منطقه است؛ لذا می توان فعالیت های اقتصادی و تجاری خود را افزایش و حرکت جدیدی در حوزه اقتصاد و تجارت منطقه ای شکل داد.

با چنین تحولاتی در منطقه آیا می توان گفت که نظمی که امریکایی ها در منطقه خاورمیانه برای خود ترسیم کرده بودند برهم خورده است؟

نکته قابل توجه در این مذاکرات، حذف امریکا از جایگاه پدرخواندگی روابط کشورهای منطقه و نقش فعال دو کشور به علاوه چین در احیای روابط میان ایران و عربستان است. این اتفاق نشان دهنده ضعف دولت امریکا در منطقه است. زیرا گواه آن است که امریکایی ها حتی در کشورهای هم پیمان خود در منطقه از جمله عربستان نفوذ خود را از دست داده اند چرا که آنها به هیچ عنوان علاقه مند به از سرگیری روابط میان ایران و عربستان نبوده و نیستند.

به نقش فعال چین در احیای روابط ایران و عربستان اشاره کردید. نقش میانجیگری چین را چگونه ارزیابی می کنید؟

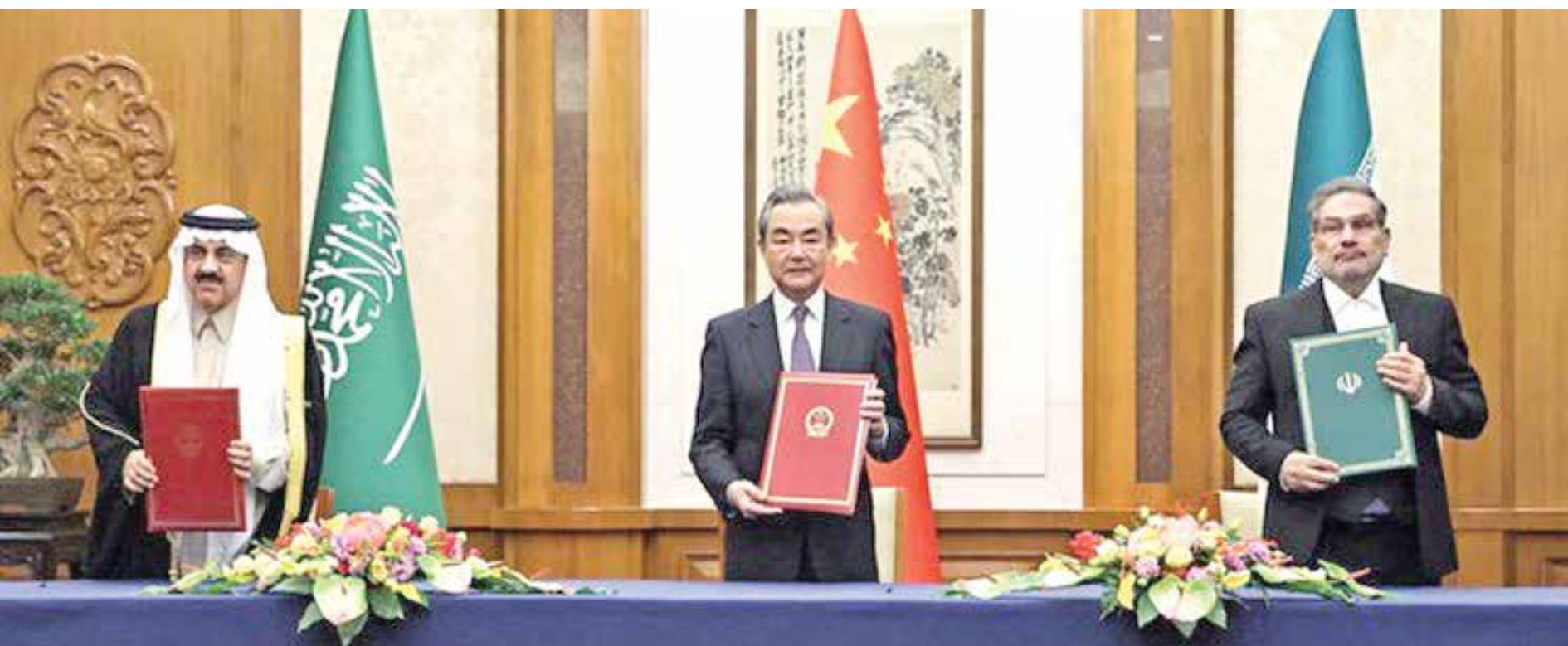
میانجیگری چین و ابتکار رئیس جمهور کشورمان در سفر به چین و طرح بحث با چینی ها برای حل و فصل اختلافات میان ایران و عربستان بسیار مؤثر بود و نشان می دهد جمهوری اسلامی ایران از نقش مثبت تمام کشورهای مؤثر در منطقه و جهان کمال استفاده را می کند و علاقه مند به نقش آفرینی سازنده آنها است. چین به خاطر نفوذ در میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و عربستان به سرعت توانست ادامه مذاکرات را میان ایران و عربستان در بغداد به نتیجه برساند و ایران و عربستان اذعان شدند که چین می تواند نقش بسیار مناسب و مثبتی را برای احیای روابط دو کشور ایفا کند و این بیانگر علاقه مندی چین به حضور مؤثر در منطقه برای حل و فصل اختلافات میان کشورها دارد.

به نظر برخی اما این نقش ایران در حل و فصل چالش های منطقه ای، در مورد افغانستان به نتایج مورد نظر نرسیده است. چرا؟

یکی از مسائل مهم دیگری که دولت سیزدهم در ابتدای روی کار آمدن با آن روبه رو شد، حاکمیت طالبان بر افغانستان بود. به زعم تعدادی از کارشناسان، این اعتقاد وجود داشت که فرار امریکایی ها از افغانستان و سپردن حاکمیت به طالبان، تله جدید امریکایی ها برای وارد کردن ایران به یک جنگ طولانی و فرسایشی در بیش از ۹۰۰ کیلومتر از مرزهای شرقی خود است. البته با سیاستگذاری های دقیقی که از جانب مقامات عالی کشور و همچنین نظارت شورای عالی امنیت ملی و انتصاب نماینده ویژه رئیس جمهور و فعالیت قابل تقدیر دستگاه سیاست خارجی در این مورد شکل گرفت، امروز ضمن وجود اختلافات بین جمهوری اسلامی ایران و حکومت سرپرست افغانستان در حوزه آبریزی هیرمند به داخل ایران، بسیاری از مشکلات حل و فصل شده است. مردم افغانستان احساس می کنند که همچنان مانند گذشته می توانند روی حمایت های جمهوری اسلامی و ملت ایران حساب ویژه ای باز کنند.

در همین راستا پذیرش تعداد زیادی از آوارگان جدید افغان از جانب جمهوری اسلامی در طول دو سال گذشته نیز شگفتی نهادهای بین المللی را در این رابطه به وجود آورده است. به نظر می رسد دولت سیزدهم مدیریت مناسبی در این حوزه جغرافیایی در طول دو سال گذشته داشته است. حالا می توانیم با اطمینان بگوییم که چشم اندازه رابطه بین دو ملت ایران و افغانستان و همچنین دو حکومت چشم انداز روشنی است.

این نکته را علی رغم تلاش های بدخواهان دو ملت بیان می کنم. صلح و ثبات و آرامش و ارتباطات فرهنگی و مرزی و اقتصادی برای هر دو کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به نظر نمی رسد که کشورهای فرامنطقه ای و سرویس های اطلاعاتی که در حال حاضر بشدت از حضور داعش در افغانستان حمایت می کنند، توانمندی این را داشته باشند که بین دو ملت خلل های غیرقابل جبران و یا چالش های حل نشدنی ایجاد کنند.



زمینگیر شدن «تل آویو» در پی سیاست مبتکرانه منطقه ای



تحلیل

یکی از مهم ترین پرونده های سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوره ریاست جمهوری آیت الله سید ابراهیم رئیسی، انزوای رژیم صهیونیستی بوده که از بستر تغییر ریل گذاری در مسیر روابط همسایگی، منطقه ای و فرامنطقه ای حاصل شده است. می توان شاخصه های این تغییر ریل گذاری و بازطراحی را در چند محور ارزیابی کرد؛ مواردی مانند توجه به ظرفیت های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دولت در روابط دوجانبه با همسایگان، اتخاذ رویکرد چندجانبه گرایانه در سطح منطقه ای و خنثی کردن طرح های ائتلافی گذشته علیه ایران، تلاش برای برقراری توازن میان شرق و غرب، احیای روابط با کشورهای منطقه و خنثی کردن طرح های ائتلافی گذشته علیه ایران، تلاش برای برقراری صلح و روابط دوستانه میان سایر کشورهای منطقه و پرهیز از نگاه های سهل انگارانه مانند دلبستگی به یک قطب قدرت و بی توجهی به قطب های دیگر از جمله مواردی هستند که یکی از خروجی های نهایی آنها زمینگیر کردن رژیم صهیونیستی و انزوای آن در منطقه و سطوح بالاتر است.

رابطه ایران و عربستان؛ عصبانیت صهیونیست ها

دومین رخداد محوری که در سطح منطقه و با میانجیگری یک بازیگر تراز اول بین المللی روی داد، بازسازی رابطه ایران و عربستان با وساطت چین بود. این اتفاق غیرمنتظره درست در زمانی رخ داد که صهیونیست ها بشدت روی طرح های عادی سازی روابط با دولت های عربی حساب باز کرده و به ثمربخشی آنها دلخوش بودند و از سوی دیگر، امریکا نیز منتظر نهایی شدن اجرای معاهدات عادی سازی بود تا رسماً پس از اغتشاشات سال ۱۴۰۱ و تضعیف ایران، نقطه ثقل حضور خود را از غرب آسیا به اطراف دریای چین منتقل کند. دولت بایدن پیش از آن در سند امنیت ملی خود حتی چین را به عنوان اصلی ترین تهدید علیه منافع ایالات متحده اعلام کرده بود؛ اما با ترمیم رابطه عربستان و ایران و به تبع آن، احیا و توسعه و تعمیق سایر کشورهای منطقه با ایران، عملاً تمام این طرح ها نقش بر آب شدند و اسرائیل به طرز بی سابقه ای پس از کمپ دیوید دوباره وارد حصار تنگ انزوا شد.

پس از این اتفاق، امریکایی ها به تطمیع عربستان روی آوردند و جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی بایدن را با هدف مدیریت همین پرونده به ریاض اعزام کردند که در نهایت، به در بسته خوردند و «خالد الفالح»، وزیر سرمایه گذاری سعودی با این گفته که «رابطه عربستان با امریکا به قیمت تمام شدن روابط این کشور با سایر کشورها نخواهد بود، بلکه تصمیمات سعودی براساس منافع خود است» نشان داد که طرف سعودی در ترمیم رابطه اش با ایران مصمم است. درهمین حال روزنامه «رأی الیوم» چاپ لندن،

سفر رئیسی به سوریه و استحکام بخشی به محور مقاومت

یکی از رویدادهای تاریخی و نمادین در سطح منطقه که دامنه پیام های آن یقیناً فراتر از منطقه را هم فراگرفت، حضور رئیس جمهور کشورمان در سوریه بود. این اتفاق که پس از ۲۱ سال رخ می داد و رئیسی اولین رئیس جمهور یک کشور بود که پس از بحران سوریه به دمشق رفته بود، از یک سو، نماد سیاست خارجی ظفرمندانه جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر، نماد شکست و ناکامی طرح ها و راهبردهای امنیتی امریکا و رژیم صهیونیستی و متحدانشان علیه محور مقاومت بود.

طبیعتاً نخستین سیگنالی که از فلسطین اشغالی پس از این رویداد به بیرون مخابره شد، ابراز نگرانی محافل سیاسی و رسانه ای نسبت به تحکیم قدرت و موقعیت ایران در منطقه و ایجاد یک هماهنگی عملیاتی بی سابقه میان اجزای محور مقاومت بود. شبکه ۳۱ رژیم صهیونیستی سفر رئیسی به سوریه را بسیار استثنایی خواند و اعلام کرد این سفر، رژیم صهیونیستی را نگران کرده است، بخصوص اینکه این اولین سفر رئیس جمهور ایران به سوریه بعد از سال ۱۱۰۲ به شمار می رفت. به اعتقاد این رسانه صهیونیستی جمهوری اسلامی ایران خواهان یکپارچه و متحد کردن محور ایران- حزب الله- حماس- جهاد اسلامی است و این باعث می شود که برنامه جدیدی درخصوص سیاست خاورمیانه پیاده کند. ازقضا همزمان با این تحولات بود که بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی مدعی شد که «این رژیم به ایران اجازه خفه کردنش را نخواهد داد».

اهداف سفر سالیوان به ریاض، تلاش برای احیای پروژه تشکیل جبهه منطقه ای برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران و پیگیری طرح عادی سازی رابطه با رژیم صهیونیستی را مورد توجه قرار داد و در گزارشی نوشت: «امریکا، عربستان را به عنوان همپیمان سنتی و ۰۳ ساله خود از دست داده و در حال حاضر در تلاش است که این رابطه را ترمیم کند؛ چرا که محمد بن سلمان به امریکا پشت کرد و به شرق یعنی چین و روسیه گرایش پیدا کرد و روابط خود را با همسایه خود ایران، از سرگرفت؛ مسأله ای که بزرگترین اهرم باج خواهی امریکا بود یعنی پراکندن بذر فتنه سیاسی و مذهبی بین تهران و ریاض».

مقام های امریکایی پس از آنکه سیاست تطمیع ناکام ماند، به تهدید عربستان روی آوردند و همان طور که می شد پیش بینی کرد، از اهرم های نرم افزاری مانند فشارهای حقوق بشری علیه دولت سعودی استفاده کردند. ضمن اینکه پیش از توافق تهران و ریاض نیز سعودی ها با درخواست دولت بایدن مبنی بر افزایش تولید نفت توسط اعضای اوپک پلاس برای مجازات روسیه در مهر ماه سال گذشته مخالفت کرده بودند که شدیداً موجبات نارضایتی امریکایی را فراهم کرده و در تغییر رفتار ایالات متحده با متحد سنتی خود در منطقه مؤثر بود.

اخیراً نیز روزنامه انگلیسی «گاردین» در گزارشی پیرامون توافق ایران و عربستان، نشانه های ریز و درشت در روند آشتی جوانانه میان تهران و ریاض را واقعی و صادقانه دانسته و آن را الگویی برای تداوم این مسیر برای سایر کشورهای منطقه عنوان کرد. «گاردین» با تأکید بر اینکه نتایج این توافق برای منطقه به صورت شتابان به پیش خواهد رفت، تصریح کرد که این اتفاق می تواند مهر تأییدی بر کاهش نفوذ واشنگتن و تضعیف اسرائیل در منطقه باشد.

در نتیجه روند پویای دیپلماتیک ایران به گونه ای صورت گرفته که سبب شده رژیم صهیونیستی نتواند برای جلوگیری از تحولات پرشتاب کنونی حتی روی امریکا به عنوان متحد راهبردی خود حساب باز کند؛ طنزآمیزتر اینکه امریکا نیز در این وضعیت، خصوصاً بعد از ناآرامی های داخلی رژیم صهیونیستی نشان داده تمایلی به پشتیبانی از اسرائیل نداشته و حاضر نیست هزینه چاه طلبی های سیاسی نتانیاهو را متحمل شود، حتی پس از تقاضای التماس گونه «بی بی» از امریکا مبنی بر اینکه «لااقل نقش فعالتری علیه ترمیم رابطه ایران و عربستان ایفا کند»...



بازسازی رابطه

ایران و عربستان

با وساطت چین

بود. این اتفاق

غیرمنتظره درست

در زمانی رخ داد

که صهیونیست

ها بشدت روی

طرح های عادی

سازی روابط با

دولت های عربی

حساب باز کرده و

به ثمربخشی آنها

دلخوش بودند

و از سوی دیگر،

امریکا نیز منتظر

نهایی شدن اجرای

معاهدات عادی

سازی بود تا رسماً

پس از اغتشاشات

سال ۱۴۰۱ و تضعیف

ایران، نقطه ثقل

حضور خود را از

غرب آسیا به اطراف

دریای چین منتقل

کند

نگاهی به نسبت بازتعریف الگوهای سیاست خارجی با امنیت ملی

ایران، پایه گذار ائتلاف های جدید منطقه

● امنیت

تجدید حیات سیاست خارجی در دولت سیزدهم از طریق تغییر ریل گذاری و بازطراحی راهبردها مانند پرهیز از ناهماهنگی بازوهای سیاست خارجی کشور، توجه به ظرفیت های سیاست خارجی همسایه محور در سطح منطقه و توازن گرایی در روابط فرامنطقه ای موضوعی است که یکی از نقاط قوت دولت سیزدهم محسوب می شود. رهبرانقلاب نیز در دیدار سلطان عمان در هشتم خرداد ماه سال جاری با این تعبیر که «این موضوعات نتیجه سیاست خوب دولت جناب آقای رئیسی برای گسترش و تقویت روابط با همسایگان و کشورهای منطقه است» بر آن مهر تأیید زدند. یکی از بنیادهای سیاست خارجی جدید خصوصاً در سطح منطقه، اتخاذ رویکرد چندجانبه گرایی و اعتماد به نظم بومی برآمده از مشارکت کشورهای منطقه بدون دخالت نیروهای بیگانه و بی اعتمادی به نظم مبنایرانیانه قدیم است؛ نظمی که مبتنی بر وجود یک ژاندارم وابسته به آمریکا مانند رژیم پهلوی و رژیم بعث عراق و نظیر آنها بود.

گام اول: بازتولید امنیت بومی

گذار از الگوهای قبلی و بازتولید نظم جدید، وابسته به تحقق پیمان های اقتصادی و امنیتی است که به عنوان نمونه، پیشقدم شدن ایران برای تشکیل یک ائتلاف دریایی بومی با حضور و مشارکت تمام کشورهای متصل به دریا و استقبال آنها از این طرح همزمان با خروج امارات از ائتلاف دریایی به رهبری آمریکا، از گام های مقدماتی این گذار است. طرح این ائتلاف دریایی را نخستین بار امیر دریادار شهرام ایرانی فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در گفت و گویی تلویزیونی مطرح کرد.

گام دوم: هماهنگی اجزا

دومین نشانه در بازطراحی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، به تهاجمی شدن بخش های مهمی از توانمندی های نظامی کشور باز می گردد، بخش هایی مانند صنعت موشکی و رونمایی از موشک های ابرفراصوت (هایپرسونیک) و نیز برگزاری رزمایش هایی که ماهیت تهاجمی دارند و از صورت های تدافعی کلاسیک فاصله

گرفته اند. یکی از مهم ترین رویدادها رزمایش «ذوالفقار ۱۴۱» در دی ماه سال گذشته بود که مورد توجه محافل سیاسی و رسانه ای رژیم صهیونیستی قرار گرفت. موضوعی که در این رزمایش صهیونیست ها را نگران کرد، شبیه سازی بندر ایلات به عنوان محل واردات انرژی (نفت) و مرکز گردشگری اسرائیل و هدف قرار دادن ماکت آن از طریق پهپاد بود. بنابر اعلام وبگاه تایمز اسرائیل، این رزمایش با استفاده از پهپادهای تهاجمی علیه ماکت این پایگاه انجام شد و ارزیابی تصاویر منتشر شده نشان می دهد که هدف از این عملیات پهپادی، تمرین حمله به این پایگاه ارتش اسرائیل در سواحل دریای سرخ بوده است.

رزمایش ذوالفقار و رزمایش مشترک ایران و روسیه و چین در دریای عمان در حالی برگزار شدند که اندکی بعد و در فروردین ماه سال ۲۰۴۱ ایران و عربستان ضمن توافق با وساطت چین، روابط خود را از سر گرفتند و پس از آن نیز موج ترمیم و توسعه روابط کشورهای منطقه با ایران به راه افتاد که مهم ترین آنها بحث احیای روابط مصر و ایران و نزدیکی بیش از پیش جمهوری اسلامی به کانال سوئز و مرزهای اسرائیل بود که سایه های نگرانی و هراس را بر سرزمین های اشغالی افکند. این رویدادها علاوه بر تمرین بخشی در روابط خارجی، پیام یا پیام هایی داخلی نیز داشته و دارند؛ مضمون پیام های داخلی رویدادهای اخیر، اولاً عبور از دوران برساخت دوگانه های برآمده از لجاجت های کودکانه با ملت و حاکمیت مانند دوگانه «دیپلماسی و میدان» و سهل انگاری در روابط بین الملل و ثانیاً پیام تثبیت موفقیت برخاسته از هماهنگی اجزا، اراده های قوی و پرهیز از بهانه جویی است. به هر تقدیر، بازتعریف الگوهای سیاست خارجی توسط دولت سیزدهم و انعقاد پیمان های دو جانبه، منطقه ای و بین المللی یکی از رخدادهای بنیادینی بود که هم از حیث داخلی و از طریق رونق بخشی به اقتصاد کشور می تواند امنیت آفرین باشد و هم از جهت برون مرزی می تواند سرچشمه های ناامنی در سطح منطقه را که یادگار چند قرن حضور نیروهای استعماری و پس از آن چندین دهه دخالت خونبار آمریکا و رژیم صهیونیستی است، بخشکاند.

«ایرانی» در بخش هایی از این مصاحبه گفت: «امروز کشورهای منطقه به این نقطه رسیده اند که اگر قرار است امنیتی در منطقه برقرار باشد، حتماً با هم افزایی و همکاری یکدیگر قابل انجام و برقراری است. در این راستا، ائتلاف های جدیدی در حال شکل گیری در منطقه و فرامنطقه است. به زودی شاهد آن خواهیم بود که منطقه ما از هر نیروی غیرموجه عاری شده و مردم منطقه با استفاده از سربازهای خود در حوزه امنیتی خود مسلط باشند. دریادار ایرانی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه کدام کشورها تقاضا دارند تا در اقدام اشتراکی منطقه ای به همراه ایران حاضر باشند، گفت: «ما پیش از این با عمان اقدام اشتراکی را داشتیم و اکنون عربستان این هدف گذاری را انجام داده و به آن ورود کرده است. امارات، قطر، بحرین، عراق، پاکستان و هند جزو این کشورها هستند. تقریباً همه کشورهای حوزه شمال اقیانوس هند به این باور رسیده اند که باید در کنار جمهوری اسلامی ایران قرار گیرند و به صورت مشترک با هم افزایی قابل توجه امنیت را برقرار کنند.»

پیام های مهم و متنوعی مانند اخراج نیروهای بیگانه از منطقه و خودباوری دولت ها و ملت ها برای ایجاد امنیت جدید در صحبت های فرمانده نیروی دریایی ارتش وجود دارد که مجال بررسی تفصیلی آنها فراهم نیست؛ همین مقدار اشاره می شود که این طرح ابتکاری برآمده از یک هماهنگی بی سابقه میان تمام اجزا و بازوهای سیاست خارجی و نفی دوگانه برساخته جریان های تجدیدنظرطلب مانند تقابل مجعول «میدان و دیپلماسی» است. از سوی دیگر و فراتر از آن، بازیابی توان دیپلماتیک کشور از طریق احیا و تقویت روابط با کشورهای منطقه، زمینه ساز برهم خوردن سیاست ایران هراسی و شیعه هراسی و نفی دوگانه های استعماری مانند دوگانه های ایرانی-عربی و شیعه-سنی و مانند آن شده که مبتنی بر سوءاستفاده از تمایزهای نژادی و مذهبی بوده هستند.



امروز کشورهای منطقه به این نقطه رسیده اند که اگر قرار است امنیتی در منطقه برقرار باشد، حتماً با هم افزایی و همکاری یکدیگر قابل انجام و برقراری است. در این راستا، ائتلاف های جدیدی در حال شکل گیری در منطقه و فرامنطقه است.





مصطفی مصلح زاده دیپلمات سابق درگفت و گو با «ایران» از سیاست همسایگی دولت سیزدهم گفت

تلاش برای فریززدایی روابط در صحنه بین الملل

● منطقه

با روی کار آمدن دولت سیزدهم، «سیاست همسایگی» به یکی از اولویت های دستگاه دیپلماسی تبدیل شد؛ آن هم در شرایطی که به گفته مصطفی مصلح زاده دیپلمات سابق، دولت قبلی نسبت به همسایگان، اگر نگوئیم بی توجه، بسیار کم توجه بود و یک سیاست خارجی شکست خورده را تحویل دولت بعد از خود داد. مصلح زاده با تقسیم بندی سیاست خارجی به ۴ بخش مختلف، از کاستی های دولت گذشته در برقراری ارتباط با کشورهای مختلف یاد کرد و گفت که دولت سیزدهم به دنبال فریززدایی از این روابط است. مشروح این گفت و گورادر ادامه بخوانید:

تنها یک بخش از سیاست خارجی ایران بود. بخش دیگری از سیاست خارجی ایران در قبال کشورهای جهان سوم در آمریکای جنوبی و آفریقا بود. دولت قبل تقریباً اقدام مهمی در ایجاد و یا بهبود رابطه با آنها انجام نداد و دچار نوعی تعلیق شده بود.

بخش سوم از سیاست خارجی که به دولت تحویل داده شد، بخش همسایگان و دولت های منطقه غرب و شمال آسیا شامل چین و روسیه و در واقع دولت های عضو شانگهای بود. در این دو مورد هم سیاست دولت قبلی، چیزی جز فریز کردن رابطه نبود. نمونه آن کشور چین بود. رئیس جمهور چین، به ایران سفر کرد و متأسفانه دولت قبلی پاسخی به خواسته های دولت این کشور نداد و وی کاملاً مأیوس به کشورش بازمی گردد. تا سال ۱۴۰۰ رابطه ایران و چین به صورت فریز شده باقی ماند. ما تا سال ها در این کشور سفیر نداشتیم و فقط در مواردی مانند برجام به این کشور روی می آوردیم. این نکته خیلی عجیبی است. روابط ایران با روسیه هم اینگونه بود. مگر در مواردی که به برجام مربوط می شد، کاری به روس ها نداشتیم. بخش چهارم از سیاست خارجی هم، منطقه

لازمه ارزیابی سیاست همسایگی دولت سیزدهم در مسیر حل چالش ها، این است که مقایسه ای با دولت گذشته انجام شود تا مشخص شود که در چه شرایطی کشور تحویل دولت سیزدهم شده و طبق همین شرایط تا چه اندازه توانسته در حل چالش ها موفق عمل کند. ارزیابی شما از وضعیت سیاست خارجی حاکم بر کشور در زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم چیست؟

دولت سیزدهم یک سیاست خارجی تقریباً شکست خورده را تحویل گرفت. به هر پروژه ای در زمان دولت قبل نگاه کنیم، آن را شکست خورده می بینیم. مهمترین پروژه دولت قبلی، بازاندیشی و بازسازی رابطه با آمریکا بود؛ من عمداً کلمه بازاندیشی و بازسازی را بطور توأمان بکار می برم. آمریکا در این بازاندیشی، اساساً دشمن محسوب نمی شد بلکه دوست و یا نهایتاً رقیب شناخته می شد. در مورد اروپا هم اینگونه بود. دولت قبل سعی داشت ارتباط نوینی را با کشورهای اروپایی ایجاد کند. دولت درهمه این استراتژی ها شکست خورد. سمبل آن هم برجام بود که نه آمریکایی ها و نه اروپایی ها، تقریباً به هیچکدام از تعهدات خود عمل نکردند. این

روابط با سوریه در دولت قبلی بشدت محدود شده بود. به طوری که نه رئیس جمهور حاضر به سفر به آنجا بود و نه حاضر بود قدمی در جهت گسترش روابط با سوریه بردارد. در مورد لبنان و عراق هم اینگونه بود. بسیاری از پروژه ها در دولت قبلی که مربوط به عراق و سوریه و لبنان بودند، تعلیق شدند

آسیای غربی را شامل می شود که البته برخی از کشورهای آن همسایه ایران هستند. بطور مثال، روابط با سوریه در دولت قبلی بشدت محدود شده بود. به طوری که نه رئیس جمهور حاضر به سفر به آنجا بود و نه حاضر بود قدمی در جهت گسترش روابط با سوریه بردارد. در مورد لبنان و عراق هم اینگونه بود. بسیاری از پروژه ها در دولت قبلی که مربوط به عراق و سوریه و لبنان بودند، تعلیق شدند. راه آهن خرمشهر-بصره در طول ۸ سال دولت قبلی حتی یک متر هم پیشروی نداشت.

برای راه خاکی ایران-عراق-سوریه که از مرز بوکمال رد می شود حتی یک قدم هم برداشته نشد. اینها پروژه های بسیار مهم ایران بوده است؛ هم به لحاظ همسایگان و هم به لحاظ منطقه ای که مربوط به بلوک مقاومت می شده است.

پروژه اربعین هم همین بود. یادمان هست که مردم در چه شرایط سختی به اربعین می رفتند اما دولت قبل اقدام در خوری انجام نداد. در حالیکه بلافاصله با روی کار آمدن دولت جدید، با حذف ویزا زائران به راحتی به عراق سفر کردند.

نزدیک به دو سال از روی کار آمدن دولت سیزدهم می گذرد، حالا وضعیت این پروژه ها در چه شرایطی قرار دارند؟

الان هم راه های خاکی در حال پیگیری است و هم راه راه آهن. این مقایسه نشان می دهد که توجه به دولت های همسایه و کشورهای بلوک مقاومت در دو دولت چقدر با هم تفاوت داشته است. دولت فعلی در دومین سال حضورش به سوریه سفر داشته است.

در حالی که رئیس جمهور قبلی ۸ سال حاضر



منطقه ای به سختی کنشگر بودند، رئیس دولت سیزدهم رکورد سفر به کشورهای منطقه را شکست. اما این در حالی است که علاوه بر آقای رئیسی باید سایر مقام ها و وزرا نیز مرتب به سفرهای منطقه ای بروند و با شناسایی مشکلات، زمینه را برای توسعه روابط فراهم کنند.

چرا سطح مناسبات ایران در عرصه اقتصادی و حوزه های دیگر که خود از مؤلفه های تعیین کننده قدرت در منطقه به شمار می آیند، هم سطح این نقش منحصر به فرد در زمینه تعیین استراتژی های سیاسی نیست؟

متأسفانه ایران در حالی که به همه نشان داد چه نقش مهمی در فرایند تحولات استراتژیک منطقه دارد ولی در بخش های دیگر هنوز نتوانسته است، قدرت خود را نمایان کند.

دولت قبلی با رها کردن دیپلماسی اقتصادی همه تمرکز خود را بر دیپلماسی برجانی گذاشته بود و همه منطقه و کل آسیا را رها کرده بود و سراغ اروپایی ها و امریکایی ها رفته بود. به این ترتیب انواع وجوه دیپلماسی در منطقه از جمله در زمینه دیپلماسی مذاکرات، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی فرهنگی و عمومی و حتی دیپلماسی قضایی و حقوقی در واقعیت مغفول مانده بود.

یعنی دولت پیشین نتوانست با به پای تحولات میدانی و استراتژیک پیش برود؛ قطر مصداق بارزی از این سیاست انفعالی دولت پیشین در منطقه به شمار می آید. زمانی که قطر نیاز شدید اقتصادی پیدا کرد که بتواند از محاصره کشورهایمانند عربستان و امارات و بحرین خارج شود، ایران نتوانست از دیپلماسی اقتصادی استفاده کند و خود را به عنوان منجی اقتصاد قطر مطرح کند در حالی که ترکیه این کار را کرد.

در مجموع سهم ایران در اقتصاد کشورهای منطقه غرب آسیا بسیار کمتر از سایر کشورهای فعال است که این نشان می دهد فاصله دیپلماسی اقتصادی ایران با دیپلماسی استراتژیک آن بسیار عمیق است.

از کاهش تنش ها است. مهمترین آن را شاید بتوان از سرگیری رابطه ایران و عربستان دانست. عربستان در گذشته با ایران تقابلاتی داشته اما حالا با دوستی دوباره ایران و عربستان، همه این نقشه ها به پایان رسیده است. بحران قطر با کشورهای حوزه خلیج فارس، پایان پیدا می کند، بحران یمن رو به کاهش است و احتمالاً آتش بس فعلی به قرارداد صلح منجر شود. درهمه اینها البته جا پای عمانی ها هم به عنوان میانجیگر اصلی دیده می شود.

مقام های دیپلماسی کشور در راستای به اجرا درآوردن اهداف تعیین شده در سیاست منطقه ای دولت سیزدهم، ریزنی های سیاسی و اقتصادی با بسیاری از کشورهای دور و نزدیک را در دستور کار قرار داده اند. تحولات حاکم بر منطقه را برای به کارگیری ایران از ظرفیت های مغفول چگونه می بینید؟ سیاست منطقه ای دولت سیزدهم تا چه اندازه امکان احیای وجوه مختلف دیپلماسی در عرصه های مورد نیاز را فراهم کرده است؟

تمرکز دولت جدید بر توسعه همه جانبه رابطه با دولت های منطقه تحولات متعددی را ایجاد کرده است اما تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی وجود دارد. اگر منطقه غرب ایران را شامل عراق، سوریه، لبنان و یمن در نظر بگیریم و بخش شمال را شامل آذربایجان، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ترکمنستان، بخش شرق را شامل پاکستان، افغانستان، هند، بجز چین و روسیه و همچنین قسمت جنوب ایران را کشورهای حوزه خلیج فارس در نظر بگیریم، باید گفت دولت سیزدهم در ارتباط با همه این کشورها تحول ایجاد کرده است.

این تحول فقط شامل تقویت نقش ایران در سازمان های منطقه ای همچون «شانگهای» نیست بلکه اتفاقاً دولت توانسته این تحول را بویژه در روابط دوجانبه صورت دهد. برخلاف مقامات قبلی که بویژه در رابطه با مناسبات

به انجام این سفر نشد. این موارد نشان می دهد که اساساً دولت قبلی چقدر نسبت به همسایگان، اگر نگوییم بی توجه، کم توجه بوده است.

بنابراین سه منطقه بزرگ برای این دولت حائز اهمیت است. منطقه جنوب که شامل کشورهای حوزه خلیج فارس می شود، منطقه غرب، که کشورهای بلوک مقاومت را در خود جای داده و منطقه شرق و شمال شرق که به عنوان منطقه شانگهای از آن نام می برند. سیاست دولت فعلی در هر سه منطقه تحول بزرگی ایجاد کرده است.

کما اینکه بلافاصله بعد از پایان دولت قبلی، عضویت ایران در سازمان همکاری های شانگهای تثبیت شد.

این نشان می دهد که چقدر دولت فعلی به این سه منطقه توجه داشته است.

سفر رئیس جمهور به منطقه شانگهای و همچنین به منطقه غرب از جمله سوریه و همچنین کشور قطر در همین نزدیک به دو سال انجام شده است. در صورتی که دولت قبلی کاملاً به این سه منطقه بی توجه بوده و نگاهی به اهمیت این مناطق نداشته است.

وضعیت منطقه با توجه به تحركات دیپلماسی که در حال انجام است، به کجا خواهد رسید؟ با توجه به اینکه ایران و عربستان هم چندی پیش برای از سرگیری روابط خود، تصمیمات مهمی اتخاذ کرده اند چه آینده ای را می توان برای منطقه ترسیم کرد؟ همچنین امریکا و اسرائیل برای چنین وضعیتی چه عکس العملی از خود نشان خواهند داد؟

با توجه به تحولاتی که در مناسبات منطقه ای رخ داده است، چالش های منطقه هم رو به کاهش گذاشته شد. از منطقه آسیا طی دهه گذشته به عنوان بحرانی ترین منطقه جهان یاد می شد که جنگ های متعدد و بحران های تروریستی زیادی را به خود دید. اما حالا همه چیز تغییر یافته است. پایان بحران سوریه و بازگشت این کشور به اتحادیه عرب یک نمونه



دولت قبلی با رها کردن دیپلماسی اقتصادی همه

تمرکز خود را بر دیپلماسی برجانی گذاشته بود و همه منطقه و کل آسیا را رها کرده بود و سراغ اروپایی ها و امریکایی ها رفته بود. به این

ترتیب انواع وجوه دیپلماسی در منطقه از جمله در زمینه دیپلماسی مذاکرات،

دیپلماسی اقتصادی،

دیپلماسی فرهنگی و عمومی و حتی دیپلماسی قضایی و حقوقی در واقعیت مغفول مانده بود



رویکرد واقع گرایی در زمین مذاکرات هسته‌ای

نگاهی به عملکرد دوساله دولت در عقب راندن غرب

● هسته ای

کوشید تحریم‌های زنجیره‌وار آمریکا را در قالب بیانیه‌ها و مواضع سیاسی بی پاسخ نگذارد اما در واقع پاسخ صریح دولت او به این اقدام تنها از یک ذهن ساده‌انگارانه برمی‌آید که از درک پیچیدگی‌های وضعیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی عاجز است. اما آنچه از نگاه دولت وقت در سیاستی که آن را «صبر استراتژیک» می‌نامید، مغفول مانده بود، این واقعیت بود که ممانعت تهران از نشان دادن کمترین واکنش عملی، می‌توانست عزم آمریکا در پیگیری سیاست فشار حداکثری را جزم‌تر کند و محاسبات دولتمردان آمریکایی را بویژه از نقطه‌ای که انتظار آن را ندارد، برهم زده و دست‌کم این کشور را متوجه عواقب اقدامات بعدی خود علیه ایران نماید.

نبض جدید مذاکرات

پس از چند دور مذاکره بی حاصل در دولت پیشین که غرب در خلال آن کوشید توپ برجام را به زمین ایران بیندازد، دولت سیزدهم با سازگاری جدید

خروج از توافق گرفت و در پی همین تصمیم بود که علاوه بر بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای، مجموع تحریم‌های جدیدی را علیه ایران به بهانه‌های غیرهسته‌ای در دستور کار قرار داد؛ تحریم‌هایی که تصمیم‌گیرندگان، آن را در چارچوب سیاست فشار حداکثری به مرحله اجرا گذاشتند و کوشیدند از قبال این سیاست، خواسته‌های نامعتبر خود را محقق سازند.

اصلی‌ترین سؤالی که فردای خروج آمریکا از توافق توسط ناظران سیاسی مطرح شد، این بود؛ حالا که آمریکا از برجام خارج شده است، ایران چه می‌کند؟ پرسشی که اصلی‌ترین مسأله حاکمیت و نهادهای تصمیم‌گیر به شمار می‌رفت و جواب‌های متعددی نیز برای آن مطرح بود. اما آنچه در هفته و ماه‌های پس از خروج مهم آمریکا روی داد، سکوتی بود که دولت حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران در قالب سیاستی موسوم به «صبر استراتژیک» در پیش گرفت. در این میان اگرچه دولت روحانی

ناظرانی که طی ماه‌ها و هفته‌های گذشته توجه خود را به اخبار پیدا و پنهان مذاکرات رفع تحریم‌ها و تبادل پیام غیرمستقیم ایران و ایالات متحده معطوف کرده، شاهد تحولاتی در این میدان دیپلماتیک بوده‌اند که در آن، ایران به پشتوانه بهره‌گیری توانان رویکرد مقاومت و دیپلماسی پیش‌تازانه، افق‌های روشنی را برای تحقق اهداف حداکثری جمهوری اسلامی در عرصه فعالیت‌های هسته‌ای، اقتصادی و سیاسی به تصویر کشیده است.

۵ سال پیش یعنی ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ بود که دولت وقت آمریکا در رویکرد بدعهدشانه خود نسبت به تعهدات بین‌المللی‌اش، تصمیم به



دولت روحانی
کوشید تحریم‌های
زنجیره‌وار آمریکا را
در قالب بیانیه‌ها
و مواضع سیاسی
بی پاسخ نگذارد
اما در واقع پاسخ
صریح دولت
او به این اقدام
تنها از یک ذهن
ساده‌انگارانه
برمی‌آید که از
درک پیچیدگی‌های
وضعیت داخلی،
منطقه‌ای و
بین‌المللی عاجز
است



نبض مذاکرات وین را در دست گرفت. در آغاز این مذاکرات، سخن رئیسی به عنوان مسئول اصلی این حرکت ملی گویاتر از آن بود که تأویل پذیرد، آنجا که گفت: «مذاکرات برای احیای توافق هسته‌ای در دستور کار دولت قرار دارد، اما این مذاکرات نمی‌بایست تحت فشار کشورهای غربی برگزار شود.» این نگاه روشن، نقطه کانونی سازکاری شد که دولت سیزدهم در آغاز به کار خود طراحی کرد. در حالی که مذاکره در ماه‌های آخر کار دولت روحانی با طرح موضوعات غیر برجانی از سوی آمریکا به پایان رسید و عملاً راه به جایی نبرده بود، دولت رئیسی دیپلمات‌های خود را با هدفی روشن و راهی پیدا به وین فرستاد. هیأت ایرانی به ریاست علی باقری دو طرح با موضوع رفع تحریم‌ها و دیگری اجرای تعهدات برجانی ایران روی میز گذاشت. این پیشنهادات به اندازه‌ای قابل اجرا و مبتنی بر خواسته‌هایی روشن بود که از همان آغاز امیدهای جدی برای رسیدن به نتیجه شکل گرفت و بتدریج پررنگ‌تر شد. روند چنین بود؛ ایران به گواه ۱۷ گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به همه تعهدات برجانی خود پایبند مانده اما در مقابل، حاصلی جز تحریم بیشتر به دست نیاورده بود. فشاری که هرچند ایران با پیگیری سیاست متوازن از سوی دولت سیزدهم کوشید هزینه‌های آن را کاهش دهد اما به آن معنا نبود که دولت آمریکا از

پیامدهای این رویکرد زورگویانه خود درامان بماند. از این رو رئیسی در تلافی روندی که آمریکا در پیش گرفته بود، از یک سو بخش مهمی از تعهدات هسته‌ای جمهوری اسلامی را در چارچوب «قانون راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» متوقف کرد و از سوی دیگر مسیر دیپلماسی را با دستور کار مشخصی که به دیپلمات‌هایش داده بود، ادامه داد. پیدا بود خواسته لغو همه تحریم‌های برجانی و همه تحریم‌های فرابرجانی و گرفتن تضمین‌های قابل اتکا از طرف‌های غربی بویژه آمریکا اصلی‌ترین خواسته ایران باشد؛ خواسته‌ای که هیأت دیپلماتیک کشورمان آن را در یک طرح عملیاتی و با سازکاری مشخص روی میز وین گذاشته بود.

آغاز جنگ روانی

حضور هوشمندانه هیأت ایرانی که به وضوح مشخص کرده بود برای رفع مؤثر تحریم‌ها و حراست از هرگونه توافق احتمالی چاره‌جویی کرده است، برای طرف‌های اروپایی و آمریکایی باری از غافلگیری داشت. همین کافی بود تا واشنگتن در پیچ مهم تصمیم‌گیری که بهار سال گذشته با آن روبه‌رو شد، از گرفتن هر تصمیمی خودداری کند و مذاکرات را به بن‌بست بکشاند. این در حالی بود که ایران به آخرین پیشنهادات تبادل شده با واسطه‌گری «جوزپ بورل»، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پاسخ روشنی داده و در عین حال با رضایت دیگر کشورهای عضو مذاکرات روبه‌رو شده بود. چنین بود که ایالات متحده در مواجهه با ناکامی‌های پیش آمده به سمت و سوی عملیات روانی علیه ایران روی آورد. در توسل به این بازی روانی بود که سمت و سوی تمرکز غرب معطوف وقایعی شد که جریان‌های تجزیه‌طلب و اغتشاش‌گر در ایران در پی درگذشت مهسا امینی در شهر یورماه گذشته کلید زدند. در پی آن، تعلل طولانی مدت ایالات متحده برای تصمیم‌گیری در زمین مذاکرات رفع تحریم‌ها به جای آنکه متوجه رویکرد ادعایی این کشور یعنی دیپلماسی باشد، بر یک جنگ روانی متمرکز شد و در ۳ پرده به نمایش درآمد. این نمایش از یک سو در تلاش‌های برنامه‌ریزی شده‌ای به جریان افتاد که با هدف اثرگذاری بر رفتار مردم ایران و منحرف کردن اذهان آنها از واقعیات صحنه بین‌الملل و آثار سیاست تحریم‌های ظالمانه آمریکا طراحی شده بود. تلاش برای شریک‌سازی ایران در جنگ اوکراین و گشودن پرونده‌های جعلی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران دومین و سومین وجه از این سناریوی جنگ روانی به شمار می‌آمد. در این راستا اصلی‌ترین چالش اما همانی بود که سه کشور اروپایی طرف مذاکره در کنار آمریکا سعی بسیار در ندیدنش داشتند؛ یعنی رفع همه تحریم‌های برجانی و فرابرجانی و موانعی که از انتفاع اقتصادی ایران با همه کشورها ممانعت به عمل می‌آورد.

تلافی جویی اثرگذار

در این میان مهم نبود تروئیکای اروپایی چگونه کوشیدند با قرار گرفتن در کنار آمریکا برای به اجرا درآوردن جنگ روانی، انفعال و ناکامی خود در پیگیری اقدامات موازنه‌ای در مقابل تحریم‌های آمریکا را از حافظه مردم ایران پاک کنند، بلکه مهم آن بود که جمهوری اسلامی این بار قصد نداشت زیر بار پذیرش تعهداتی برود که مابه‌ازای آن فقط یک امضای بی‌اثر روی کاغذ رئیس‌جمهور آمریکا باشد و از سوی دیگر عمر توافق را به اراده دولت‌های حاکم در آمریکا گره بزند. اما همه اینها در حالی بود که گزارش‌های متعددی که خبرگزاری‌های غربی وابسته به همین کشورها در ماه‌های اخیر درباره روند فروش نفت ایران منتشر می‌کردند،



**رئیسی در مدت
گذشت ۲ سال از
عمر دولتش گرچه
برای برچیدن حصار
تحریم‌ها گام‌های
جدی برداشت با
این حال کوشید
این تصور را که همه
مشکلات اقتصادی
کشور در گروی
رفع تحریم‌ها و
احیای فرایند برجام
است، از اذهان
عمومی بزدايد و
از تغییرات برآمده
از تغییر رویکرد
ایران در سیاست
خارجی پشتوانه‌ای
قابل اتکا در عرصه
بین‌المللی بسازد**

نشان می‌داد مقام‌های آمریکایی بیش از آنچه باید به رویکرد موهوم تحریمی خود برای از پا انداختن ایران اتکا کرده بودند. اواخر سال گذشته بود که خبرگزاری رویترز اعلام کرد، ایران راه‌های جایگزین برای بی‌اثر کردن تحریم‌های آمریکایی و فروش نفت به بازارهای آسیایی را پیدا کرده است. چه یافتن راه‌های گریز قانونی از تحریم‌ها در ترکیب با درآمد نفتی که فروش آن را به شمار زیادی از کشورها امکان‌پذیر می‌کرد، سبب شد بر خلاف تصورات، ایران دست برتر را در مواجهه دیپلماتیک با غرب پیرامون رفع تحریم‌ها پیدا کند. به موازات افزایش تدریجی قدرت جمهوری اسلامی در یافتن ابتکار عمل برای تحقق منافع اقتصادی‌اش، چرخ سانتریفیوژهای پیشرفته ایران با سرعتی چندبرابر به گردش درآمد و آژانس از دسترسی به نظارت‌های آزادانه و بدون محدودیت بر روند فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان محروم ماند تا طرف‌های برجانی چاره‌ای جز قرار دادن مذاکرات رفع تحریم‌ها در مسیر درست خود نداشته باشند.

ناکامی و شکست آمریکا

سناریوی جنگ روانی نه‌تنها ایالات متحده و همپیمانان اروپایی‌اش را به آنچه از قبال فشار بر ایران جست‌وجو می‌کردند، نرساند که از سوی دیگر معلوم شد ترکش‌های سیاست فشار حداکثری به جای آنکه ایران را نشانه رود، طرف‌های مقابل را هدف قرار داده است؛ از یک سو درک مشترک ایران و قدرت‌های بزرگ آسیا همچون روسیه و چین از خطرات دامنه‌دار رویکرد یکجانبه‌گرایانه آمریکا، این کشورها را به سمت و سوی تقویت همکاری‌های همه‌جانبه کشاند. مناسباتی که بویژه پس از آغاز به کار دولت رئیسی در عرصه مناسبات سیاسی و اقتصادی دوجانبه و چندجانبه روند رو به پیشرفتی تجربه کرده و باعث شد چنین سطحی از همکاری به دیگر حوزه‌های دفاعی، امنیتی و سیاسی تسری یابد. از سوی دیگر توافق ایران و عربستان برای ازسرگیری رابطه پس از ۷ سال بن‌بست به آغاز فصل جدیدی از مناسبات ایرانی-عربی انجامید و امکان‌های جدیدی را برای دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی گشود. این چنین سیاست خارجی ایران در توسعه رابطه با قدرت‌های بزرگ خاورمیانه و آسیا مایه نگرانی آمریکا شد. رئیسی در مدت ۲ سال از عمر دولتش گرچه برای برچیدن حصار تحریم‌ها گام‌های جدی برداشت با این حال کوشید این تصور را که همه مشکلات اقتصادی کشور در گروی رفع تحریم‌ها و احیای فرایند برجام است، از اذهان عمومی بزدايد و از تغییرات برآمده از تغییر رویکرد ایران در سیاست خارجی پشتوانه‌ای قابل اتکا در عرصه بین‌المللی بسازد.

به این ترتیب تیم هسته‌ای دولت رئیسی تا اینجای کار مسیر صعب و سخت مذاکره با قدرت‌های جهانی را در سایه تدبیر رهبری نظام و به پشتوانه انسجام داخلی پیموده است. در این مدت حمایت صریح و بی‌وقفه بالاترین مرجع نظام از تیم مذاکره‌کننده راه را بر هرگونه تردیدافکنی نسبت به رفتار و اهداف این هیأت دیپلماتیک بسته و روشن شده که در سایه وفای نهادهای نظام می‌توان سیاست خارجی را که پیش از این گمان می‌رفت میدان زورآزمایی و تنش است، به منبع اقتدار و تفاهم تبدیل کرد. از این رو به نظر می‌رسد آمریکا در مواجهه با ایران که پیشرفت خیره‌کننده‌ای در صنعت هسته‌ای خود تجربه کرده در کنار پیگیری موفق سیاست مقاومت در برابر تحریم‌ها چاره‌ای جز جبران مافات خراج یکجانبه از برجام و دستیابی به توافق نداشته باشد؛ توافقی که بی‌تردید نتیجه ملموس آن در زمین منافع ملی پدیدار خواهد شد. زمان زیادی باقی نمانده تا مشخص شود آیا کاخ سفید آمادگی پذیرش تعهدات توافق مورد نظر تهران را دارد یا نه.

نوع مواجهه جمهوری اسلامی در برابر این فشارها باید مبتنی بر چه رویکردی باشد؟

ما براساس اصول و قوانین خود، کارها را پیش می‌بریم و هرگز تحت تأثیر فشارهای اروپایی‌ها قرار نگرفته و نخواهیم گرفت. یکی از ظرفیت‌های ایران در برابر اظهارنظرات اروپایی‌ها در مورد مسائل حقوق بشری، می‌تواند خود را در زمینه اجرای حکم تروریست‌های جنایتکار نشان دهد. مثلاً رهبر یک گروهک تروریستی که طی سال‌های گذشته جنایت‌های زیادی را در ایران مرتکب شده، دادگاهی شده و به اعدام محکوم می‌شود. اما اروپایی‌ها طی ماه‌های گذشته به کرات بیانه‌هایی را صادر کرده‌اند تا مخالفت خود را با اعدام وی نشان دهند. جمهوری اسلامی طبق قوانین داخلی خود همواره برخورد کرده و این بارهم انتظار افکار عمومی این است که بتواند در برابر این فشارها ایستادگی کند. ایران در برابر بیانه‌های اروپا باید همچون موارد پیش از این، ایستادگی کرده و در برابر اجرای احکام اینچنینی کوتاه نیاید.

می‌توان هدف اصلی از طرح ادعاهای حقوق بشری علیه ایران را، در چهارچوب تحقق منافع سیاسی این کشورها درباره موضوعات دیگر همچون پرونده مذاکرات برای رفع تحریم‌ها دانست؟

اروپایی‌ها برای اینکه ادعا کنند که درهمگرایی کامل با سایر کشورها، عمل می‌کنند موضوعی به اسم حقوق بشر را پیش می‌کشند. این اقدام در وهله اول، پاسخ به نیاز درونی اروپا است تا اینکه موضوعی برای متهم کردن یک کشور دیگر باشد. این اتفاق درباره روابط اروپا و چین هم رخ داد. درماه‌های گذشته کشورهای مختلف اروپایی گوی سبقت را برای نزدیک شدن به چینی‌ها و افزایش مبادلات تجاری خود با این کشور، از هم ربودند. آنها نمی‌توانند نیاز خود را به چین کتمان کنند اما زمانی که در جمع خود در پارلمان اروپا حضور دارند، برای اینکه نشان دهند که یک اروپای واحد هستند چین را به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند. بنابراین حقوق بشر اساساً در اروپا به عنوان یک موضوع پیونددهنده بین کشورهای اروپایی مطرح می‌شود؛ یعنی بیشتر یک ژست اتحاد است تا اینکه موضوعی برای اتهام باشد. در قبال ایران هم چنین سیاستی را در دستور کار دارند.

به هر حال کشورهای اروپایی همچنان رویکرد فشار علیه جمهوری اسلامی را از زاویه همین موضوع دفاع از حقوق بشر دنبال می‌کنند و به بهانه آن، هرزمانی تصویب تحریم‌های جدیدی را در دستور کار قرار می‌دهند. این در حالی است که این کشورها خود به تریبونی برای جریان‌های تروریستی علیه ایران تبدیل شده‌اند. نمونه آن نیز دعوت از رهبر گروهک منافقین به پارلمان اروپا طی هفته‌های گذشته است. ارزیابی شما چیست؟

یک نکته را نباید در مورد رابطه اروپا با منافقین فراموش کرد. در دوره‌ای که آمریکا به همراه متحدانش به عراق حمله کرده بود، منافقین درکنار صدام با جبهه غرب جنگیدند. در آن موقع، غربی‌ها با پیشگامی استرالیا و در ادامه با همراهی سایر کشورهای اروپایی، منافقین را در لیست گروه‌های تروریستی قرار



عابد اکبری درگفت و گو با «ایران» درباره سیاست خارجی دولت در مقابل اروپا مطرح کرد

سیاست تهدید زدایی و احترام متقابل

● گفت‌وگو

«سیاست خارجی دولت سیزدهم طی دو سال گذشته در قبال اقدامات دولت‌های اروپایی، همواره مبتنی بر دو اصل مهم احترام متقابل و رفع تنش و تهدید بوده است». عابد اکبری کارشناس ارشد مسائل اروپا درگفت و گو با «ایران» با بیان این جمله، به واکاوی سیاست‌های دولت سیزدهم در حوزه سیاست خارجی پرداخت. او معتقد است که بکارگیری دو اصل فوق‌الذکر نقش مهمی در احیای روابط ایران با کشورهای منطقه از جمله عربستان داشته و در ادامه هم می‌تواند در مقابل رفتارهای اروپایی‌ها که همواره از اهرم‌های فشار خود علیه ایران استفاده می‌کنند، از کارایی بالایی برخوردار باشد. مشروح این گفت و گو را در ادامه می‌خوانید.

رویکرد دولت سیزدهم در رویارویی با اقدامات اروپا در موضوعاتی همچون آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، برجام و مهم‌تر از آن، مسائل حقوق بشری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

طی نزدیک به دو سال گذشته سیاست خارجی دولت سیزدهم، همواره براساس دو اصل مهم «احترام متقابل» و «رفع تنش و تهدید» استوار بوده است.

این اصول در همین روزهای اخیر، در احیای روابط دو کشور ایران و عربستان بکار گرفته شد و نتایج مثبتی را هم به همراه داشت. دولت سیزدهم همین سیاست را در قبال سایر کشورها هم در پیش گرفته و همواره سعی کرده که سیاست خارجی خود را توسعه ببخشد.

همانگونه که شاهد بوده ایم در طول نزدیک به دو سالی که از روی کار آمدن دولت سیزدهم می‌گذرد، مقامات سیاسی ایران سفرهای زیادی به برخی از کشورهای اروپای شرقی داشته‌اند که البته تعاملاتی هم در این زمینه شکل گرفته است. اما سیاست کشورهای اروپای غربی در قبال ایران تا میزان زیادی متفاوت است.

آنها به طور متمرکز در طول یک سال گذشته، برافزایش تنش در روابط دوجانبه تأکید داشته‌اند.

طبیعی است که در چنین شرایطی، مصلحت،



جمهوری اسلامی

ایران در یک سال

و نیم گذشته

یعنی پس از روی

کارآمدن دولت

سیزدهم، روی

اصول و ارزش‌هایی

که براساس آن سعی

می‌کند همواره

سیاست خارجی

خود را دنبال کند،

رفتار کرده و نباید

انتظار داشته باشیم

که در برابر تنش

آفرینی طرف اروپایی

به بهانه حقوق بشر

یا سایر موضوعات

مربوط به جمهوری

اسلامی، یک

سیاست منفعلانه را

در پیش بگیرد



دولت سیزدهم بر روند توسعه همه جانبه رابطه با کشورهایی که تا پیش از این خیلی در سیاست خارجی به آنها توجه نشده بود، تمرکز ویژه ای کرده است. این تصمیم را می توان در چهارچوب تحقق اهداف سیاسی و دیپلماسی اقتصادی دولت سیزدهم ارزیابی کرد؟

می توان با اطمینان گفت که اتفاق ویژه ای در حوزه سیاست خارجی در دولت سیزدهم رخ داده است. در یک ارزیابی ۲۰ ساله از سیاست خارجی ایران می توان گفت، تحولی که در نزدیک به دو سال گذشته رخ داده این است که ما فراتر از سفرها و تعاملاتی که با کشورهای مختلف برقرار شده، دارای یک سیاست خارجی دارای اولویت و با برنامه شده ایم. مثالی برای تأیید این گزاره می آورم؛ آفریقا منطقه ای است که امروز در دنیا خیلی از کشورها هدف گذاری اقتصادی بسیاری برای آن داشته اند. ما طی سال های قبل از روی کار آمدن دولت سیزدهم تقریباً هیچ توجهی به آفریقا نداشتیم. در حالی که کشور رقیبی مانند ترکیه در منطقه در ۱۳ سال گذشته بیشتر از ۵۰ سفر در سطح رئیس دولت یا وزیر خارجه به منطقه آفریقا داشته اند. ما هیچ وقت برای این منطقه برنامه ریزی نکرده بودیم حتی در آسیای جنوب شرقی.

به عنوان مثال کره جنوبی تا قبل از اتفاقات سال ۲۰۱۷ جزو سه یا چهار کشور با بیشترین حجم تبادلات اقتصادی با ایران بود، ولی شاهدیم که طی ۱۰ سال قبل از آن، هیچ سفری توسط مقام های رسمی ایران به کره جنوبی انجام نشده است. بنابراین دولت پیشین نمی دانست اولویت هایش در تبادلات دیپلماتیک و اقتصادی چیست؛ زیرا درگیر یک سری مسائل در سیاست خارجی بود که تمرکز خود را از مسائل کلیدی دور کرده بود، امروزه دولت سیزدهم با وجود همه محدودیت های بین المللی که توسط نظام سلطه برای کشور به وجود آمده است، با برنامه و اولویت بندی کارهای خود را پیش می برد و این خود یک اتفاق بسیار امیدوارکننده است و چشم انداز روشنی را در عرصه سیاست خارجی نشان می دهد.

باید انتظار چنین اتفاقاتی را داشته باشی». این نقض حقوقی است که یک خانم در کشور اروپایی آن را تجربه می کند اما به شکل کاملاً سیستماتیک در مورد آن ابهام و تردید وجود دارد.

در چنین فضایی، آنها چگونه می توانند کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران را به نقض حقوق بشر محکوم کنند؟

شما در پاسخ به سؤال نخست، مواضع اروپای غربی و شرقی را در برابر ایران از هم جدا کرده اید و به سفرهای مقامات وزارت خارجه دولت سیزدهم به کشورهای منطقه اروپای شرقی اشاره کرده اید. چرا با وجود قربت های فرهنگی و حتی دینی بسیار میان ایران و کشورهای این منطقه و جوه همکاری های مشترک سیاسی و اقتصادی با این کشورها به طور جدی در سیاست خارجی کشور مورد توجه قرار نگرفته است؟

با نگاه کارشناسانه به اقتصاد سیاسی ایران در سال های بعد از پیروزی انقلاب، می توان گفت که اولویت بندی تبادلات اقتصادی کشور آنچنان بر اساس مسائل استراتژیک آن نبوده است.

یعنی ما استراتژی اقتصاد بین الملل برای دیپلماسی اقتصادی نداشته ایم و به همین دلیل شاهد نوعی عدم تمرکز یا شاید عدم اولویت بندی در این تبادلات بوده ایم. این در حالی است که اگر می خواستیم بر اساس این استراتژی، مسائل اقتصادی خود را در زمینه بین الملل دنبال کنیم، باید از این ظرفیت بالقوه خیلی بیشتر از اینها استفاده می کردیم. من به یک شاخص در این مورد اشاره کنم. می توان گفت ظرف یک سال گذشته بعد از روی کار آمدن دولت جدید با توجه به تغییر در اولویت بندی های سیاست خارجی ایران که به وجود آمده است، ایران فقط با صربستان ۵۰ درصد افزایش تبادلات داشته است و به راحتی با یک پیش بینی اولیه می توان گفت این رقم تا نیمه اول ۲۰۲۳ به ۱۰۰ درصد افزایش در حجم تبادلات تجاری با این کشور خواهد رسید.

دادند اما مدتی بعد، رفتار اروپاییان به نوعی تغییر کرد که حتی میزبانی این گروه تروریستی را هم برعهده گرفتند. این نشان می دهد که تروریسم در اروپا، به «تروریسم خوب» و «تروریسم بد» تقسیم می شود. ملاک ارزیابی آنان از تروریسم خوب و تروریسم بد هم با توجه به سابقه تاریخی شان در دو دهه گذشته، از زمان حمله غربی ها به عراق آغاز شد و تا به امروز هم ادامه دارد.

به این ترتیب، اگر تروریسم در مقابل آنها قرار گیرد، تروریسم بد است و در لیست گروه های تروریستی قرار می گیرد و اگر در کنار آنها باشد با عنوان تروریسم خوب از آن یاد می کنند. بنابراین مواضعی که همواره از سوی اروپایی ها در قبال حقوق بشر در ایران گرفته می شود، موضوعی نخ نما شده است که استاندارد دوگانه مضحک اروپایی ها در قبال تروریسم را نشان می دهد.

در ماه های گذشته یکی از موضوعات حقوق بشری هم که اروپایی ها بسیار روی آن تأکید کرده اند بحث حقوق زنان بوده است و از همین منظر هم به نظر می رسد که گام های بلندی برای جدایی از ایران به همین بهانه برداشته اند. چنین رویکردی از سوی کشورهای اروپایی را چگونه ارزیابی می کنید؟

طبق آمار منتشر شده، در سوئد که یکی از کشورهای مطرح قاره اروپاست، از هر ۴ زن، یک زن تجربه تجاوز داشته است و در بریتانیا هم گفته می شود که از هر ۵ زن، یک نفر قبل از ۱۶ سالگی خشونت جنسی را تجربه کرده است. چند ماه پیش، خانم سوفی بروک، یکی از اعضای ارتشی نیروی دریایی انگلیس، در گفت و گویی اعتراف کرده بود که قبل از رسیدن به ۲۱ سالگی، چندین مرحله از سوی همکارانش در نیروی دریایی ملکه مورد آزار و اذیت قرار گرفته است.

نکته متمایز، صحبتی است که یکی از فرماندهان نیروی دریایی انگلیس داشته است.

وقتی مطالب بروک در رسانه ها بازنشر شد، ایشان گفته بود که «تقصیر خودت است و

●●
امریکا با استفاده از
عملیات روانی سعی
در بی ثبات سازی
بازارهای زود
نقدشونده مانند
بازار طلا، دلار و
سکه دارند. یعنی
اول انبوهی از اخبار
مثبت را ارسال
می کنند و به دنبال
آن در شبکه های
مجازی این اتفاق
پژواک بیشتری
می گیرد



سیدمصطفی خوش چشم، کارشناس مسائل بین الملل در گفت و گو با «ایران» از روند مذاکرات هسته ای می گوید

تجربه تلخ امریکا از هوشیاری دولت سیزدهم

● گفت و گو

دولت سیزدهم در برابر زیاده خواهی امریکایی ها مقاومت فعال دارد. در این میان شاید ترفند بهتری از انتشار انبوه اخبار درباره احتمال توافق موقت از سوی آنان وجود نداشته است؛ ترفندی که به گفته سیدمصطفی خوش چشم، پیشنهاد تازه ای نیست و از بهمن ماه ۱۴۰۰ مطرح شده بود تا با استفاده از عملیات روانی سعی در بی ثبات سازی بازارهای اقتصادی ایران کنند. یعنی اقدامی که بتواند فشار لازم را بر مذاکره کنندگان وارد سازد تا شاید آنها از مواضع خود در مذاکرات کوتاه بیایند. این کارشناس مسائل بین المللی با بیان اینکه اقداماتی که غربی ها انجام می دهند، موجی از عملیات روانی است تا با ایجاد شایعات، نوعی «توافق نمایی» کنند، گفت: آنچه که طرف امریکایی می خواسته و همچنان هم می خواهد، گرفتن مهم ترین ابزارهای چانه زنی در مذاکرات است. مشروح این گفت و گو را در ادامه بخوانید:

که داده ها و ستانده ها از نسبت معقولی با هم برخوردار باشند.

یعنی توافق موقتی در چشم انداز وجود ندارد؟

فعلاً هیچ گونه توافق موقتی در چشم انداز وجود ندارد، ولی امریکایی ها سعی می کنند با راهزنی های دریایی و اعلام تحریم های تکراری و جوسازی رسانه ای، فشار بر ایران را بیشتر کنند. در مقابل جمهوری اسلامی هم با در اختیار داشتن مؤلفه های قدرتمند خود از جمله توقیف کشتی های متخلف و رونمایی از تجهیزات موشکی، ابزارهای چانه زنی خود را در مذاکرات نشان می دهد. ترفند انتشار انبوه اخبار درباره احتمال توافق موقت، در چهارچوب طراحی همیشگی امریکایی ها است. آنها هر زمان در مذاکرات دچار مشکل می شوند، می خواهند موضع ایران را متزلزل کنند. آنها با استفاده از عملیات روانی سعی در بی ثبات سازی بازارهای زود نقدشونده مانند بازار طلا، دلار و سکه دارند. یعنی اول

طی روزهای گذشته خبرهای زیادی در خصوص توافق موقت بین ایران و طرف مذاکره کننده هسته ای منتشر شده است. چقدر احتمال انجام چنین توافقی وجود دارد؟

اقداماتی که غربی ها انجام می دهند، موجی از عملیات روانی است تا با ایجاد شایعات، نوعی «توافق نمایی» کنند. آنها با استفاده از رسانه های انگلیسی و فارسی زبان امریکایی، توافق موقت را تصویرسازی می کنند. در حالی که توافق موقت، پیشنهاد تازه ای نیست و از بهمن ماه ۱۴۰۰ مطرح شده بود. در آن زمان، آنچه امریکایی ها برای توافق موقت در سر داشتند، این بود که با گرفتن حق غنی سازی ۶۰ درصد از ایران، به هدف مورد نظرشان دست پیدا کنند اما، در مقابل حاضر نیستند امتیاز قابل توجهی برای رفع تحریم ها به ایران بدهند. آنها منافع پایدار اقتصادی برای ما ایجاد نکردند و این عدم توازن در پیشنهاد آنها موجب شد تا ایران این موضوع را نپذیرد. البته جمهوری اسلامی هیچ گاه میز مذاکره را ترک نکرده است؛ اما برای ایران، مذاکره در شرایطی نتیجه می دهد



آنچه امریکایی ها
برای توافق موقت
در سر داشتند، این
بود که با گرفتن
حق غنی سازی ۶۰
درصد از ایران، به
هدف مورد نظرشان
دست پیدا کنند
اما، در مقابل حاضر
نیستند امتیاز قابل
توجهی برای رفع
تحریم ها به ایران
بدهند





امریکایی‌ها از یکسو
ابزارهای مورد نیاز
برای جنگ ترکیبی
خود را تضعیف شده‌تر
می‌بینند و از دیگر
سوی ایران با استفاده
درست از ابزارهای
قدرتی مثل رونمایی
از موشک‌های پیشرفته
و ادامه غنی‌سازی
۶۰ درصدی توانسته
فشارهای متقابلی را به
طرف دیگر
وارد کند



طبیعی است در این
بین امریکایی‌ها در پی
آن هستند که جمهوری
اسلامی ایران نه از توافق و
نه از توافق موقت به هیچ
عنوان انتفاع اقتصادی
واقعی و پایدار نبرد و تنها
بخش کوچکی از تحریم‌ها
روی کاغذ لغو شود. لذا
دو طرف هم‌اکنون در
هماوردی مذاکراتی و در
تقابل استفاده از ابزارهای
قدرت خود علیه همدیگر
به‌سر می‌برند



آنچه امریکایی‌ها
برای توافق موقت
در سر داشتند، این
بود که با گرفتن
حق غنی‌سازی ۶۰
درصد از ایران، به
هدف مورد نظرشان
دست پیدا کنند
اما، در مقابل حاضر
نیستند امتیاز قابل
توجهی برای رفع
تحریم‌ها به ایران
بدهند

انبوهی از اخبار مثبت را ارسال می‌کنند و به دنبال آن در شبکه‌های مجازی این اتفاق پژواک بیشتری می‌گیرد و به طول لحظه اخبار جعلی و فیک ارسال می‌شود تا نخست بازار ارز کاهش قیمت داشته باشد و سپس در شرایطی که در پیک مذاکرات قرار داریم، ناگهان اخبار منفی منتشر می‌کنند تا قیمت دلار، سکه و ارز بالا رود. توقع طرف امریکایی این است که این بی‌ثبات‌سازی بازارهای اقتصادی ما باعث ایجاد فشار روی مذاکره‌کنندگان شود. این یک بازی شناخته‌شده است که در طول سال‌های گذشته و بویژه دو سال اخیر بسیار از سوی طرف امریکایی مورد استفاده قرار گرفته است.

نقش اروپایی‌ها در این میان چیست؟ چرا به دنبال اهرم فشار علیه ایران هستند؟ با توجه به اینکه در چند وقت اخیر شاهد تبادل زندانیان بین ایران و بلژیک بوده‌ایم، ارتباطی بین این اقدام با شایعات مربوط به توافق موقت وجود دارد؟

اروپایی‌ها با توجه به وضعیتی که در جنگ اوکراین وجود دارد، می‌خواهند زودتر به خواسته‌های خود برسند، لذا به جای اتخاذ مواضع عقلانی می‌خواهند فشار سیاسی را بر ایران افزایش دهند. در مجموع اختلافی بین امریکا و اروپا در خصوص مذاکرات با ایران وجود ندارد. به دلیل مشکلات درونی و بیرونی امریکا و نیز تمایل آنها برای تبادل زندانیان با ایران که موضوعی جدا از برنامه است، امریکایی‌ها ملاحظاتی را در نظر گرفته و فعلاً نقش پلیس بد را به اروپایی‌ها واگذار کرده‌اند.

امریکا به دنبال توافق‌نمایی است تا به کمک آن، بازارهای اقتصادی ما را شرطی کند و با بی‌ثباتی در قیمت ارز و دیگر بازارهای زودبازده اقتصادی و ایجاد جو روانی، مذاکره‌کنندگان کشور را تحت فشار قرار دهد. از زمستان سال ۱۴۰۰ با توجه به اینکه طرف امریکایی حاضر نبود یک بخش بسیار کوچک اما فوق‌العاده مهم از تحریم‌ها را بردارد، به دنبال این رفت که مهم‌ترین ابزار فشار و قدرت جمهوری اسلامی در مذاکرات یعنی غنی‌سازی ۶۰ درصد را در چهارچوب یک قرارداد موقت از دست ایران در بیاورد. همچنین درباره توافقاتی که درباره تبادل زندانی‌ها و آزاد شدن بخشی از پول‌های بلوکه شدن ایران در خارج از کشور صورت می‌گیرد، باید گفت که این مسأله جدای از هسته‌ای است و البته امریکایی‌ها می‌خواستند این موضوع را به توافقی احتمالی برنامه منضم کنند وگرنه

ایران در طول سال‌های گذشته بارها اعلام کرده که حاضر است جدای از برجام این اقدام صورت بگیرد و این طرف امریکایی است که از تن دادن به آن خودداری کرده است.

پس بحث توافق موقت از همان زمان مطرح بود؟

پیشنهادها از همان زمان وجود داشت. آنچه که طرف امریکایی می‌خواست و همچنان هم می‌خواهد گرفتن مهم‌ترین ابزارهای چانه‌زنی در مذاکرات است. مابه‌ازای آن هم قصد داشت کمترین میزان از امتیازات را به ایران بدهد. بنابراین پروژه توافق موقت بارها از سوی کشورمان رد شد، اما در شهریور گذشته و بعد از اینکه آخرین دور مذاکرات برای احیای برجام برگزار شد و طرف امریکایی همچنان اصرار به حفظ این بخش از تحریم‌ها و همین‌طور باقی گذاشتن پرونده‌های آژانس داشت، به یک جنگ ترکیبی با ایران روی آورد تا کشورمان را از مواضع خود عقب بنشاند.

بعد از اینکه در اوایل زمستان ۱۴۰۱ دور دوم جنگ ترکیبی امریکا در اجرا شکست خورد آنها بار دیگر زمزمه‌هایی درباره توافق موقت با همان شرایط قبلی را مطرح کردند. این بار البته ایران با اقدامات متعدد دیپلماتیکی که در سطح منطقه و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام داد با پیشدستی توانست ابزار فشار شورای حکام را از دست طرف امریکایی در بیاورد. حالا امریکایی‌ها از یکسو ابزارهای مورد نیاز برای جنگ ترکیبی خود را تضعیف شده‌تر می‌بینند و از دیگر سوی ایران با استفاده درست از ابزارهای قدرتی مثل رونمایی از موشک‌های پیشرفته و ادامه غنی‌سازی ۶۰ درصدی توانسته فشارهای متقابلی را به طرف دیگر وارد کند و این نبرد را به یک تقابل متوازن و دوسویه بکشاند. طبیعی است در این بین امریکایی‌ها در پی آن هستند که جمهوری اسلامی ایران نه از توافق و نه از توافق موقت به هیچ عنوان انتفاع اقتصادی واقعی و پایدار نبرد و تنها بخش کوچکی از تحریم‌ها روی کاغذ لغو شود. لذا دو طرف هم‌اکنون در هماوردی مذاکراتی و در تقابل استفاده از ابزارهای قدرت خود علیه همدیگر به‌سر می‌برند که اتفاقاً دست ایران در شرایط کنونی به مراتب پرتراست.

در حال حاضر مجموعه عوامل و ابزارهای قدرتی که ایران در اختیار دارد چیست؟

بعد از توقیف نفتکش‌های امریکا و رونمایی از دو موشک

پیشرفته هایپرسونیک طی هفته‌های گذشته و همچنین مجموعه‌ای از اقداماتی که از سوی ایران در حوزه دیپلماتیک انجام شد، از جمله برقراری همکاری‌های خاص با آژانس و خنثی‌سازی اقدامات آتی امریکا در شورای حکام، ایران دست بالا را در مذاکرات نسبت به امریکا دارد. از سوی دیگر با عادی‌سازی روابط با عربستان چندین کشور عربی خواستار تقویت و ارتقای روابط با جمهوری اسلامی در همه زمینه‌ها شده‌اند. مضاف بر اینکه انتخاب ایران به عضویت کمیته پیشگیری از جرم سازمان ملل و انتخاب بلافاصله جمهوری اسلامی به ریاست مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل و سفر مقامات ارشد منطقه‌ای به ایران در طول ماه‌های گذشته توانسته است نه تنها آسیب وارده به سیاست خارجه در طول اتفاقات پاییز را ترمیم کند، بلکه توانسته جایگاه سیاست خارجه جمهوری اسلامی در منطقه و جهان را ارتقا هم ببخشد.

در چنین شرایطی چه ارزیابی می‌توان از آینده مذاکرات داشت؟

رئیس‌جمهور و وزیر خارجه امریکا بارها به صورت شفاف گفته‌اند و می‌گویند که دیگر نمی‌خواهیم مذاکره کنیم. اکنون ما در یک جنگ اراده با طرف امریکایی و غربی به‌سر می‌بریم؛ جنگی که در آن دو تا سه امتیاز بسیار حساس و حیاتی باقی‌مانده است که هر طرفی این امتیازات را بگیرد در حقیقت پیروز میدان مذاکرات و توافق خواهد بود. واقعیت این است که هیچ‌کدام از دو طرف راضی به عقب‌نشینی نیستند. از یک سو، طرف ایرانی جایی برای عقب‌نشینی ندارد. چرا که در صورت نگرفتن امتیازات مورد نظر خود، در این توافق، باخت نصیبش خواهد شد و عایدی اقتصادی پایداری برای ما در بر نخواهد داشت و از سوی دیگر، امریکایی‌ها در دو نوبت بهار و پاییز جنگ ترکیبی به راه انداختند تا جمهوری اسلامی را وادار به عقب‌نشینی کنند. از آنجایی که در این دو نوبت نتیجه مورد نظر خودشان را دریافت نکرده‌اند، حالا باید یک‌بار دیگر به مواضع خود رجوع کنند. اگر در طول سالیان گذشته از این مذاکرات درس گرفته باشند، باید مواضع دیپلماتیک خود را تغییر دهند تا بشود به سمت جلو حرکت کرد. واقعیت این است که هیچ‌کدام از دو طرف راضی به عقب‌نشینی نیستند.



ایران

تحریر: سرویس سیاسی روزنامه ایران
عکس: آژانس عکس ایران
صفحه آرای: حجت حکیمی (دبیر)، محمد عباسپور، سید سجاد حسینی
شکوفه مهاجری، فرشید بهاری، ابراهیم نجفی
تصحیح و ویراستاری: محسن جانی‌پور (دبیر)، داریوش کمالی‌پور آزاد

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
معاون اجرایی: هاشم سروش‌پور
سر دبیر ویژه‌نامه: حسام‌الدین برومند
معاون فنی: محمد ملاعلی‌اکبری
دبیر ویژه‌نامه: مصطفی عیوفی

www.iran-newspaper.ir
editorial@iran-newspaper.ir

نشانی: تهران خیابان خرمشهر - شماره ۲۰۸ تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
روابط عمومی: ۸۸۷۶۹۰۷۴-۵
سندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
لیتوگرافی چاپ و محافی: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران